



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

کتابچہ
سینہ
سینہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسند فاطمه بنت الحسين (عليهما السلام)

نویسنده:

علیرضا سید کباری

ناشر چاپی:

زائر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	مسند فاطمه بنت الحسین علیهما السلام
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	مقدمه
۱۱	سخن ناشر
۱۳	پیشگفتار
۱۳	قسمت اول
۲۰	قسمت دوم
۲۵	فصل اول
۲۵	زندگی حضرت فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام)
۲۵	حضرت فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام)
۲۵	فرزندان امام حسین (علیه السلام)
۲۷	فاطمه کبری
۲۸	فاطمه صغری
۳۲	ولادت
۳۲	مادر فاطمه کبری
۳۴	ازدواج فاطمه (علیها السلام)
۳۷	ازدواجهای میان بنی هاشم و بنی عبد شمس
۳۸	فرزندان
۳۹	حماسه حسینی
۴۳	حمل ودایع امامت
۴۳	غارت خیمه ها
۴۵	در مجلس یزید
۴۷	تجلیل از شاعر اهل بیت (علیهم السلام)

۴۸	مادر انقلابیان
۵۱	وفات
۵۴	فصل دوم: حوزه علمیه بانوان شیعه
۵۴	اشاره
۵۴	پیدایی حوزه علمیه
۵۵	حوزه علمیه مدینه
۵۵	حوزه علمیه مدینه
۵۵	الف عصر رسالت
۵۷	ب عصر امامت
۵۸	حوزه مدینه در عصر حسینی
۶۰	راویان احادیث امام حسین (علیه السلام)
۶۱	پاورقی ۱
۷۰	پاورقی ۲
۷۴	محدّثه مکتب حسینی
۷۸	راویان حدیث فاطمه بنت الحسین (علیه السلام)
۸۲	خطبه حماسی فاطمه بنت الحسین (علیه السلام)
۹۱	شرح خطبه
۹۱	شرح خطبه
۹۴	الف سبک ادبی
۹۴	اشاره
۹۴	۱ الهام از قرآن کریم
۹۶	۲ ادبیات حماسی
۹۹	ب مفاهیم خطبه
۹۹	مفاهیم خطبه
۹۹	۱ حمد الهی
۱۰۱	۲ گواهی به رسالت پیامبر

- ۳ گواهی به امامت علی (علیه السلام) ----- ۱۰۳
- ۴ شهادت امام حسین (علیه السلام) ----- ۱۰۴
- ۵ انتقام الهی ----- ۱۰۶
- ۶ فضل خداوند ----- ۱۰۸
- فصل سوم: مسند فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) ----- ۱۱۸
- اشاره ----- ۱۱۸
- بخش اول: امامت ----- ۱۱۸
- ۱ حماسه غدیر ----- ۱۱۸
- ۲ دوستی امام علی (علیه السلام) ----- ۱۲۰
- ۳ دوستی امام علی (علیه السلام) ----- ۱۲۲
- ۴ خطبه حضرت زهرا (علیها السلام) در بستر بیماری ----- ۱۲۳
- ۵ حضرت علی (علیه السلام) جانشین پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ----- ۱۲۷
- ۶ طهارت امام حسین (علیه السلام) ----- ۱۲۹
- ۸ ترغیب به حضور در مکتب امام سجاد (علیه السلام) ----- ۱۳۱
- بخش دوم: فضایل اهل بیت ----- ۱۳۲
- ۹ مباحث به اهل بیت (علیهم السلام) ----- ۱۳۲
- ۱۰ محور سعادت و شقاوت ----- ۱۳۳
- ۱۱ دوستی علی (علیه السلام) محور سعادت ----- ۱۳۴
- ۱۲ بازگشت آفتاب ----- ۱۳۴
- ۱۳ بازگشت آفتاب ----- ۱۳۵
- ۱۴ انتساب به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ----- ۱۳۷
- ۱۵ گواهی به شهادت فرزندان فاطمه (علیها السلام) ----- ۱۳۸
- ۱۶ هفت شهید ----- ۱۳۸
- ۱۷ فرزندان فاطمه زهرا (علیها السلام) ----- ۱۴۰
- ۱۸ سرور بانوان جهان ----- ۱۴۰
- ۲۰ حبّ آل محمّد (صلی الله علیه وآله وسلم) ----- ۱۴۳

- ۲۱ شیعیان علی (علیه السلام) ۱۴۴
- بخش سوم : عبادات ۱۴۶
- ۲۲ دعای ورود به مسجد ۱۴۶
- ۲۳ دعای ورود به مسجد ۱۴۶
- ۲۴ دعای ورود به مسجد ۱۴۷
- ۲۵ دعای ورود به مسجد ۱۴۷
- ۲۶ دعای ورود به مسجد ۱۴۸
- ۲۷ خشوع در نماز ۱۴۹
- ۲۸ دعای پس از نوافل ظهر ۱۴۹
- ۲۹ دعا به همسایگان ۱۵۴
- ۳۰ قرائت آیه الکرسی ۱۵۴
- ۳۱ پناه به کلمات تام خداوند ۱۵۵
- ۳۲ تجدید پیمان با خدا : ۱۵۶
- بخش چهارم: اخلاق ۱۵۶
- ۳۳ صفات عالی اخلاقی ۱۵۶
- ۳۴ کمال ایمان: ۱۵۶
- ۳۵ ویژگیهای کمال ایمان ۱۵۸
- ۳۶ اصلاح امت ۱۵۹
- ۳۷ رغبت به دنیا ۱۵۹
- ۳۸ خیر دنیا و آخرت ۱۵۹
- ۳۹ تواضع و گرامیداشت زنان ۱۶۱
- ۴۰ زن و جامعه ۱۶۲
- اشاره ۱۶۲
- ۲ ابتلاء به مصیبت و ذکر انا لله ۱۶۶
- ۳ قرائت آیه استرجاع ۱۶۷
- ۴ قرائت آیه استرجاع ۱۶۷

- ۵ تصدیق کلام خدا و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ۱۶۸
- ۶ حقوق درخواست کنندگان ۱۶۹
- ۷ حقوق درخواست کننده کمک مالی ۱۶۹
- ۸ مغلوب شدن سپاه ظلم ۱۷۰
- ۹ کبر ۱۷۰
- ۱۰ حقوق حیوانات ۱۷۲
- ۱ رحمت الهی بر بنده بیمار ۱۷۲
- بخش پنجم: بهداشت ۱۷۳
- ۱ رعایت بهداشت به هنگام ملاقات بیماران ۱۷۳
- ۲ نگاه به بیماران جذامی ۱۷۳
- ۳ بهداشت دست ۱۷۳
- ۴ بهداشت دست ۱۷۴
- ۵ بهداشت دست ۱۷۴
- فصل چهارم: روایان احادیث ۱۷۴
- فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) ۱۷۵
- ابراهیم بن الحسن بن الحسن (علیه السلام) ۱۷۵
- اسحاق بن ابی یحیی ۱۷۶
- اسماء بنت ابی بکر ۱۷۶
- اسماء بنت عمیس ۱۷۷
- الإمام علی (علیه السلام) ۱۷۹
- الإمام الحسن (علیه السلام) ۱۸۲
- الإمام الحسین (علیه السلام) ۱۸۶
- الإمام علی بن الحسین (علیه السلام) ۱۹۰
- الإمام محمد بن علی الباقر (علیه السلام) ۱۹۲
- درباره مرکز ۱۹۴

سرشناسه : سید کباری، علیرضا، ۱۳۴۴- عنوان و نام پدید آور : مسند فاطمه بنت الحسین علیهما السلام/علیرضا سید کباری، باهمکاری الیاس محمدیگی. مشخصات نشر : قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر ۱۳۷۶. مشخصات ظاهری : ۲۹۶ ص.:جدول. شابک : ۳۰۰۰ ریال یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۸۵-۲۹۶؛ همچنین به صورت زیرنویس. موضوع : فاطمه بنت حسین (س)، - ۱۱۰ ق. شناسه افزوده : محمدیگی، الیاس، ۱۳۴۱- شناسه افزوده : آستانه مقدسه قم. موسسه فرهنگی - اقتصادی زائر. رده بندی کنگره : BP۵۲/۲/ف ۲ س ۸۶ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۹ شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۴۱۲۰۶

مقدمه

به پیشگاه رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و امامان شیعه پیشوایان هدایت و رستگاری .

به امامانی که شاگردی چونان فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) را تربیت کردند و حضرت زهرا (علیها السلام) .

و پیشوایانی که با ذکر روایت او نام وی را گرامی داشتند.

به حضرت فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) که خود از حماسه سازان عاشورا و عاشورائیان عصر امامت از حسین شهید تا صادق آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) است .

به فاطمه فرزند امام شهید ، حسین (علیه السلام) و مادر شهیدان . به او که امروز نیز در «الخلیل» شاهد مظلومیتی دیگر است .

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ . تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا ، وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» .

«ای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ندیدی که چگونه خدا کلمه پاکیزه را به درخت زیبایی مثل زده که اصل ساقه آن برقرار باشد و شاخه آن به آسمان رفعت و سعادت برشود. آن درخت (زیبا) به

اذن خدا همه اوقات میوه های مأكول و خوش دهد ، خدا اینگونه مثلهای واضح برای تذکر مردم می آورد» .

(ابراهیم ۲۴ و ۲۵)

سخن ناشر

سابقه تدوین مسانید حدیثی به قرون اولیه از تاریخ اسلام میرسد . امروزه دهها کتاب حدیثی تحت همین عنوان تدوین شده است که احادیث یکی اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و یا چند تن از آنان را به صورت مستقل نقل کرده است . این نوع کتب حدیثی گاه به خود آن صحابی نسبت داده می شود و گاه به گردآورنده آن . «مسند ابی بکر» و «مسند ابی هریره» ، از نوع اول و «مسند احمد بن حنبل» از نوع دوم نامگذاری است .

هر گاه کتاب حدیث ، احادیث مرویه یکی از معصومین باشد نیز مسند نامیده می شود . مانند . «مسند الرسول الأعظم» ، «مسند فاطمه» ، «مسند الامام الحسین (علیه السلام)» .

همچنین هر گاه کتاب حدیثی ، احادیث مرویه یکی از راویان باشد خواه آن راوی از اصحاب پیامبر باشد و یا اصحاب امامان معصوم (علیهم السلام) ، آن نیز مسند نامیده می شود مانند «مسند هشام بن الحکم» ، «مسند عبد العظیم الحسنی» .

برخی از کتب حدیثی که به صورت مسند تدوین شده اند به قرار زیر است :

مسند الرسول الأعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) شیخ یحیی فلسفی دارابی شیرازی (معاصر)

مسند امیر المؤمنین (علیه السلام) عبد العزیز بن یحیی الجلودی البصری (قرن سوم)

مسند امیر المؤمنین (علیه السلام) یعقوب بن شیبه السدوسی (متوفی ۲۶۲ ه ق)

مسند علی (علیه السلام) احمد بن شعیب النسائی (متوفی ۳۰۳ ه ق)

مسند علی (علیه السلام) سید حسن بن علی القبانجی النجفی

(معاصر)

مسند فاطمه (علیها السلام) ابو جعفر محمد جریر طبری (متوفی ۳۱۰ ه ق)

مسند فاطمه (علیها السلام) محمد بن احمد الدولابی (متوفی ۳۲۰ ه ق)

مسند الامام الحسن (علیه السلام) محمد بن احمد الدولابی

مسند الامام الحسین (علیه السلام) محمد بن احمد الدولابی

مسند الامام الباقر (علیه السلام) سید محمد کاظم کفایی (معاصر)

مسند الامام الصادق (علیه السلام) عبد الله بن جعفر الحمیری (متوفی حدود ۳۰۰ ه ق)

و دهها مسند دیگر .

از ویژگی های نگارش و تدوین کتابهای حدیثی به صورت مسند این است که طبقات رجال و راویان در این اسلوب مورد شناسایی قرار می گیرند . بدین ترتیب ما با تدوین «مسند علی (علیه السلام)» راویان وی را نیز در کنار تدوین حدیث مشخص کرده ایم و طبقه رجالی آنها نیز تعیین شدهاند .

مثلاً- راوی حدیث امام علی (علیه السلام) از تابعین بوده است و یا از اصحاب . و یا اصحاب امام صادق (علیه السلام) در کدامیک از طبقات رجالی جای دارند . چون ممکن است برخی از روایات از دو طبقه و یا سه طبقه محسوب شوند . با شناخت طبقه راویان حدیث مشخص میگردد که آیا حدیثی که سند آن ذکر شده ، نام یکی ، دو نفر حذف شده و مرسله است ، یا نه تمامی سلسله سند آمده است .

در مسند بانوان محدثه موارد نیز مورد توجه است :

۱ حیات علمی بانوان محدثه .

۲ حوزه علمی و مکتب حدیثی آنان .

۳ شناخت رجالی بانوان محدثه در طبقه رجالی ، اساتید و شاگردان آنها .

۴ نوع احادیث منقول از بانوان محدثه و ویژگی حوزههای علمیه بانوان شیعه در ادوار مختلف

۵ رفع نقیصه کتب رجالی که تنها در مواردی خاص نام بانوان محدثه را ذکر کرده‌اند .

از خداوند متعال مسئلت داریم که در پرتو فیوضات ربانی و هم جواری با کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) ما را در این کار یاری فرماید .

پیشگفتار

قسمت اول

خدای را سپاسگزاریم که بر ما مَنّت نهاد تا بار دیگر بر خوان نعمت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) حاضر آئیم و از کلمات طیبه آنان بهره ببریم .

نخستین بهره ما از بیانات نورانی خاندان عصمت «مسند فاطمه معصومه سلام الله علیها» بود در آن گزارش کوتاه از حوزه های علمی بانوان محدثه در عصر رسالت و امامت داده شد و آنگاه پس از آشنایی اجمالی با زندگی کریمه اهل بیت ، احادیث وارده از ایشان را نقل نموده و سلسله اسناد و طرق روایی آنها را مورد بررسی قرار دادیم .

وعده داده بودیم که برای دستیابی به احادیث معصومین (علیهم السلام) و شناخت حوزه های علمی بانوان محدثه ، روایات دیگر بانوان حدیث گوی را تدوین نموده و با بررسی رجال سند هر یک از روایات ابهامات تاریخی و رجالی را در حدّ میسور برطرف سازیم .

«مسند فاطمه بنت الحسین (علیها السلام)» دومین اثر از این نوع است که ما را در شناسایی احادیث وارده از طریق دخت سید الشهداء (علیه السلام) یاری می رساند . شخصیت بزرگ علمی ، فرهنگی و سیاسی که علاوه بر افتخار انتساب به امام حسین (علیه السلام) ، از بزرگان حوزه حدیثی عصر حسینی محسوب می شود که در واقع کربلا حضور داشته و با بیانات حماسی خویش حضور

زن مسلمان را در عرصه سیاست به نمایش گذاشته است .

بانوی مکرمه‌های که با سپر پرهیزکاری و عرفان الهی ، خویشتن خویش را از ناپاکی‌ها پیراسته و در تعالی روح ریاضتها کشیده است . شخصیت بزرگی که در دامان خویش فرزندان را پرورش داده که شهادت را با آغوش باز استقبال نموده و با رویی سرخ به لقاء معبود شتافته اند . و این چنین شخصیت عظیمی زینده است که فرزند امام حسین (علیه السلام) باشد و خواهر امام زین العابدین (علیهما السلام) . در فرهنگ قرآنی و روایی اصحاب خاص پیامبران و امامان عنوان «حواریین» به خود گرفته‌اند و در واقع این اصحاب از خاصان اهل ایمان در عصر خویش بوده و از شاگردان مکتب توحید و ناشران معارف الهی محسوب میشدند . چنانکه در قرآن کریم آمده است :

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ ، قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ...)
(۱).

«ای اهل ایمان شما هم یاران خدا باشید ، چنانکه عیسی بن مریم به حواریین گفت : کیست مرا برای خدا یاری کند ؟ آنها گفتند : ما یاران خدائیم ...» .

همچنین آمده است :

(فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ ، قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ، ءَأَمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ)(۲).

«پس چون عیسی به یقین دریافت که قوم ایمان نخواهند آورد (به همان شاگردانش که ایمان آوردند) گفت: کیست که با من دین خدا را یاری کند ؟ حواریان گفتند : ما یاری کنندگان دین خدائیم و به خداوند ایمان آورده‌ایم ، گواهی ده که ما تسلیم

فرمان اوئیم» .

پاورقی

(۱) صف ۱۴ .

(۲) آل عمران ۵۲ .

در فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) هم به پیروی از قرآن کریم اصحاب خاص ایشان با عنوان «حواریین» مدح شده‌اند . چنانکه «کشی» در رجال به نقل از محمد بن قولویه گوید :

قال حدثني سعد بن عبد الله بن ابي خلف ، قال حدثني علي بن سليمان بن داود الرازي ، قال حدثنا علي بن اسباط ، عن ابيه اسباط بن سالم ، قال : قال ابو الحسن موسى بن جعفر (عليهما السلام) :

اذا كان يوم القيمة نادى مناد : أين حوارى محمد بن عبد الله (صلى الله عليه وآله وسلم) رسول الذين لم ينقضوا العهد ومضوا عليه ؟

فيقوم سلمان والمقداد وابوذر .

ثم ينادى مناد : أين حوارى علي بن ابي طالب (عليه السلام) ، وصى محمد بن عبد الله (صلى الله عليه وآله وسلم) رسول الله ؟ فيقوم عمرو بن الحمق الخزاعي و محمد بن ابي بكر و ميثم بن يحيى التمار ، مولى بن اسد و اويس القرنى .

قال ، ثم ينادى المنادى أين حوارى الحسن بن علي (عليه السلام) ، بن فاطمه بنت محمد بن عبد الله (صلى الله عليه وآله وسلم) رسول الله ؟

فيقوم سفيان بن ابي ليلي الهمداني و حذيفة بن اسيد اسد الغفارى .

قال ، ثم ينادى [المنادى] : أين حوارى الحسين بن علي (عليه السلام) ؟

فيقوم كل من استشهد معه ولم يتخلف عنه .

قال : ثم ينادى [المنادى] : أين حوارى علي بن الحسين (عليه السلام) ؟

فيقوم جبير بن مطعم و يحيى بن ام الطويل و ابو خالد الكابلى و سعيد بن المسيب

ثم ينادى المنادى : أين حوارى محمد بن علي (عليه السلام) و حوارى جعفر

بن محمد (علیه السلام)؟

فیقوم عبد الله بن شریک العامری و زرارہ ابن اعین و برید بن معاویہ العجلی و محمد بن مسلم و ابو بصیر لیث بن البختری المرادی و عبد الله بن ابی یعفور و عامر بن عبد الله بن جذاعہ و حجر بن زایدہ و حمران بن اعین.

ثم ینادی سائر الشیعہ مع سائر الأئمہ (علیہم السلام) یوم القیمہ ، فهؤلاء [المتحورہ] (۱) اول السابقین و اول المقربین و اول المتحورین من التابعین» (۲).

حضرت امام کاظم (علیه السلام) میفرماید :

«روز قیامت منادی ندا می کند که کجایند حواریین محمد بن عبد الله (صلی الله علیه وآله وسلم) که به عهد آن حضرت در گذشتند و اصلاً نقض پیمان نکردند؟

پس سلمان و مقداد و ابوذر برمی خیزند .

سپس منادی ندا می کند : کجایند حواریین علی بن ابی طالب (علیه السلام) وصی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)؟

پس عمرو بن حمق خزاعی ، محمد بن ابی بکر ، میثم تمار و اویس قرنی برخیزند

سپس منادی ندا می کند : حواریان حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) ، فرزند فاطمه زهرا (علیها السلام) دختر رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) کجایند؟

پاورقی

(۱) ای الذین صاروا حواریین .

(۲) «اختیار معرفه الرجال» ، ص ۹ و ۱۰ ، حدیث ۲۰ .

پس سفیان بن ابی لیلی و حذیفه بن اسید غفاری برخیزند .

سپس منادی ندا می کند : حواریین امام حسین (علیه السلام) کجایند؟

پس از این ندا تمام شهدای کربلا برخیزند .

سپس منادی ندا می کند : حواریان امام سجاد (علیه السلام) کجایند؟

پس جبیر بن مطعم ، یحیی بن ام طویل ، ابو خالد کابلی و سعید بن مسیب برخیزند .

منادی ندا می کند : حواریین حضرت امام باقر و امام صادق (علیه السلام) کجایند ؟

پس عبد الله بن شریک عامری ، زرارہ بن اعین ، برید بن معاویہ ، محمد بن مسلم ، ابو بصیر لیث بختری ، عبد الله بن ابی یعفر ، عامر بن عبد الله بن جذاعه ، حجر بن زایده و حمران بن اعین برخیزند .

سپس منادی حواریین سایر ائمه (علیهم السلام) را مخاطب قرار می دهد و این حواریین در روز محشر اول سابقین و مقربین و تابعین شناخته می شوند» .

هر چند حضرت فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) از شهدای کربلا نیست ، لیکن از امام حسین (علیه السلام) و نهضت عاشورا نیز جدا نیست . چه حضور او از کربلا تا کوفه و شام و مدینه در نهادی شدن فرهنگ عاشورا نقش مؤثری داشته است و او به حق از حواریان امام حسین (علیه السلام) است آنسان که فرزند اوست .

پایه های نهاد عاشورا با نوحه سرایی جبرئیل و گریه آدم صافی آغاز و با نفرین نوح پیامبر بر قاتلان او دوام یافت (۱) پس پیامبران الهی از ابراهیم خلیل و اسماعیل ذبیح و تا موسای کلیم و عیسی مسیح همه در مصیبتی که بر امام شهید وارد خواهد شد ، گریستند . تا اینکه با بعثت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نهادی کردن فرهنگ عاشورا رسمیت یافت و آن حضرت از روز تولد مصائب سرور جوانان بهشت را با قطرات بلورین اشک خویش یاد آور شد (۲) چه اینکه حسین رکنی از ارکان و امتی از امم است .

«حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ وَأُمَّهُ مِنَ الْأُمَّمِ» (۳).

امام حسین (علیه)

السلام) که به گواهی مورخان و سیره نویسان شبیه ترین افراد به رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بود در سیرت نیز به جد بزرگوارش اقتدا کرده بود. از اینرو درباره وی فرمود:

«حُسَيْنٌ مِّنِّي وَأَنَا مِنْهُ أَحَبُّ اللَّهِ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا . الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سِبْطَانِ مِنَ الْأَسْبَاطِ» (۴)

«حسین از من و من از اویم . خدای دوست میدارد کسی را که حسین را دوست بدارد . حسن و حسین دو رکن از ارکان اسلام می باشند» .

نهاد ، نظام سازمان یافته و پایداری از الگوهای اجتماعی است که برخی رفتارهای تأیید شده و یکنواختی را در جهت برآورده ساختن نیازهای بنیادی جامعه ایجاب می کند .

نهاد خانواده ، نهاد آموزشی و نهاد حکومتی از جمله نهادهای بنیادی اجتماعی هستند که هر یک کارکردها و مسئولیتهای معینی دارند که به افراد جامعه واگذار می شوند .

پاورقی

(۱) «بحار الانوار»، ج ۴۴، ص ۲۴۳، ۲۴۵ .

(۲) «بحار الانوار»، ج ۱۰۱، ص ۲۴۳ به نقل از امالی صدوق .

(۳) «حفیده الرسول»، ص ۴۰ .

(۴) «الجامع الصغیر»، ج ۱، ص ۱۴۸، «کنز العمال»، ج ۶، ص ۲۲۳، «أمالی»، شریف مرتضی، ج ۱، ص ۲۱۹ .

نهاد دارای کارکرد اجتماعی ویژه‌ای است که به نحو مستقل از اراده اعضاء به حیات خود ادامه میدهد . افراد به دنیا می آیند و از بین میروند در حالیکه نهادهای اجتماعی نظیر: نهاد سیاسی، نهاد اقتصادی، نهاد خانوادگی و یا نهاد مذهبی پا برجاستند، هرچند در طول زمان تحولاتی پیدا کنند . نهاد بخشی از ساخت جامعه است و دارای نقش ویژه‌ای در حیات

اجتماعی است و هنجارهایی به همراه دارد که گرایش به اجباری بودن دارد، و در طی نسلهای متمادی، هدفهای آشکاری را تعقیب می کند و ارزشهای خاصی را در محدوده خود پذیرفته است. این هنجارها و ارزشها در عین اینکه می توانند تحول یابند، دارای وحدت و انسجام نیز هستند، و در حقیقت نهاد اجتماعی مبین واقعیتی است که در جامعه استقرار یافته است.

قسمت دوم

نهاد اجتماعی از استمرار و دوام در طول تاریخ برخوردار است، چرا که نهادها مقاوم هستند و دارای سمبلیایی می باشند که پیوستگی و دوام میان خود را حفظ می نمایند. نهادها دارای قوالب رفتاری هستند که در سطح فردی بر رفتار افراد جامعه تأثیر می گذارند و الگوهای رفتاری آنها در بیشتر موارد مشخص می باشند. چنانکه اصول دین اسلام ما را با عقیده مندی به توحید، نبوت، امامت، عدل و معاد به سلسله رفتارهای فردی بر می انگیزد که در جامعه تأثیر مستقیم دارند.

ایده‌نولوژیهای معین نهادها، کارکرد و موجودیت آنها را توجیه می کنند. ساخت هر نهادی ممکن است بسیار قاطع و خشن و یا قابل انعطاف و سست باشد. و کارکرد آنها به دو صورت «آشکار» و «مخفی» هستند که نقش آشکار به گونه ای علنی باز شناسی می شوند، در حالیکه کارکردهای مخفی در حقیقت نتایج کارکردهای نهادی هستند که باز شناسی نمی شوند.

نهادی شدن الزاماً در ترکیب کاملاً نوینی ممکن است صورت نگیرد و به طور کلی منظم به نهادهای قبلی و مستقر در جامعه گردد. چنانکه نهادی شدن فرهنگ

عاشورا با نهاد مذهبی تشیع به هم پیوسته است .

هر نهادی در برآوردن نیازهای اجتماعی هدف خاصی را دنبال می کند و برای رسیدن به هدفهای کارکردهای چندگانه‌ای را انجام می دهد . چنانکه نهاد خانواده مسؤول نظارت بر کارکرد تولید مثل ، اجتماعی کردن کودکان و تأمین امنیت اقتصادی و فرهنگی برای اعضایش را فراهم می‌آورد و نهاد حکومت مسؤول تأمین نظم در جامعه ، دفاع از جامعه در برابر حملات خارجی و تثبیت قوانین است .

نهادهای اساسی خانواده ، آموزش و پرورش ، اقتصاد ، سیاست و مذهب چنان برای یک فرهنگ اساسی هستند که بدون آنها تصور زندگی اجتماعی میسر نیست و مردم شناسان هرگز نتوانسته اند جامعه اولیه‌ای ، اعم از معاصر یا تاریخی را پیدا کنند که در آن این نهادهای اساسی وجود نداشته باشند .

هر فرد از لحظه تولید تا مرگ در ارتباط با نهادهای اجتماعی است و در این ارتباط ، میراثهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود .

وقتی سخن از نهادی شدن عنصری از عناصر فرهنگ است ، از تثبیت شدن هنجاری فرهنگی بحث می گردد که «ارزشها» و «آداب و رسوم» و «عرف» آن را به صورت نهادی سازماندهی کرده است .

نهاد خانواده به همان اندازه از این اصل پیروی می کند که نهاد آموزش و پرورش . و نهاد حکومت به میزان نهاد اقتصاد . و در حقیقت پیدایی نهادهای اساسی فرهنگ به صورتی با هنجارهای فرهنگی در ارتباط هستند و در بوجود آوردن نهاد مورد نظر ایفای نقش نموده‌اند .

ارزشها احساسات ریشه داری هستند که اعضای یک جامعه در آنها سهیمند

. این ارزشها برخاسته از مفاهیم اخلاقی و ایده تولوژی هاست . بایدهای اخلاقی در قالب ارزش در جامعه جلوه گری می کنند . و این ارزشها در ایده تولوژی اسلامی به متون دینی متکی هستند .

ارج نهادن به «جهاد فی سبیل الله» و «شهادت» در قرآن کریم و سیره نبوی (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه شیعه (علیهم السلام) به گونه‌ای است که توانسته است «نهضت حسینی» و «قیام عاشورا» را به صورت نهادی سازماندهی نماید . و در مسیر تاریخ تداوم یابد . این سازماندهی ناشی از ثقل اخلاقی ارزش اجتماعی شهادت است . چنانکه دیگر مفاهیم ارزشی اسلام ، گاه با میزان شهادت سنجیده می گردند . هر چند در مرتبه شان بالاتر از شهادت جای گرفته باشند .

از جمله حدیث مشهوری است که می فرماید : «مِدَادُ الْعُلَمَاءِ أَفْضَلُ مِنْ دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ» و یا «... فَتَوَزَّنْ دِمَاءُ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ ، فَيَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ» (۱).

به همین مناسبت برخی از ارزشها از بعضی دیگر مهمتر هستند چرا که محرک عمدهای برای انجام کارها در جامعه می باشند و سبب مشارکت‌هایی میان افراد و گروهها می گردند . این ارزشهای متعالی نشان می دهند که چه چیز در جامعه خواستنی و حتی اساسی است و نقش عمدهای در استمرار و رفاه جامعه دارد .

ارزشها را می توان بر اساس کارکرد نهادی هر یک در چارچوب فرهنگ طبقه بندی نمود و در چنین موقعیتی است که ارزشهای اجتماعی مانند نقشها و روابط اجتماعی ، حالت نهادی پیدا می کنند .

نهادی کردن فرهنگ عاشورا از هنر عشق ورزی به حضرت سید الشهداء

(علیه السلام) بوجود آمد . به این معنی که امت اسلامی و شیعیان علوی نخست عاشق امام حسین (علیه السلام) گردیدند ، به او و آرمانهای والایش دلبستگی پیدا کردند و آرمانهای او ، اهداف او جزیی از وجودشان شد . آتش عشق زبانه کشید و به صورت نیروی فعال در اعضای فرد و جامعه جلوه نمود و با پایداری در عشق ، حالت فداکاری بوجود آمد و دلسوزی ، احساس مسؤولیت ، احترام و دانایی یکی پس از دیگری در جان عاشق شعله کشید و در برپایی عزاداری حسینی و بزرگداشت نام و یاد او در هر روزی ، در هر آب آشامیدنی خود نمایی کرد ، تا عشق به امام حسین (علیه السلام) حالت نهادی به خود گرفت و یکی از عناصر جدایی ناپذیر فرهنگ تشیع شد .

پاورقی

(۱) سفینه البحار ، ج ۲ ، ص ۲۲۰ .

علاوه بر عناصر اصیل فرهنگ تشیع امام زین العابدین و امام باقر (علیهما السلام) که در واقع عاشورا حضور داشتند و در نهادی کردن فرهنگ عاشورا گامهای مؤثری برداشته اند ، مردانی که مجروح شده و در آن روز به شهادت رسیدند ، با انتقال حماسه عاشورا فرهنگ سرخ حسینی را به نسلهای بعد انتقال دادند و نیز بانوان مکرمه و شیر زنان نامداری در روز عاشورا حضور داشتند که در نهادی کردن فرهنگ عاشورا به ایفای نقش پرداختند . بانوان حاضر در روز حماسه عبارتند از :

۱ حضرت زینب بنت علی بن ابی طالب (علیه السلام) .

۲ حضرت فاطمه بنت علی بن ابی طالب (علیه السلام) (۱) .

۳ حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) .

۴ حضرت سکینه بنت الحسین (علیه

السلام) .

پاورقی

(۱) «بحار الانوار»، ج ۴۵، ص ۱۴۶ .

۵ رباب بنت امرء القیس (همسر امام حسین (علیه السلام)) (۱).

۶ ام کلثوم صغری (سیده نفیسه) (۲).

۷ ام وهب نمریه قاسطیه بنت عبد الله (همسر عبد الله بن عمیر کلبی، که در کربلا به شهادت رسید) (۳).

۸ دلهم بنت عمرو (همسر زهیر بن قین بجلی) .

۹ زنی از قبیله بکر بن وائل .

۱۰ ام عبد الله بن عمیر (وی در یاری امام حسین (علیه السلام) در کربلا جنگید)

۱۱ ام عمر بن جناده (وی در کربلا با دشمنان امام حسین (علیه السلام) جنگ کرد) .

۱۲ کنیز مسلم بن عوسجه (۴).

همانگونه که یاران امام حسین (علیه السلام) در میان مردان به دو گروه عمده بنی هاشم و غیر آن از بنی اسد، همدان، مدحج، بجلی و ازدی... تقسیم میشود، در بین بانوان نیز اینگونه است و نیمی از بانوان حاضر در کربلا که به یاری دین خدا و امام زمان خویش پرداخته اند از بنی هاشم می باشند.

حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) یکی از شخصیت‌های مهم واقعه طف است که با خطبه حماسی خود از نخستین ناشران فرهنگ عاشورا محسوب می شود. ولی در طی حیات پر بارش، تعالیم دینی مکتب حسینی را به آیندگان منتقل نمود. این مجموعه که در چهار فصل تنظیم شده است، زندگی حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام)، حوزه علمیه بانوان شیعه در عصر وی، احادیث منقول از او و روایان احادیثش را مورد بررسی قرار داده است.

پاورقی

(۱) «بررسی تاریخ عاشورا»، آیتی، ص ۱۶۴، ۱۷۴، «مقتل الحسین»،

ابی مخنف ، ص ۲۱۴ .

(۲) «زندگانی علی بن الحسین (علیه السلام)» ، دکتر شهیدی ، ص ۵۶ .

(۳) «ابصار العین فی انصار الحسین» ، سماوی ، ص ۱۰۶ و ۱۰۸ .

(۴) همان ، ص ۱۳۲ و ۱۳۳ .

بخش عمده‌های از فصل سوم کتاب توسط برادر فاضل حضرت حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای الیاس محمد بیگی (صادقی) تهیه و تدوین شده است ، که پیشاپیش از ایشان تشکر می کنم و توفیقات روز افزو نشان را از خداوند متعال خواستارم .

والله ولیّ التوفیق

فصل اول

زندگی حضرت فاطمه بنت الحسین (علیها السلام)

قال الامام الحسین (علیه السلام)

«... فَاطِمَةٌ فَهِيَ أَكْثَرُهَا شَبْهًا بِأُمِّي فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) ، أَمَا فِي الدِّينِ فَتَقُومُ اللَّيْلَ كُلَّهُ وَتَصُومُ النَّهَارَ ، و...» .

«... فاطمه بیشتر به مادرم فاطمه دخت رسول خدا(صلى الله عليه وآله وسلم) شبیه است ، در دین داری جنان می باشد که شب را سراسر به عبادت به سر می برد و روز را به روزه...» .

حضرت فاطمه بنت الحسین (علیها السلام)

حضرت فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) یکی از فرزندان حضرت سید الشهداء است که در خانواده امامت تولد یافت و در اثر تعالیم پدر بزرگوارش از علم و دانش الهی بهره برد و مدارج کمال را پیموده در مقامات معنوی به درجات عالی ایمان رسید .

امام حسین (علیه السلام) که در سوم شعبان از سال چهارم هجرت تولد یافته بود(۱) در عاشورای سال شصت و یک هجری در کربلا به شهادت رسید(۲). در این واقعه خاندان عصمت و طهارت امام عصر خویش را از مدینه تا مکه و از مکه تا کربلا همراهی نمودند و پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) و اصحابش به اسارت برده شده و سپس به مدینه بازگشتند . حضرت فاطمه دختر والاگهر آن حضرت نیز یکی از آن بانوان مطهره و محدثه بود .

فرزندان امام حسین (علیه السلام)

«شیخ مفید» فرزندان حضرت امام حسین (علیه السلام) را شش نفر به ترتیب ذکر می کند :

۱ علی بن الحسین ، اکبر : که کنیه اش ابو محمد و مادرش شاه زنان دختر یزدگردشاه ایران است

۲ علی بن الحسین ، اصغر : که در کربلا در رکاب پدر بزرگوارش شهید شد... مادرش لیلی دختر ابو مره ثقفی است .

پاورقی

(۱) «مسار الشیعه» ، للشیخ مفید ، ص ۳۷ . «مصباح المتهدد» ص ۷۵۸ ، «بحار الانوار» ، ج ۱۰۱ ، ص ۳۴۷ ، «اثبات الهداه» ، ج ۲ ، ص ۴۷۷ ، «الاقبال» ص ۶۸۹ «بحار الانوار» ، ج ۵۳ ، ص ۹۴ .

(۲) «الکافی» ج ۱ ، ص ۴۶۳ ، «التهدیب» ج ۶ ، ص ۴۲ ، «الارشاد» ، ص ۲۸۳ ، «اثبات الوصیه» ص ۱۶۳ «المعارف لابن قتیبه» ص ۱۴۲ ، «اخبار الطوال» ص ۲۵۳ .

۳ جعفر بن الحسین :

نسلی از وی باقی نماند و مادرش از قبیله بنی قضاعه بود و در زمان خود ابا عبد الله (علیه السلام) وفات یافت .

۴ عبد الله بن الحسين : در واقعه کربلا ، در دامان پدرش به تیر بیداد به شهادت رسید . مادرش رباب دختر امرء القیس است .

۵ سکینه : مادرش رباب دختر امرء القیس است .

۶ فاطمه : مادرش ام اسحاق دختر طلحه تمیمیه است (۱).

«ابن طلحه» و «ابن خشاب» دو دختر دیگر به نامهای «فاطمه» و «زینب» و دو پسر به نامهای «محمد» و «علی» را بر تعداد اولاد امام حسین (علیه السلام) می افزایند (۲).

«ابو حنیفه دینوری» و «اعثم کوفی» می گویند : آن حضرت پسر دیگری نیز به نام «عمر» داشته است (۳).

فاطمه کبری

آنگونه که از عبارات دانشمندان انساب ، تاریخ و حدیث برمی آید حضرت امام حسین (علیه السلام) یازده فرزند داشتند که چهارتن از آنها دختر بودند . در میان دختران حضرت دو تن به نام «فاطمه» نامگذاری شده اند، که شدت علاقه امام (علیه السلام) به این نام را نشان می دهد .

پاورقی

(۱) «الارشاد» ، ص ۴۹۱ ، «بحار الانوار» ج ۴۵ ، ص ۳۲۹ ، «جمهره انساب العرب» ، ص ۴۱ و ۴۲ «ابن عنبه» نیز همین فرزندان شش گانه را برای امام حسین (علیه السلام) بر می شمارد و یادآور میشود که اعقاب آن حضرت از امام سجاد (علیه السلام) است که گفته شده وی از مادر دیگری غیر از شهربانو تولد یافته است .

«عمده الطالب» ، ص ۱۹۲ ، ۱۹۳ ، «المجدی» ص ۹۱ ۹۲

(۲) «کشف الغمه» ، ج ۲ ، ص ۳۹ .

(۳) «اخبار الطوال» ، ص ۲۵۹ .

۱ فاطمه کبری .

فاطمه صغری .

گویا فاطمه کبری بزرگترین دختر امام حسین (علیه السلام) نیز بوده است (۱) مادر وی «ام اسحاق» دختر طلحه تمیمه است . او در کربلا حضور داشت، ودایع امامت را تا بهبودی امام سجاد (علیه السلام) حمل کرد و در کوفه به ایراد خطبه پرداخت . فاطمه کبری دختر امام حسین (علیه السلام) در مقابل حضرت فاطمه زهرا به «فاطمه صغری» معروف است (۲) و گاه در اسناد روایات از وی با این عنوان نام برده شده است (۳).

فاطمه صغری

وی یکی دیگر از فرزندان حضرت امام حسین (علیه السلام) است که به جهت علاقه آن حضرت به مادرش به نام وی اسم گذاری شده است . او به هنگام عزیمت امام به مکه مکرمه بیمار بود و نتوانست همراه پدر باشد و امام در مدینه با وی وداع کرد .

جوینی از اعلام قرن هفتم و هشتم هجری در «فرائد السمطين» گوید :

«أخبرني العزيز محمد بن أبي القاسم ابن أبي الفضل اجازة بروايته ، عن ام المؤيد بنت أبي القاسم عبد الرحمان بن الحسن اجازة .

وأنبأني الشيخ جمال أحمد بن محمد بن محمد ، والقاضي عماد الدين زكريا ابن محمد بن محمود الكموني القزويني ، قال : أنبأنا الإمام عز الدين محمد بن عبد الرحمان بن المعالي الواريني ، قال : أنبأنا زاهر بن طاهر بن محمد الشحامي ، قال : أنبأنا الحافظ أبو بكر أحمد بن الحسين البيهقي ، قال : أنبأنا الحاكم أبو عبد الله محمد بن عبد الله الحافظ (۱) قال : حدثنا يحيى بن محمد بن أحمد بن محمد ابن عبد الله أبو محمد ابن زباره العلوي ، قال : حدثنا أبو محمد [الحسين بن

محمد العلوی صاحب کتاب النسب به بغداد (۲) حدثنا أبو محمد إبراهيم بن عليّ الرافعي من ولد أبي رافع مولى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) ، حدثنا الحسين بن عليّ الحلواني ، عن عليّ بن معمر ، عن إسحاق بن عباد ، عن المفضل بن عمر الجعفي [قال] : سمعت جعفر بن محمد يقول : حدثني أبي محمد بن عليّ ، حدثني أبي عليّ بن الحسين قال :

پاورقی

(۱) در حدیث آمده است : «... دعا ابنته الكبرى فاطمه فدفع إليها كتاباً ملفوفاً» بصائر الدرجات ، ص ۴۰ شیخ ذبیح الله محلاتی گوید : «در سن از خواهرش سکینه بزرگتر...» «ریاحین الشریعه» ج ۳ ، ص ۲۸۱ «مستدرکات علم رجال الحدیث» ، ج ۸ ، ص ۵۹۲ و ۵۹۳ .

(۲) «مسند فاطمه الزهراء» ، عطاردی ، ص ۶۰۰ و ۶۰۱ ، «اربعین حسینی» ، ارباب ، ص ۳۱۸ .

(۳) بنابر گزارش ابن بطوطه ، لقب شریف ایشان آنگونه که بر سنگ مزارشان نقش بسته «ام سلمه» است . «سفرنامه ابن بطوطه» ص ۴۷ .

لَمَّا قَتَلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) جَاءَ غُرَابٌ فَوَقَعَ [فِي دَمِهِ] ، ثُمَّ تَمَرَّغَ ، ثُمَّ طَارَ فَقَعَدَ بِالْمَدِينَةِ عَلِيَّ جِدَارِ دَارِ فَاطِمَةَ (۳) بِنْتُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَهِيَ الصَّغْرَى وَنَعَبَ الْغُرَابُ فَرَفَعَتْ رَأْسَهَا وَنَظَرَتْ إِلَيْهِ ، فَبَكَتْ بَكَاءً شَدِيداً وَأَنْشَدَتْ :

نَعَبَ الْغُرَابُ فَقُلْتُ مَنْ

تَنَعَاهُ وَيَلُوكُ يَا غُرَابُ

قَالَ الْإِمَامُ . فَقُلْتُ : مَنْ ؟

قَالَ : الْمَوْفِقُ لِلصَّوَابِ (۴)

پاورقی

(۱) وقد رواه الخوارزمي بسنده عنه في الفصل الثاني عشر من مقتله : ج ۲ ص ۹۲ .

(۲) كذا في أصليّ ، غير أن ما بين المعقوفين مأخوذ من مقتل الخوارزمي : ج ۲ ص ۹۲ . وفيه بعده ، هكذا : «حدثنا أبو عليّ الطرطوسي ، حدثني الحسن بن

علی الحلوانی ، عن علی بن معمر...» .

(٣) ما بین المعقوفان مأخوذ من مقتل الخوارزمی ، وقد سقط عن أصلي من فرائد السمطين .

(٤) وبعده فی مناقب الخوارزمی هكذا :

إن الحسين بكر بلا

بين المواضي والحراب

قلت الحسين فقال لي

ملقي على وجه التراب

ثم استقل به الجناح

ولم يطق ردّ الجواب

فبكيت منه بعبره

ترضى الإله مع الثواب

قلتُ : الحُسينُ ؟ فقال لي ؟

حقاً لقد سكن التراب

إنَّ الحُسينَ بكرِ بلاءٍ

بينَ الأسنَّةِ والضُّرابِ

فأبكِ الحُسينَ بعبره

تُرضي الإلهَ معَ الثَّوابِ

ثمَّ استقلَّ بهِ الجِناحِ

فلَمْ يَطقِ ردَّ الجَوابِ

فَبكيتُ ممَّا حلَّ بي

قال محمّد بن عليّ بن الحسين : فنعته (١) لأهل المدينة فقالوا : قد جاءتنا بسحر [بني] عبد المطلب . فما كان بأسرع من أن جاءهم الخبر بقتل الحسين (عليه السلام) «(٢)» .

مفضل بن عمر گوید : از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که میگوید پدرم امام باقر (علیه السلام) به من نقل کرد که پدرم امام سجاد (علیه السلام) فرمود :

زمانیکه امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسید ، کلاغی بال و پر خود را در خون حضرت آغشت سپس به سوی مدینه پرواز کرد و بر لب دیوار خانه فاطمه صغری نشست . به بانگ کلاغ ، فاطمه صغری سر برداشت و آن مرغ خون آلود را دید و به شدت گریست و این اشعار را سرود :

غراب البین بانگ مرگ برآورد . به او گفتم : خبر مرگ که را می دهی ای کلاغ ؟ گفت : امام . پس به او گفتم : کدام امام . گفت : او که در طریق درستی موفق بود .

گفتم : حسین (علیه السلام) را میگوی . پس به من گفت : حقیقت دارد که به تحقیق در خاک جای گرفت حسین

(علیه السلام) در کربلا در میان نیزه ها و خنجرها به شهادت رسید .

پاورقی

(۱) هذا هو الظاهر الموافق لمقتل الخوارج ، وفي أصليّ : «فقال : محمد بن عليّ بن الحسين : قال : أتى عليّ فنعته

(۲) «فرائد السمطين» ، ج ۲ ، ص ۱۶۳ و ۱۶۴ ، حديث ۴۵۱ ، «بحار الانوار» ج ۴۵ ، ص ۱۷۱ ، «مستدرکات علم رجال الحديث» ، ج ۸ ، ص ۵۹۳ .

با اشکهای ریزان بر حسین (علیه السلام) گریه کن ، تا رضایت خدا و ثواب اخروی را کسب کنی

سپس به پرواز درآمد و نتوانست پاسخ گوید .

پس آنچه بر من مصیبت فرود آمد ، بعد از وصی امام حسین (علیه السلام) که دعایش مستجاب بود ، گریستم .

امام باقر (علیه السلام) فرمود : پس بر اهل مدینه بانگ زد . آنان گفتند : به واقع چیزی همانند سحر بنی عبدالمطلب بر ما آمد . چیزی نگذشت که خبر شهادت امام حسین (علیه السلام) به مدینه رسید .

ولادت

یافعی نام حضرت فاطمه را در میان درگذشتگان سال ۱۱۰ هجری ذکر میکند (۱) و یا توجه به این نکته که وی هفتاد سال زیسته اند ، تاریخ ولادت ایشان سال ۴۰ هجری بوده است . از اینرو حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) عصر امام حسن مجتبی ، امام حسین ، امام سجاد و امام باقر (علیهم السلام) را درک کرده است .

مادر فاطمه کبری

شیخ مفید و ابو الفرج اصفهانی مادر فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) را «ام اسحاق» دختر طلحه بن عبید الله تمیمی می دانند (۲). طلحه از اصحاب مشهور پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) محسوب می شد و به «طلحه الخیر» و «طلحه الفیاض» ملقب گردیده بود .

پاورقی

(۱) «وفیها سنه عشره و مائه توفیت فاطمه بنت الحسین بن علی رضی الله عنهم التي اصدقها الديباج عبد الله بن عمرو بن عثمان بن عفان الف الف درهم...» مرآة الجنان ج ۱ ، ص ۲۳۴ .

(۲) «الارشاد» ، ص ۴۹۱ ، «مقاتل الطالبیین» ، ص ۱۲۲ .

وقتی فاطمه دخت سید الشهداء بعد از ارتحال حسن مثنی به همسری «عبد الله بن عمرو بن عثمان» (۱) درآمد ، شاعر مدیحه

سرا «موسی بن یسار» (۲) به هنگام بردن عروس به خانه داماد این ابیات را انشاد نمود که در آن به نسب فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) اشاره شده است :

«طَلَّحَهُ الْخَيْرِ جَدُّكُمْ

وَلِخَيْرِ الْفَوَاطِمِ

أَنْتِ لِلطَّاهِرَاتِ مِنْ

فَرْعِ تَيْمٍ وَهَاشِمِ

أَزْتَجِيكُمْ لِنَفْعِكُمْ

وَلِدَفْعِ الْمَظَالِمِ» (۳)

«طلحه الخیر جدّ شماست و نسبت به بهترین فاطمه ها می برید» .

«تو زاده زنان پاک از شاخه بنی تیم و بنی هاشم هستی» .

«به شما امید دارم چون مراسود می رسانید و ستمها را از من دفع می کنید» .

مادر «ام اسحاق» ، «جرباء

دختر قسامه بن رومان» از قبیله طی بود(۴).

پاورقی

(۱) نخستین شوی فاطمه بنت الحسین (علیه السلام)، «حسن بن حسن بن علی (علیه السلام) پسر عمش بود و بعد از مرگ او به همسری «عمرو» نواده «عثمان بن عفان» درآمد. بعد از مرگ عمرو شوهر دیگری اختیار نکرد. «الأعلام» زرکلی، ج ۵، ص ۳۲۶.

(۲) ابو محمد موسی بن یسار، معروف به موسی شهوات، شاعری مدیحه سرا و نکته سنج از اهالی آذربایجان بود که در مدینه تولد و پرورش یافت و همانجا درگذشت. وی از موالی قریش بود. او را بدان جهت شهوات لقب دادند که درباره یزید بن معاویه گفت:

لَسْتُ مِّنَّا وَ لَيْسَ خَالِكَ مِّنَّا

يَا مُضِيعَ الصَّلَاةِ بِالشَّهَوَاتِ

(۳) «الآغانی»، ج ۱، ص ۳۵۹.

(۴) جهت اینکه دختر قسامه بن رومان را «جرباء» می‌گفتند، زیبایی بینظیر او بود. چون هر زنی از زنان عرب هر چند هم زیبا بود، در کنار او میایستاد، زشت می نمود. از اینرو زنان عرب از نزدیک شدن به او خودداری می کردند تا از جلوه و زیبایشان کاسته نشود، و او را به شتری که مبتلا به مرض جَرَب است و شتران دیگر از ترس دچار شدن به آن مرض از او دوری می جویند، تشبیه کردند «مقاتل الطالیین» ص ۱۲۲.

از دواج فاطمه (علیها السلام)

امام حسن مجتبی (علیه السلام) پانزده فرزند داشتند (۱) که یکی از آنها «حسن بن حسن بن علی (علیه السلام)» است. و به «حسن مثنی» شهرت دارد. مادر حسن مثنی «خوله» دختر «منظور فزاریه» است.

حسن مثنی روزی جهت خواستگاری یکی از دختران عموی گرامی

خود، نزد حضرت ابی عبد الله الحسین (علیه السلام) رفت. امام حسین (علیه السلام) در انتخاب همسر وی را آزاد گذاشت تا خودش یکی از دو فرزندش فاطمه یا سکینه را به همسری برگزیند و فرمود:

«اختر یا بنی احبهما الیک» (۲).

«ای فرزندانم، خودت هر یک را که بیشتر دوست داری انتخاب کن».

حسن مثنی از روی شرمساری سخنی نگفت. امام فرمود:

«اخترک فاطمه فهی اکثرها شَبَهًا بِأُمِّی فاطمه بنت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)؛ أما فی الدین فتقوم اللیل کله وتصوم النهار، وفی الجمال تشبه الحور العین...» (۳).

فاطمه را برایت بر می گزینم که بیش از خواهرش به مادرم فاطمه دخت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شبیه است. در دین داری چنان می باشد که شب را سراسر به عبادت به سر می برد و روز را به روزه، و در جمال انسان که حور العین را مانند است».

با توجه به اینکه حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) در سال ۴۰ هجری متولد شده و امام حسن (علیه السلام) در سال ۴۹ یا ۵۰ هجری به شهادت رسیده اند (۱) و با عنایت به عبارت «یا بنی ای فرزندانم» که امام حسین (علیه السلام) درباره حسن مثنی بکار برده اند، می توان احتمال داد که ازدواج حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) بعد از شهادت امام حسن (علیه السلام) بوده است. چه اینکه قبل از آن فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) کمتر از ده سال داشت از خطاب امام حسین (علیه السلام) به حسن مثنی بر می آید که آن حضرت موضع

پدرانه به وی داشته و گویا حسن مثنی نیز از افراد تحت تکفل امام (علیه السلام) محسوب می شده است . و از طرف دیگر چون امام حسین (علیه السلام) به سال ۶۱ هجری به شهادت رسیده اند ، باید حضرت فاطمه به هنگام ازدواج کمتر از بیست سال داشته باشند .

پاورقی

(۱) «الارشاد» ، ص ۳۶۰ .

(۲) «مقاتل الطالبیین» ، ص ۱۲۲ ، «بحار الانوار» ، ج ۴۴ ، ص ۱۶۷ .

(۳) «اسعاف الراغیین» ، در حاشیه نور الابصار ، ص ۲۰۲ ، «السیده سکینه» ، مقرر ، ص ۳۱ .

حسن مثنی به همراه امام حسین (علیه السلام) در کربلا حاضر شد ، جنگید و هفده تن از دشمنان اسلام را کشت و خود به سختی مجروح شده ، بیهوش زمین افتاد . یازدهم محرم عمر سعد دستور داد سرهای شهیدان کربلا را از بدنهایشان جدا کنند . حسن مثنی هنوز زنده بود ، به تقاضای «اسماء بن خارجه» دایی خود از کربلا به کوفه انتقال داده شد . حسن در کوفه به هوش آمد . وی پس از حماسه کربلا به عنوان یکی از ایثارگران نهضت حسینی از عناصر مخالف رژیم اموی شناخته شد و در سن ۳۵ سالگی به دستور عبد الملک بن مروان مسموم و به شهادت رسید و در بقیع مدفون گردید (۲).

حضرت فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) پس از درگذشت پسر عمو و شوهرش خیمهای بر سر مزارش بر پا کرد و یک سال همان جا ماند و چون سال تمام شد خیمه را جمع کرده و به خانه خویش بازگشت (۱).

پاورقی

(۱) «تواریخ النبی والال» ، ص ۵۹ .

(۲) سادات طباطبایی از نسل حسن مثنی هستند . «بحار

ایشان پس از رحلت حسن مثنی به همسری «عبد الله بن عمرو بن عثمان بن عفان» درآمد (۲) پس از آن ازدواج نکرد.

ازدواجهای میان بنی هاشم و بنی عبد شمس

هاشم و عبد شمس از فرزندان عبد مناف بودند که فرزندان هاشم گوی سبقت را ر بوده و در مقامات معنوی به مدارج عالی کمال راه یافتند رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) از فرزندان هاشم محسوب می گردد. ولی در عین حال خویشی بین این دو برقرار بود و در طی ازدواجهای مکرر بین فرزندان آنها این خویشاوندی تجدید می شد. پیامبر دو دختر خود «رقیه» و «ام کلثوم» را به همسری عثمان بن عفان بن ابی العاص در آورد (۳) و دخترش «زینب» را در دوره جاهلی به همسری ابو العاص بن ربیع بن عبد العزّی بن عبد شمس در آورد.

ابو لهب، «ام جمیل» دختر حرب بن امیه را در دوره جاهلی به زنی گرفت و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، «ام حبیبه» دختر ابو سفیان بن حرب را به همسری خود در آورد و عبد الله بن عمرو بن عثمان، «فاطمه دختر حسین بن علی (علیه السلام)» را به همسری گرفت (۴).

پاورقی

(۱) «شرح نهج البلاغه»، ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۲۸۷، ۲۸۸.

(۲) زرکلی گوید: فاطمه بنت الحسین بن علی بن ابی طالب (۴۰ ۱۱۰هـ): تابعیه، من راویات الحدیث. روت عن جدتها فاطمه مرسلأ، وعن أبيها وغيرهما. ولا قتل أبوها حُمِلت إلى الشام مع أختها سكينة، و عمّتها أم كلثوم بنت علی، وزینب العقیلیه، ... فتزوجها ابن عمها «الحسن بن

الحسن بن علی» ومات عنها ، فتزوجها «عبد الله بن عمرو بن عثمان» ، ومات ، فأبى الزواج من بعده إلى أن توفيق» . «ج ۵ ، ص ۳۲۶ ، ۳۲۷ و نیز «التنبيه والاشراف» ص ۲۷۱ .

(۳) ابن ابی الحدید به نقل از ابو عثمان ، علت ملقب شدن «عثمان بن عفان» به «ذو النورین» را همین می داند که دو دختر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) همسر وی بودند .

(۴) «شرح نهج البلاغه» ، ابن ابی الحدید ، ج ۱۵ ، ص ۱۹۵ ، ۱۹۶ ، نامه ۲۸ .

فرزندان

حضرت فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) دوبار ازدواج نمود . یکبار در زمان حیات پدر بزرگوارش امام حسین (علیه السلام) که به همسری حسن مثنی ، پسر عموی خود در آمد و بار دوم یکسال پس از فوت حسن مثنی با عبد الله نواده عثمان بن عفان ازدواج کرد.

ثمره ازدواج فاطمه با حسن مثنی سه پسر و یک دختر به نامهای زیر است :

۱ عبد الله بن حسن بن حسن بن علی بن ابيطالب (علیه السلام) ، معروف به «عبد الله محض» .

۲ ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابيطالب (علیه السلام) ، معروف به «ابراهیم غمر» .

۳ حسن بن حسن بن حسن بن علی بن ابيطالب (علیه السلام) ، معروف به «حسن مثلث»(۱).

۴ زینب بنت حسن مثنی .

فرزندان فاطمه کبری از عبد الله بن عمرو دو پسر و یک دختر به

نامهای زیر است :

۱ محمد بن عبد الله بن عمرو بن عثمان بن عفان ، معروف به «دیباچ» .

۲ قاسم بن عبد الله بن عمرو بن عثمان بن

عفان .

۳ رقیه بنت عبد الله بن عمرو (۲).

پاورقی

(۱) «عمده الطالب»، ص ۹۸، ۱۰۱.

(۲) «الحسین (علیه السلام)»، علی جلال الحسینی، ج ۲، ص ۱۳۱، «الطبقات الکبیر»، واقدی ج ۸، ص ۳۴۷، ۳۴۸.

حماسه حسینی

از مهمترین فرازهای زندگی حضرت فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) حضور در حماسه حسینی است. او به همراه دهها تن از خاندان رسالت با حضور در کاروان شهادت، اطاعت از ولایت و امامت و هم پیمانی با اهداف و آرمانهای متعالی امام حسین (علیه السلام) را به نمایش گذاشت.

یاران امام حسین (علیه السلام) از آل ابی طالب به قرار زیر است:

۱ حضرت امام علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۲ عبد الله بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۳ عباس بن علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۴ عبد الله بن علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۵ عثمان بن علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۶ جعفر بن علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۷ ابو بکر بن علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۸ ابو بکر بن الحسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۹ قاسم بن الحسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۱۰ عبد الله بن الحسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۱۱ عون بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب (علیه السلام).

١٢ محمد بن عبد الله بن جعفر بن ابي طالب (عليه السلام).

١٣ مسلم بن عقيل بن ابي طالب (عليه السلام).

عبد الله بن مسلم بن عقيل بن ابي طالب (عليه السلام) .

۱۵ محمد بن مسلم بن عقيل بن ابي طالب (عليه السلام) .

۱۶ محمد بن ابي سعيد بن عقيل بن ابي طالب (عليه السلام) .

۱۷ عبد الرحمن بن عقيل بن ابي طالب (عليه السلام) .

۱۸ جعفر بن عقيل بن ابي طالب (عليه السلام) .

البته برخی از منسوبان به این خاندان نیز از یاران امام حسین (عليه السلام)

بودند. افرادی چون :

۱ عبد الله بن يقطر الحميري ، رضيع الحسين (عليه السلام) .

۲ سليمان بن رزين مولى الحسين (عليه السلام) .

۳ اسلم بن عمرو مولى الحسين (عليه السلام) .

۴ قارب بن عبد الله الدثلي مولى الحسين (عليه السلام) .

۵ منجح بن سهم مولى الحسن بن علي (عليه السلام) .

۶ سعد بن الحارث مولى علي بن ابي طالب (عليه السلام) .

۷ نصر بن أبي نَيْرَزْ مولى علي بن ابي طالب (عليه السلام) .

۸ الحرث بن بنهان مولى حمزه بن عبد المطلب (عليه السلام)(۱).

علاوه بر مردان بنی هاشم گروهی از بانوان نیز در این حماسه همراه ابا عبد الله الحسين (عليه السلام) بودند که زینب و فاطمه دختران حضرت مولى الموحدين على بن ابيطالب (عليه السلام) و فاطمه و سکینه دختران امام حسين (عليه السلام) از مشهورترین آنها هستند . به قول علامه شهيد آيه الله مطهری ، امام حسين (عليه السلام) آنان را برای انجام رسالتی برد(۲). تا زن نیز در این حرکت الهی به ایفای نقش پردازد . همانگونه که در طول تاریخ حرکتهاى الهی و بعث انبياء ، زنان نیز همانند مردان ایفای نقش

کرده‌اند شخصیت‌های بزرگی چون حضرت مریم ، حضرت خدیجه ، حضرت زهرا و... از نخستین زنانی که در حماسه حسینی به ایفای نقش پرداخت ، زنی است که مسلم بن عقیل را پس از پیمان شکنی کوفیان در خانه خود مخفی نمود(۳). پس از آن به نام مبارک حضرت زینب سلام الله علیها بر می‌خوریم که با برادرش در «خزیمه» صحبت کرده است(۱). سومین لحظه حضور ، حاضر شدن امام حسین (علیه السلام) در شب عاشورای ۶۱ هجری در خیمه دختران خاندان طهارت و صحبت حضرت زینب (علیها السلام) با آن حضرت است(۲). که روز عاشورا امام دیگر بار به خیمه آنها آمده و با اهل بیت وداع کرده است .

پاورقی

(۱) گروه دیگری از موالی نیز بوده‌اند که هیچ کس نام آنها را ذکر نکرده است و تعداد ایشان را ندانسته اند . «ابصار العین» ص ۲۱ ۵۵ .

(۲) «حماسه حسینی» ، ج ۱ ، ص ۳۱۹ .

(۳) «تاریخ طبری» ، ج ۷ ، ص ۲۵۸ ، «کامل ابن اثیر» ، ج ۴ ، ص ۱۶ .

از لحظه های حضور حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) در حماسه کربلا- که کتب تاریخ و حدیث به آن اشاره نموده‌اند . همین روز است که ودایع امامت به ایشان سپرده میشود .

البته «ام وهب» همسر «عبد الله بن عمیر کلبی» به هنگام جهاد همسرش در میدان مبارزه حاضر شد و پس از شهادت آن خود وی نیز به دستور شمر توسط غلامش جان به جان آخرین تسلیم کرد(۳). و یا پس از شهادت علی اکبر ، حضرت زینب (علیها السلام) خود را به وی رساند و امام حسین (علیه السلام) دستش را گرفت و

او را به خیمه برد(۴).

حمل ودایع امامت

ابو جارود از امام باقر (علیه السلام) نقل میکند: «روز عاشورا چون وقت شهادت امام حسین (علیه السلام) رسید، پدرم امام زین العابدین (علیه السلام) به شدت بیمار بود، به صورتی که گویا بی هوش شده بود. در این هنگام امام حسین (علیه السلام) دختر خود فاطمه کبری را به نزدش فراخواند و کتاب سربسته ای را به او سپرد که حاوی وصیت ظاهره و باطنه بود. بعد فاطمه کتاب را به علی بن الحسین (علیه السلام) تحویل داد و پس آن کتاب به دست ما رسید».

پاورقی

(۱) «مقتل خوارزمی»، ج ۱، ص ۲۲۵.

(۲) «ارشاد»، ص ۲۳۳، «تاریخ طبری»، ج ۷، ص ۳۲۴، «مقتل خوارزمی» ج ۱، ص ۳۲۷ «انساب الاشراف»، ج ۳، ص ۱۸۵.

(۳) «ابصار العین»، ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

(۴) همان، ص ۲۴۲۱.

ابو جارود گوید، به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: ای مولای من، خداوند متعال جانم را فدای شما گرداند، در آن کتاب چه مطالبی نوشته شده بود؟

حضرت فرمود: در آن کتاب آنچه مورد احتیاج بندگان از آغاز خلقت تا پایان دنیا است وجود دارد، در آن کتاب احکام الهی و مسایل حدود حتی احکام جزئی ترین مسایل و خلافها و حتی حکم خراشی که به کسی وارد می شود، ضبط گردیده است»(۱).

غارت خیمه ها

از دیگر لحظههای حضور فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) در کربلا، واقعه غارت خیمههاست که خود به روایت آن نشسته است. شیخ صدوق در امالی از فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) نقل می کند که: غارتگران به خیمه ما

آمدند من دختر کوچکی بودم (۲) و دو خلخال طلا در پاهایم بود . مردی خلخال را از پاهایم می کشید و می گریست .

پاورقی

(۱) محمد بن احمد عن محمد بن الحسين عن ابن سنان عن أبي الجارود عن أبي جعفر (عليه السلام) قال : إنَّ الحسين (عليه السلام) لما حضره العذی حضره دعا ابنته الكبرى فاطمه فدفع إليها كتاباً ملفوفاً و وصيته ظاهره و وصيته باطنه ، و كان علي بن الحسين مبطوناً لا يرون إلا لا به [الا انه لما به] فدفعت فاطمه الكتاب إلى علي بن الحسين (عليه السلام) ثم صار ذلك الكتاب إلينا ، فقلت: فما في ذلك الكتاب ؟

فقال : فيه والله جميع ما يحتاج إليه ولد آدم إلى أن تفتني الدنيا» ج ۱ ، ص ۳۰۳ «بصائر الدرجات» ص ۴۰ ، «بحار الانوار» ج ۲۶ ، ص ۳۶ ، همچنین «اصول کافی» ج ۱ ، ص ۳۰۳ ، «تنقيح المقال» ج ۳ ، ص ۸۲ و روی الصفار فی ص ۴۰ ایضاً باسناده عن موسى بن جعفر عن ابي الجارود نحوه مع اختصار . «عوامل العلوم» ، ج ۱۸ ، ص ۲۵ ، «بحار الانوار» ، ج ۲۶ ، ص ۱۷ و ۱۸ .

(۲) با توجه به این نکته که تولد ایشان سال ۴۰ هجری و واقعه کربلا سال ۶۱ هجری روی نموده است می بایست در آن زمان حدود ۲۰ یا ۲۱ سال سن داشته باشند .

گفتم : چرا گریه میکنی ای دشمن خدا ؟ !

گفت : چرا نگریم ؟ من دارم دختر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را غارت می کنم .

گفتم : خوب غارت نکن !

گفت : میترسم اگر من نبرم دیگری بیاید و اینها را ببرد .

حضرت فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام)

ادامه می دهد: هر چه در چادرها بود چپاول کردند، تا آن که رو اندازها را از پشت ما کشیدند(۱).

در مجلس یزید

پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) و یارانش در کربلا، خیمه های اهل بیت پیامبر غارت و خودشان به اسیری برده شدند. لیکن در همان حال وقتی به کوفه رسیدند شخصیت های ممتاز کاروان چون حضرت فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) به ایراد خطبه پرداختند(۲) و حکومت یزید و ستم او بر خاندان رسالات را افشا نمودند. وقتی کاروان اسیران به شام رسیدند، آنان را وارد مجلس یزید کردند.

سپس یزید با اهل شام مشورت نمود که با اسیران چه کند؟ آنان نظری ندارند. نعمان بن بشیر گفت: بین رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) با آنان چه می کرد؟ تو نیز همان کن.

آنگاه مردی از اهل شام نگاهش به فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) افتاد. گفت: یا امیر المؤمنین این کنیز را به من ارزانی دار.

فاطمه به عمّهایش زینب گفت: عمّه جان یتیم شدم، کنیز هم بشوم؟

زینب فرمود: اعتنائی به این فاسق نکن.

پاورقی

(۱) «امالی» شیخ صدوق، ص ۱۴۰، «مناقب» ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۱۲، «تذکره الخواص» ابن جوزی، ص ۲۲۸.

(۲) به فصل دوم از این کتاب رجوع کنید.

شامی گفت: این کنیزک کیست؟

یزید گفت: این فاطمه دختر حسین است و آنهم زینب دختر علی بن ابی طالب.

شامی گفت: حسین پسر فاطمه و علی فرزند ابو طالب؟!!

گفت: آری.

شامی گفت: خدا

تو را لعنت کند . ای یزید . فرزند پیامبر را می کشی و خاندانش را اسیر می کنی به خدا قسم من گمان کردم اینان اسیران روم هستند .

یزید گفت : به خدا که تو را نیز به آنان می پیوندم . پس دستور داد ، گردنش را زدند(۱).

پاورقی

(۱) «الملهوف» ، ص ۲۱۸ ، ۲۱۹ ، این واقعه را در شیخ مفید به گونه‌های دیگر نقل کرده است .

«فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) می گوید : وقتی وارد مجلس یزید شدیم ، دلش به حال ما سوخت ، ناگهان مردی شامی برخاست و از یزید خواست تا مرا به خادمی برگزیند . فاطمه گوید : بدنم از پم لرزید و پنداشتم که این کار برای آنها انجام شدنی است . پس به لباس عمه ام زینب چسبیدم زیرا او می دانست که این کار ناشدنی است .

عمه‌ام زینب به مرد شامی بانگ زد : دروغ گفتی و لثامت کردی ، این کار نه برای تو جائز است و نه برای او (یزید) .

یزید خشمگین شد و گفت : تو دروغ گفتی این کار برای من جائز است و اگر بخواهم انجام میدهم .

حضرت زینب فرمود : نه به خدا هرگز خداوند چنین کاری برای تو مقرر نکرده است مگر آن زمان که از ملت ما اسلام خارج شوی و به دین دیگری درآیی .

یزید از خشم از جا پرید و گفت : به من چنین می گویی ، پدر تو و برادر تو از دین خارج شدند .

زینب فرمود : یزید تو و جدت و پدرت به دین پدرم و دین برادرم ، هدایت شده‌اید اگر

یزید گفت : دروغ گفתי ای دشمن خدا .

زینب فرمود : تو اکنون امیر و فرمانروایی ، به ستم دشنام دهی و به سلطنت بر ما چیره شوی .

یزید گویا از این سخنان شرمنده گردید و خاموش شد . آن مرد شامی بار دیگر خواهش خود را تکرار کرد . و گفت : این دخترک را به من ببخش . یزید به او گفت : دور شو ، خدا برای تو مرگ پیش آرد .

«الارشاد» ، ص ۲۴۶ ، و نیز نگاه کنید : «الكامل فی التاريخ» ، ج ۴ ، ص ۸۶ «تاریخ الطبری» ، ج ۶ ، ۲۶۵ ، «سیر أعلام النبلاء» ، ج ۳ ، ص ۲۰۴ ، «مقتل الحسین (علیه السلام) للخوازمی» ، ج ۲ ، ص ۶۲ .

تجلیل از شاعر اهل بیت (علیهم السلام)

کُمیت بن زید اَسدی (شهید به سال ۱۲۶ ه ق) از لحاظ نسب به مضر بن نزار بن عدنان می پیوندد . وی از شاعران قرن اول و دهه های آغاز قرن دوم هجری است که در سال شهادت امام حسین (علیه السلام) دیده به جهان گشود .

ارتباط او با رهبری انقلاب ، امام سجاد ، امام باقر ، امام صادق (علیهم السلام) و همکاری مداوم او با انقلابیانی چون زید بن علی و فرزندش در سه جبهه سیاسی ، نظامی و ایدئولوژیکی ، زندگی اش را از حوصله یک حیات معمولی خارج کرده بود . به همین علت شبانگاهان ، دور از چشم دشمن ، در مدینه با امام بود ، و یا در راه نشر پیام انقلاب ، و یا در زندان ، و یا در نبرد فکری با جناحهای رقیب مدعی رهبری امت ، و یا سرانجام با اشاره

و رمز «أَخْرُجْ مَعَنَا يَا أَعْيَمَش» (۱) به سوی جبهه نبرد فراخوانده می شد. اگر چه موفق نشد پادر میدان نبرد نهد و با زید بن علی (علیه السلام) همگام مبارزه کند. لیکن به تحریک امویان وی را به شهادت رساندند. پسرش مُسْتَهْل که هنگام شهادت بر بالین پدرش حاضر بود، نقل می کند: در حالیکه جان تسلیم می کرد چشم گشود و سه بار گفت:

پاورقی

(۱) «ای کسیکه در چشمانت کم سویی است هان، زمان فرارسید به سویمان بشتاب». این رمزی بین انقلابیان و زید بوده و به عنوان فن مخفی کاری رعایت می شده است.

«اللهم آل محمد، اللهم آل محمد، اللهم آل محمد» و سپس جان به جان آفرین سپرد (۱). اشعار وی، بررسی انقلابهای اصیل اسلامی، معرفی پیامبر و خاندان علی و ارزیابی انقلابیان شیعه چون زید بن علی (علیه السلام)، طرح حکومت اسلامی در زبان شعر و بر شمردن فجایع بنی امیه بود.

«صاعد» گوید. روزی با کمیت به خدمت فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) رسیدیم. فرمود: «این مرد، شاعر ما خاندان پیامبر است. سپس قدحی که در آن شربت گوارا بود، آورد و آن را به هم زد و به کمیت نوشاند، و او آشامید. پس از آن دستور داد، سیصد دینار با اسبی سواری به کمیت بدهند. دیده های کمیت به اشک نشست و گفت: نه، به خدا سوگند نمی پذیرم، که من شما را به اندیشه دنیا داری، دوست نمی دارم (۲).

مادر انقلابیان

حضرت سید الشهداء امام حسین

(علیه السلام) با قیام و شهادت خود و یارانش فرهنگ شهادت را در بین شیعیان رواج داد. بر این اعتقاد قیامهایی به خونخواهی امام حسین (علیه السلام) روی داد که «قیام توابین» نخستین قیام جمعی از این نوع است.

توابین به رهبری سلیمان بن سرد خزاعی به موجب گناهی که مرتکب شده، فرزند علی (علیه السلام) را به دام بلاکشانده و سپس او را تنها رها نموده بودند تا به دست سپاه یزید به شهادت برسد، جانشان را کفاره گناه خویش یافتند و در تشکیلات یکصد نفری خود که غالباً عمرشان کمتر از شصت سال نبود به صورت مخفی بر علیه رژیم اموی اندیشیدند. رفته رفته تعداد یاوران افزایش یافت با شعار «ای خون خواهان حسین به پیش» قیام نموده و با شهادت خود زمینه قیام بر علیه امویان را فراهم ساختند. سپس مختار ثقفی دست به قیام زد، کوفه را گرفت و قاتلان نهضت کربلا را به مجازات رسانید. از آن پس تشیع شکل جدیدی در کوفه گرفت زمینه قیام های دیگر فراهم شد. فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) و شوهرش حسن مثنی هر دو در کربلا حضور داشتند و با اهداف امام آشنا بوده و خود را از جانبازان حضرتش می دانستند. حسن در این واقعه مجروح شد و به همراه دیگر اسیران کوفی که آزاد شدند، به کوفه منتقل گردید وی در کربلا به شهادت نرسید لیکن در سال ۹۷ هجری بوسیله سم کشته شد(۱).

پاورقی

(۱) «شرح الهاشمیات»، محمد محمود الرافعی، مقدمه ص ۲۰، «ادبیات انقلاب در شیعه»، ص ۵۹

(۲) «الأغانی»، ج ۱۵، ص ۱۲۳، «الغدیر»، ج ۲، ص ۱۹۸.

فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) نیز در کربلا- و سپس از آن خود از افشاگران رژیم ستم بود و در طی حکومت امویان و عباسیان با هدایت مردم به خاندان عصمت و امامت به نفی حاکمیت پوشالی آنها می پرداخت. در این گذر شماری از فرزندان او از حسن مثنی و عبد الله بن عمرو قیام کرده و به شهادت رسیدند. در واقع حضرت فاطمه بنت الحسین مادر انقلابیان شهید در عصر امامت است.

سه فرزند حسن مثنی در زمان منصور به سال ۱۴۵ هجری به نامهای «عبد الله بن حسن» در ۷۵ سالگی، «حسن بن حسن» در ۶۸ سالگی و «ابراهیم بن حسن» در سال ۶۷ سالگی در زندان هاشم به شهادت رسیدند(۱).

پاورقی

(۱) علامه سید محسن امین تحت عنوان «الحسن المثنی أبو محمد بن الحسن السبط بن علی بن ایطالب(علیه السلام)» به حیات و وفات حسن مثنی اشاره میکند. وی معتقد است که حسن مثنی در سال ۹۷ هجری به وسیله سم کشته شد و در آن زمان ۵۳ سال داشته است. اقوال دیگری نیز در این خصوص آمده است. رجوع کنید: «اعیان الشیعه»، ج ۵، ص ۴۳ ۴۷ سید بن طاووس معتقدات که حسن مثنی نیز همراه دیگر اسراء بود. «الملهوف» ص ۱۹۱.

«محمد بن عبد الله بن عمرو» فرزند دیگر فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) که از طرفداران عبد الله بن حسن بود همراه آنان به قتل رسید.

البته ابو عبد الله ادریس بن عبد الله بن حسن مثنی که در سال

۱۶۹ هجری به همراه رهبر قیام فخر بر ضد عباسیان قیام کرد ، پس از شهادت حسین رهبر قیام فخر و یارانش ، همراه راشد غلام خود به مصر و از آنجا به اقصای افریخته گریخت و در شهر «ولیله» فرود آمد «اسحاق بن محمد» امیر شهر ، ادریس را به گرمی پذیرفت و از اطاعت عباسیان خارج شده برای ادریس بیعت گرفت . سلسله حکومت ادریسیان که از زمان امامت امام موسی کاظم (علیه السلام) آغاز شد تا سال ۳۷۵ هجری تداوم یافت .

وفات

سر انجام حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) پس از تربیت فرزندان مجاهد و عالمی که خط سرخ شهادت را پس از امام حسین (علیه السلام) دوام بخشیدند ، در سال ۱۱۰ هجری از دنیا رفت . چنانکه یافعی در وقایع سال ۱۱۰ هجری گوید :

«وفیها توفیت فاطمه بنت الحسین بن علی رضی الله عنهم التي اصدقها الدیاج عبد الله بن عمرو بن عثمان بن عفان الف درهم» (۲).

ابن بطوطه در سفرنامه خود وقتی به شهر «الخلیل» می رسد از مسجدی که در آن غار مقدسی است ، گزارش می دهد در آن غار آرامگاه حضرت ابراهیم ، اسحاق و یعقوب و همسران آنها قرار دارد (۱). وی ادامه می دهد :

پاورقی

(۱) «مقاتل الطالیین» ، ص ۱۲۲ ۱۲۸ . ابو الفرج اصفهانی شمار زیادی از بنی الحسن را که در زندانهای بنی عباس به شهادت رسیده‌اند ، گزارش داده است .

(۲) «مرآة الجنان و عبره الیقظان» ج ۱ ، ص ۲۳۴ .

«در قسم شرقی حرم حضرت ابراهیم خلیل بر روی تل مرتفعی قبر لوط در داخل اطاقی خوش ساخت و سفید کاری شده . قرار

گرفته است... در نزدیکی قبر لوط «مسجد الیقین» واقع شده است که روی تل مرتفعی بنا گردیده و نور و تلالؤ بی مانندی دارد... نزدیک این مسجد مغاره ایست که قبر فاطمه دختر حسین بن علی (علیه السلام) در آن واقع است. و دو لوح مرمر در قسمتهای بالا و پائین قبر هست که در یکی به خط زیبائی این عبارت نوشته شده :

«بسم الله الرحمن الرحيم . لله العزّه والبقاء وله ماذرء و ما براء وعلی خلقه كتب الفناء وفي رسول الله اسوه . هذا قبر ام سلمه فاطمه بنت الحسين رضی الله عنها» .

[به نام خداوند بخشنده و مهربان . خدای راست عزّت و پابندگی و برای اوست آنچه خلق کرد و بیافرید . مرگ و نیستی را بر بندگان خود مقرر داشت . زندگی پیامبر برای شما سرمشق است . این مرقد ام سلمه فاطمه دختر حسین بن علی (علیه السلام) می باشد] .

در لوح دیگر نوشته اند :

«عمل کرد محمد بن ابی سهل نقاش در مصر» .

و زیر آن اشعاری به این مضمون آمده است :

«اسكنت من كان في الاحشاء مسكنه

بالرغم مني بين التراب والحجر

پاورقی

(۱) «سفرنامه ابن بطوطه» ، ص ۴۵ .

یا قبر فاطمه بنت ابن فاطمه

بنت الائمة بنت الانجم الزهر

یا قبر ما فيك من دين ومن ورع

ومن عفاف ومن صوف ومن صخر»

«آنها که در دلم جای داشت بر خلاف میل خود در میان خاکها و سنگها جای دادم» .

«ای قبر فاطمه دختر پسر فاطمه ، دختر امامان ، دختر ستارگان درخشان» .

«ای قبر ! چه مایه از دین و تقوی و عفت و پاکدامنی در تو نهفته است»(۱).

است که برخی سال ۱۱۷ هجری قمری را سال وفات حضرت فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) می دانند (۲).

پاورقی

(۱) همان ، ص ۴۷ و ۴۸ ، «مزارات اهل البيت و تاريخها» ، ص ۲۵۵ و ۲۵۶ .

(۲) «مسدرکات علم رجال الحديث» ، ج ۸ ، ص ۵۹۲ و ۵۹۳ .

لازم به ذکر است که «ابن الزيات» از پس از ذکر آرامگاههایی که در جوار مرقد سیده نفیسه در مصر به خاک سپرده شده اند به مقبره حضرت فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) نیز اشاره می کند . با توجه به این نکته که امام حسین (علیه السلام) دو فرزند به این نام داشته اند ممکن است یکی از آنها در مصر مدفون شده باشد . «الکواکب السیاره فی ترتیب الزیاره» شمس الدین ابو عبد الله محمد بن ناصر الدین الانصاری ، المعروف بابن الزیات ، المتوفی ۸۱۴ ه ق ، مکتبه المثنی ببغداد ، ص ۴۶ .

فصل دوم: حوزه علمیه بانوان شیعه

اشاره

قال الامام الحسین (علیه السلام)

«فإني لا أعلم أصحاباً أولى ولا خيراً من أصحابي ، ولا أهل بيت أبرّ ولا أوصل من أهل بيتي ، فجزاكم الله عنى جميعاً خيراً» .

«من اصحاب و یارانی بهتر از یاران خود ندیده‌ام و اهل بیت و خاندانی با وفاتر و صدیقتر از اهل بیت خود سراغ ندارم ، خداوند به همه شما جزای خیر دهد» .

پیدایی حوزه علمیه

در میان اعراب جاهلی که قبل از ظهور اسلام در ناحیه حجاز می زیستند ، تعلیم و تربیت قابل ذکری وجود نداشت . چنانکه بلاذری تعداد کسانی را که مقارن بعثت نبوی (صلی الله علیه وآله وسلم) از نعمت خواندگان و نوشتن برخوردار بوده اند ، حدود هفده نفر تخمین می زند و بر آنند که همه آنان از میان شهروندان مکه و یثرب (۱) و از سه قبیله معروف «قریش» ، «اوس» و «خزرج» بوده‌اند آنان هنر نگارش را از مردم حیره آموخته بودند (۲) . گویا تنها کسی که در میان بانوان خط می نوشت «شفاء عدویه» دختر عبد الله از کسان عمر بن خطاب بود .

بلاذری نقل می کند که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به «شفاء عدویه» فرمود تا «حفصه» را نوشتن آموزد و سپس از افرادی چون «ام کلثوم دختر عقبه» ، «عایشه دختر سعد» ، «کریمه دختر مقداد» نام می برد که به نگارش می پرداختند

با توجه به آیات قرآنی و روایات اسلامی ، نخستین حوزه علمی و مرکز تعلیم و تربیت در مکه به همت والای رسول اعظم الهی (صلی الله علیه وآله وسلم) صورت گرفت . همانگونه که قرآن کریم با آیات سوره علق رسول خدا (صلی الله

علیه و آله وسلم) را به خواندن دعوت فرمود ، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز خود را بتصریح معلم خواند و فرمود :
«إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا» (۳).

پاورقی

(۱) «فتوح البلدان» ، ص ۴۵۷ ، «تاریخ آموزش در اسلام» ، احمد شبلی ، ترجمه محمد حسین ساکت ، ص ۴۱ ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۶۱ ه ش .

(۲) «فروغ ابدیت» ، استاد جعفر سبحانی ، ج ۱ ، ص ۶۸ ، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، قم ، ۱۳۶۳ ه ش .

(۳) «احیاء علوم الدین» ، ابو حامد غزالی ، ج ۱ ، ص ۱۰ ، چاپ قاهره ، ۱۳۱۱ ه ق

با عنایت به روایت فوق و نقل بلاذری ، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بنیانگذار حوزه‌های علمیه می‌باشد که در آن زنان و مردان را به خواندن و نوشتن فرا می‌خواند . چون با هجرت رسول اکرم از مکه به مدینه و تأسیس حکومت اسلامی زمینه های رشد جامعه اسلامی فراهم آمد ، حوزه علمیه مدینه نیز همگام با نظام سیاسی حکومت نبوی (صلی الله علیه و آله وسلم) رشد کرد و دهها دانشمند فرزانه را به جهان اسلام عرضه نمود .

حوزه علمیه مدینه

حوزه علمیه مدینه

حوزه علمیه مدینه منوره به دوره‌های مختلف و اعصار گوناگون تقسیم میشود و یکی از مهمترین و پر تحرک ترین حوزه علمیه شیعه در عصر معصومین (علیهم السلام) است .

الف عصر رسالت

دوره اوّل (سال ۱۲ بعثت)

سال دوازدهم بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) دوازده تن از انصار به مکه آمده، در محلی به نام «عقبه» با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ملاقات کردند . «مصعب بن عمیر» همراه آنان به مدینه رفت و در ترویج دین اسلام کوشید و به آنان قرآن آموخت . وی از فرزندان هاشم بن عبد مناف و از فاضلترین یاران رسول خداست که به فرمان پیامبر تبلیغ دین خدا را برعهده گرفت و در جنگ بدر و اُحد حضور یافت . وی در جنگ احد در حالی که پرچمدار اسلام بود ، به شهادت رسید و پرچم را علی بن ابی طالب (علیه السلام) برپا داشت .

دوره دوم (۱۱ ه ق)

این دوره با هجرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) از مکه به مدینه آغاز گردید و تا رحلت ایشان ادامه داشت .

هجرت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و تأسیس حکومت اسلامی در مدینه ، موجب تشکل هر چه بیشتر امت اسلامی گردید و حضور آن حضرت ، مدینه را به بزرگترین مرکز نشر معارف اسلامی تبدیل نمود . حوزه پر برکت نبوی (صلی الله علیه وآله وسلم) شاگردان فرزانه و عزیز الوجودی را پرورید که بعدها خود محور علمی ، فرهنگی و سیاسی حوزه علمیه آن دیار مقدس گردیدند . در این بین شخصیت‌های بزرگ عالم اسلام و تشیع ، مولی الموحدین امام علی بن ابی

طالب (علیه السلام) حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، امام حسن مجتبی (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام)، تربیت یافتگان خاص مکتب وحی بودند که در دامان پیامبر پرورش یافتند و از منبع نورانی وحی سیراب گشتند. آنان به اسراری دست یافتند که دیگران را دسترسی به آن غیر ممکن بود.

ب عصر امامت

حوزه علمیه مدینه منوره در عصر امامت، هشت دوره را به خود دید و از تربیت امامان شیعه بهره‌ها برد. دوره هفتم که از سال ۹۵ هجری آغاز شد و تا سال ۱۴۸ ادامه داشت، عصر امامت حضرت امام محمد باقر و امام صادق (علیهم السلام) و یکی از پربارترین دوره‌های حوزه علمیه شیعه و جهان اسلام محسوب می‌گردد.

دوره سوم (۱۱۴۰ ه ق)

این دوره نخستین دوره از عصر امامت حوزه علمیه مدینه است. دوره سوم با رحلت رسول اعظم الهی (صلی الله علیه و آله وسلم) آغاز می‌شود و با شهادت امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) به پایان می‌رسد.

دوره چهارم (۴۱۶۰ ه ق)

این دوره بیست ساله خلافت و امامت حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام)

و قسمت عمده امامت امام حسین (علیه السلام) را در بر گرفته است.

دوره پنجم (۶۱۹۵ ه ق)

این دوره، روزگار امامت امام چهارم حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) است. امامت ایشان از روزی آغاز شد که امام حسین (علیه السلام) در کربلا به شهادت رسید و بازماندگان به دست سپاه اموی به اسیری برده شدند. امام سجاد (علیه السلام) چه در دوران اسارت و چه بعد از آن، تفسیر نهضت حسینی را عهده

دار شد و فلسفه سیاسی اسلام را در مورد رهبری اسلامی و مدینه قرآنی روشن ساخت

دوره ششم (۱۴۸ هـ ق)

در این دوره حوزه علمیه مدینه از رهبری و تربیت دو امام، حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) و حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) بهره برد. در عصر صادقین (علیهم السلام) به موجب اوضاع مساعد اجتماعی زمینه طرح و گسترش علوم اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گشت و هزاران دانش پژوه فقه و اصول و تفسیر و عقاید و... در حوزه آن دو پیشوای رستگاری و علم حاضر شدند و علوم اهل بیت (علیهم السلام) را در سرزمینهای اسلامی و غیر اسلامی منتشر ساختند (۱).

حوزه مدینه در عصر حسینی

حوزه علمیه مدینه در عصر امام حسین (علیه السلام) در راستای حوزه علمیه‌های فعالیت میکرد که رسول اعظم الهی بنا نهاد و حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) و حضرت علی و امام حسن مجتبی (علیهم السلام) با شهادتشان مبانی تربیتی آن را حضرت امام حسین (علیه السلام) با تأکید بر برنامه‌های تربیتی و فرهنگی عصر رسالت و در راستای خط مشی پدر بزرگوارش امام علی (علیه السلام) و برادر معصومش امام حسن (علیه السلام) در حوزه مدینه به تربیت شاگرد پرداخت

پاورقی

(۱) برای آشنایی با ادوار مختلف این حوزه رجوع کنید به: «حوزه های علمیه جهان تشیع». بیمه کردند.

حوزه عصر رسالت شامل حرکت فرهنگی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در حوزه مدینه و مکه بود و حضرت علی و امام حسن (علیهم السلام) نیز در حوزه مدینه و کوفه به فعالیت پرداختند.

امام حسین (علیه السلام) پس از شهادت برادر رهبری حوزه علمیه مدینه را

برعهده گرفت . خالد محمد خالد در کتاب خود تحت عنوان «و كانت حلقات درس الحسين (عليه السلام) عامه في الجلال والمهابه» به نقل از معاويه بن ابي سفيان گوید :

«اذا دخلت مسجد رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فرأيت حلقة فيها قوم كان على رؤوسهم الطير فتلك حلقة ابي عبد الله الحسين»(۱).

«وقتی داخل مسجد رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شدم ، حلقه درسی را دیدم که در آن مردم با توجه کامل نشسته بودند و آن حلقه درس حضرت ابي عبد الله الحسين (عليه السلام) بود»(۲).

بزرگی کار امام حسين (عليه السلام) زمانی روشن می شود که ما به عصر امام حسن مجتبی (عليه السلام) و خفقان شدیدی که در زمان ایشان پس از استیلاي سیاسی و نظامی حکومت منحوس معاويه پیش آمد و تا عصر امام حسين (عليه السلام) ادامه داشت ، توجه پیدا کنم .

پاورقی

(۱) «ابناء الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) في كربلاء» ، ص ۱۴ .

(۲) «... فيها قوم كان على رؤوسهم الطير» اصطلاحی بين اعراب است ، یعنی : گویا پرندهای بر سر شنوندگان نشسته بود و از ترس اینکه پرواز کند ، حرکت نمی کردند و با سکوت کامل و توجه تمام به سخنان امام حسين (عليه السلام) گوش می دادند .

خفقان حکومت اموی در عصر حسنین (عليهما السلام) به حدی بود که با گنجاندن موادى در صلح نامه برای حفظ حقوق امت و رهبری اسلامی ، مواد قرارداد به فراموشی سپرده شد و تحرك فرهنگی امام حسن (عليه السلام) برای معاويه ناخشنود آمد و لذا امام را به زهر کین به شهادت رساند تا حرکت مکتبی و هدفدار امام

(علیه السلام) به ثمر نرسد . با این همه امام حسن (علیه السلام) توانست بالغ بر یکصد و سی نفر را در حوزه درسی خود پرورش دهد و به آنان علم دین آموزد(۱).

سیره عملی امام حسین (علیه السلام) در مدینه به گونه ای بود که دانشجویان و اساتید حوزه را تشویق نموده و با گفتارهای تربیتی خویش جایگاه علم و علم آموزی را در جامعه اسلامی تبیین می فرمود . از سخنان آن حضرت است :

«الْعِلْمُ لِقَاحِ الْمَعْرِفَةِ ، وَطَوْلُ التَّجَارِبِ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ ، وَالشَّرْفُ التَّقْوَى ، وَالْقُنُوعُ رَاحَةُ الْأَيْدِي ، وَمَنْ أَحْبَبَكَ نَهَاكَ ، وَمَنْ أَبْغَضَكَ أَعْرَاكَ»(۲).

امام در این روایت هدف از تدریس را بارور کردن درخت معرفت اعلام می کند ، بر نقش تجربه و پیش آمادگیها ، بر رشد و توسعه عقل و اندیشه بشری تأکید می نهد ، شرف انسانی را در آینه جمال تقوای الهی می نگرد ، بین خود بسندگی و آسودگی جسم و جا پیوند می زند ، و از تأثیر دوستان صادق و مخلص بر امر آموزش و تربیت سخن به میان می آورد .

امام (علیه السلام) با چنین بینش ژرفی رهبری و مدیریت حوزه علمیه مدینه را به دست میگیرد و همسان با رهبری امت اسلامی به تربیت اصحاب خویش پرداخته و با هماهنگی نظام فرهنگی و سیاسی ، انقلاب بزرگ حسینی را بنیان می نهد .

پاورقی

(۱) «مسند الامام المجتبی (علیه السلام)» ، ص ۷۳۵ ، ۷۹۰ .

(۲) «موسوعه کلمات الامام الحسین (علیه السلام)» ، ص ۷۴۳ ، «اعلام الدین» ، ص ۲۹۸ ، «بحار الانوار» ج ۷۸ ، ص ۱۲۸ ، حدیث ۱۱ و فیه «دراسه العلم ...» .

راویان احادیث امام حسین (علیه السلام)

راویان احادیث امام

حسین (علیه السلام) جمعی از شیعیان خاص خاندان عصمت و طهارت هستند که گروهی از آنها مکتب علوی و حسنی را نیز درک کرده اند. از ویژگی های این اصحاب حضور آنان در صحنه علم و عمل و جهاد و اجتهاد است. هر چند در میان اصحاب حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) نیز شخصیت‌های برجسته ای از این نوع وجود داشت لیکن اصحاب امام حسین (علیه السلام) با وجود جو نامساعد سیاسی مرزبان حماسه جاوید شده و در دفتر جهاد فرهنگی و نظامی نام نوشتند. ابن عساکر در تاریخ دمشق روایتگران احادیث حضرت سید الشهداء را اینگونه بیان می دارد:

«الحسین بن علی بن ابی طالب بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف: ابو عبد الله سبط رسول الله صلی الله علیه وسلم و ریحانته من الدنيا .

حدث عن النبی صلی الله علیه وسلم و عن ابیه .

روی عنه ابنه علی بن الحسین وابنته فاطمه وابن أخیه زید بن الحسن ، وشعیب بن خالد [شیث بن خالد] وطلحه بن عبید الله العقیلی و یوسف بن الصباغ عبید الله بن حنین و همّام بن غالب الفرزدق ، وأبو هشام»(۱).

و در جای دیگر گوید :

پاورقی ۱

(۱) «ترجمه الامام الحسین من تاریخ مدینه دمشق» ، الحافظ ابی القاسم علی بن الحسن بن هبه الله الشافعی المعروف بابن عساکر ، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی ، ص ۵ ، موسسه المحمودی للطباعه والنشر بیروت ، لبنان ، ۱۳۹۸ هـ ق ۱۹۷۸ م .

«... الحسین بن علی بن ابی طالب ، ابو عبد الله الهاشمی ابن رسول الله و ریحانته و شبهه ، ولد الخمس

لیال خلون من شعبان سنه أربع من الهجره و قتل و هو ابن ثمان وقيل ابن تسع و خمسين :

روی عنه ابو هريره وابنه علی و فاطمه و سکینه ابتاه ، و عبید الله بن ابی یزید کذا والمطلب بن عبد الله بن حنطب ، و سنان بن ابی سنان ، و ابو حازم الأشجعی و غیرهم»(۱).

ابن حجر عسقلانی می نویسد :

«الحسین بن علی بن ابی طالب الهاشمی ابو عبد الله المدنی سبط رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) و ریحانته من الدنيا واحد سیدی شباب اهل الجنة .

روی عن جده و ابيه و امه و خاله هند بن ابی هاله و عمر بن الخطاب .

عنه اخوه الحسن و بنوه علی و زید و سکینه و فاطمه و ابن ابنه ابو جعفر الباقر و الشعبي و عكرمه و كرز التیمی و سنان بن ابی سنان الدؤلوی و عبد الله بن عمرو بن عثمان والفرزدق و جماعه...»(۲).

طبرانی چهارده نفر از راویان حدیث امام حسین (علیه السلام) را در معجم خویش اینگونه می شمارد :

۱ علی بن الحسین (علیهما السلام) .

۲ فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) .

پاورقی

(۱) همان ، ص ۲۵ .

(۲) «تهذیب التهذیب» ، لابن حجر العسقلانی ، ج ۲ ، ص ۳۴۵ .

۳ سکینه بنت الحسین (علیهما السلام) .

۴ عبید الله بن ابی یزید .

۵ عبید الله بن الحارث .

۶ مطلب بن عبد الله بن الحسین (علیه السلام) .

۷ طلحه بن عبید الله .

۸ بشر بن غالب .

٩ البهزی .

١٠ ابو سعید التیمی عقیصا .

١١ سنان بن ابی سنان .

١٢ عبایه بن رفاعه .

١٣

حبيب بن ابی ثابت .

۱۴ ابو حازم الأشجعی (۱).

شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی «متوفی ۴۶۰ هـ ق) یکصد و یک نفر از راویان حدیث امام حسین (علیه السلام) را می شمارد که ۳۴ تن از آنها به شهادت رسیده و شماری مجروح شده اند . هر چند در عصر رسالت برخی از اصحاب رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به شهادت نایل آمدند و این رویه در زمان امامت و خلافت حضرت مولی الموحدین علی بن ابی طالب (علیه السلام) نیز ادامه داشت ، لیکن شهدای حوزه علمیه در عصر امامت حضرت سید الشهداء (علیه السلام) بیش از هر زمان دیگر بوده است .

از اینرو امام حسین (علیه السلام) به اصحاب و اهل بیت خود فرماید :

«فإني لا أعلم أصحاباً أولى ولا خيراً من أصحابي ولا أهل بيت أبر ولا أوصل من أهل بيتي فجزاكم الله عنى جميعاً خيراً» (۱).

پاورقی

(۱) «المعجم الكبير» ، ج ۳ ، ص ۱۲۷ ۱۳۶ .

«من اصحاب و یاران من بهتر از یاران خود ندیده‌ام و اهل بیت و خاندانی با وفاتر و صدیقتر از اهل بیت خود سراغ ندارم ، خداوند به همه شما جزا خیر دهد» .

اصحاب امام حسین (علیه السلام) به نقل شیخ طوسی به قرار زیر است :

۱ انس بن الحارث الکاهلی .

۲ اسعد بن حنظله الشبامی ، قبیله من الیمن من همدان .

۳ اسلم ، مولی من المدینه .

۴ بشر بن غالب .

۵ بکیل بن سعید .

۶ جابر بن عبد الله الأنصاری .

۷ جعفر بن علی ، اخوه (علیه السلام) قتل معه ، امه ام البنین .

۸ جون ، مولی ابی

ذر ، قتل مع الحسين (عليه السلام) .

٩ جوين بن مالك .

١٠ جناده بن الحرث السلماني .

١١ جندب بن حجير .

١٢ جعيد الهمداني .

١٣ حبيب بن مظاهر الأسدي (ضبطه العلامة الحلي (رحمه الله) في القسم الاول من خلاصه الأقوال (مظهر) بضم الميم وفتح الظاء المعجمه و تشديد الهاء ثم الرّاء ، (ثم قال) وقيل مظاهر ، وهو أشهر من أن يحتاج الى بيان في جلاله قدره و علو شأنه و كان من السبعين رجلاً الذين نصرّوا الحسين (عليه السلام) في كربلا و صبروا على البلاء حتى قتلوا معه ،وقد تقدم عدّه من اصحاب علي والحسن (عليهما السلام)).

پاورقى

(١) «تاريخ طبرى» ، ج ٤ ، ص ٣٢١ و٣٢٢ ، «مقتل الحسين ، امين ، ص ١٠٥ .

١٤ حنظله (لعلّ «حنظله» هذا هو نفس «حنظله بن أسعد الشبامى» الآتى ذكره ، والذي قتل مع الحسين (عليه السلام) في كربلا و كان يرسله (عليه السلام) إلى عمر بن سعد بالمكالمه ، و شبام بالباء الموحده حى من همدان) .

١٥ الحرّ بن يزيد بن نجيه بن سعيد ، من بنى رياح بن يربوع .

١٦ الحجاج بن مالك .

١٧ الحجاج بن مرزوق .

١٨ الحلاش بن عمرو .

١٩ حنظله بن اسعد الشبامى .

٢٠ رشيد الهجرى .

٢١ رميث بن عمرو .

٢٢ زيد بن ارقم .

٢٣ زيد بن معقل .

٢٤ زاهر صاحب عمرو بن الحمق (هو زاهر بن عمر الأسلمي الكندي من اصحاب الشجره ، روى عن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) و شهد الحديبيه ، حج سنه ستين فالتقى مع الحسين (عليه السلام) فصحبه و كان ملازماً له

حتى حضر معه كربلا واستشهد بين يديه) .

٢٥ زهير بن القين .

٢٦ سليم بن قيس الهلالي .

٢٧ سليم ، مولى الحسين (عليه السلام) قتل معه .

٢٨ سيف بن مالك .

٢٩ سويد بن عمرو بن أبي المطاع (سويد هذا حضر الطف و قتل مع الحسين (عليه السلام)) .

٣٠ سفيان بن سريع .

٣١ سوار بن المنعم بن الحابس (سوار بن منعم بن حابس بن أبي عمير بن نهم الهمداني النهمي كان ممن أتى الى الحسين (عليه السلام) أيام المهادنه و

بقي معه الى يوم العاشر فلما شب القتال قاتل في الحمله الأولى فجرح و صرع فأتى به أسيراً الى عمر بن سعد فشفع فيه قومه و بنو عمومته و بقي عندهم جريحاً حتى توفي على رأس سته أشهر) .

٣٢ سعد بن عبد الله (سعد بن عبد الله مولى عمرو بن خالد الأسدي الصيداوي و كان سيداً شريف النفس والهمه وقد تبع مولاه عمرو و أتى معه الى الحسين (عليه السلام) و قتل معه في كربلا) .

٣٣ شبيب بن عبد الله النهشلي (قال اهل السير كان تابعياً من اصحاب أمير المؤمنين (عليه السلام) وانضم الى الحسن (عليه السلام) ثم الى الحسين (عليه السلام) و قتل معه في كربلا في الحمله الأولى) .

٣٤ شريح بن سعد بن الحارثه .

٣٥ شوذب ، مولى شاعر (شوذب هذا هو ابن عبد الله الهمداني الشاكري، مولى شاعر . و كان من رجال الشيعة و جوهها و من الفرسان المعدودين ، و كان حافظاً للحديث حاملاً له عن الامام علي (عليه السلام) ، و كان يجلس للشيعة فيأتونه للحديث ، و مضى بعد خذلان مسلم بن عقيل إلى مكة

فالتحق بالحسين (عليه السلام) ولازمه حتى جاء معه الى كربلاء وقاتل يوم الطف قتال الأبطال حتى قتل من القوم جمعاً كثيراً ثم استشهد .

٣٦ ضرغامه بن مالك .

٣٧ الطرماح بن عدى (من الموالين والمخلصين لأمير المؤمنين (عليه السلام) ولأهل بيته (عليهم السلام) ولازم أبا عبد الله الحسين (عليه السلام) فى الطف الى ان جرح و سقط بين القتلى و كان به رمق فأتوه قومه و جعلوه و داووه فبرىء و عوفى ، وبقى على حبه لأهل البيت إلى أن مات) .

٣٨ ظالم بن عمرو ، ويكنى ابا الأسود الدؤلى .

٣٩ عقيصا ، يكنى ابا سعيد .

٤٠ عمرو بن قيس المشرقى .

٤١ العباس بن على بن أبى طالب ، قتل معه وهو السقاء قتله حكيم بن الطفيل ، أمه أم البنين بنت حزام بن خالد بن ربيعه بن الوحيد ، من بنى عامر .

٤٣ عبد الله بن على ، اخوه ، أمه أم البنين ايضاً قتل معه (عليه السلام) .

٤٤ على بن الحسين الأصغر ولده قتل معه (عليه السلام) ، أمه ليلى بنت أبى قره بن عروه بن مسعود بن معبد الثقفى ، وامها ميمونه بنت أبى سفيان بن حرب .

٤٥ عبد الله بن الحسن بن على بن ابى طالب (عليه السلام) ، قتل معه (عليه السلام) ، أمه الرّباب بنت امرىء القيس بن اوس بن جابر بن كعب بن عليم ، من بنى كلب ابن وبره .

٤٦ عون بن عبد الله بن جعفر بن أبى طالب ، قتل معه (عليه السلام) .

٤٧ عبد الله بن مسلم بن عقيل ، قتل معه (عليه السلام) ، امه رقيه

بنت علي بن ابي طالب (عليه السلام).

٤٨ عبد الله بن يقطر ، رضيعة (عليه السلام) . قتل بالكوفة و كان رسوله رمى به من فوق القصر فتكسر فقام اليه عمرو الأزدي فذبحه و يقال بل فعل ذلك عبد الملك ابن عمر النخعي .

٤٩ عبد الرحمان بن عبد ربه الخزرجي .

٥٠ عمران بن كعب .

٥١ و ٥٢ عبد الله و عبد الرحمان ، ابنا عرز (عرزه بالعين المهملة المفتوحة ثم الراء والزاي والهاء ، وفي بعض النسخ «عروه» بالعين المضمومة ثم الراء والواو والهاء ولعلها الأصح كما ذكره ارباب السير والمقاتل ، قتلا كلاهما مع الحسين (عليه السلام) في كربلا ، و كانا من أشرف اهل الكوفة ، و كان جدهما حراق من اصحاب أمير المؤمنين علي (عليه السلام) و ممن حارب معه في حروبه الثلاثة) .

٥٣ عمرو بن ضبيعه .

٥٤ و ٥٥ عبد الله و عبيد الله ، معروفان .

٥٦ عامر بن مسلم ، مجهول (يقال إن عامر هو ابن مسلم بن حسان بن شريح بن سعد بن حارثة السعدي البصري الذي ذكره اهل السير أنه كان من الشيعة في البصرة فلما بلغه خبر الحسين (عليه السلام) خرج هو و مولاه سالم مع يزيد بن ثبيط العبدى وانضموا الى الحسين (عليه السلام) بالأبطح من مكة حتى ورودوا معه الى كربلا- و كانوا معه يوم الطف ، فقتلوا فيمن قتلوا رضوان الله عليهم) .

٥٧ عمار بن حسان (عمار بن حسان بن شريح الطائي ، كان من الشيعة المخلصين في الولاء لأهل البيت (عليهم السلام) و من الشجعان ، صحب الحسين (عليه السلام) من مكة و لازمه حتى أتى الى كربلا فقتل معه رضوان الله عليه) .

٥٨ عمرو

بن ثمامه .

٥٩ عياض بن أبي المهاجر .

٦٠ عمرو بن عبد الله الأنصاري ، يكنى ابا ثمامه (كان ابو ثمامه هذا فى الكوفه يأخذ البيعه للحسين (عليه السلام) فلما قتل مسلم بن عقيل لحق هو و نافع بن هلال بالحسين (عليه السلام) و قتلا معه فى كربلا) .

٦١ عبد الرحمان بن عبد الله الأرحبى (قتل عبد الرحمان هذا مع الحسين (عليه السلام) فى كربلا ، وكان مع مسلم بن عقيل) .

٦٢ عمار بن ابى سلامه الدالانى .

٦٣ عابس بن أبى شبيب الشاكرى (ذكر اهل سير أن عابس هو ابن شبيب بن شاكر بن ربيعه بن مالك بن صععب بن معاويه بن كثير بن مالك بن جشم بن حاشد الهمدانى الشاكرى ، وكان عابس من رجال الشيعة رئيساً شجاعاً خطيباً ناسكاً متهجداً ، وكان بنو شاكر من المخلصين بولاء أهل البيت (عليهم السلام) خصوصاً أمير المؤمنين (عليه السلام)، قتل مع الحسين (عليه السلام) يوم الطف) .

٦٤ عمران بن عبد الله الخزاعى ، من خزاعه .

٦٥ عبد الله بن سليمان .

٦٦ العباس بن الفضل ، يكنى ابا الفضل يروى عن الحسين (عليه السلام) خطبته .

٦٧ عقبه بن سمعان (ذكره الطبرى و غيره من المؤرخين ، وكان عبداً للرباب زوجه الحسين (عليه السلام) فلما قتل الحسين (عليه السلام) فر على فرس فاخذه اهل الكوفه ثم اطلق ، وجعل يروى واقعه الطف ، ومنه أخذت أخبارها) .

٦٨ عبد الله بن عميره .

٦٩ عبد الله بن حكيم .

٧٠ الفراس بن جعده بن زهير .

پاورقى ٢

٧١ قرطه بن كعب الأنصاري (هكذا جاء بالطاء المهمله والمشهور بالطاء المعجمه كما ذكره ارباب

السير والتواريخ ، ابنه عمرو من شهداء الطف ، واما قرظة فقد توفى فى داره بالكوفة وصلى عليه على (عليه السلام)).

٧٢ قيس بن مسهر الصيداوى (قيس بن مسهر هذا قبض عليه ابن زياد ورمى من سطح القصر الى الارض فتقطع ومات ولما بلغ خبره الحسين (عليه السلام) ترقرت عيناه ولم يملك دمه ثم قال «منهم من قضى نحبه ومنهم من ينتظر»).

٧٣ قاسط بن عبد الله .

٧٤ القاسم بن حبيب .

٧٥ كنانة بن عتيق .

٧٦ كيسان بن كليب ، يكنى ابا صادق .

٧٧ لوط بن يحيى ، يكنى ابا مخنف .

٧٨ ميثم التمار (ميثم بن يحيى او عبد الله التمار النهروانى ، حاله أشهر من أن يذكر، وقتل قبل قدوم الحسين (عليه السلام) الى عراق بعشره أيام ، وطلب بعد ان قطع لسانه).

٧٩ المنهال بن عمرو الأسدى .

٨٠ محمد بن على ، امه ام ولد (هو محمد الأصغر ابن أمير المؤمنين (عليه السلام)، قتل مع اخيه الحسين (عليه السلام) بالطف ، وكنيته أبو بكر).

٨١ محمد بن عبد الله بن جعفر بن ابي طالب ، قتل معه (عليه السلام) .

٨٢ محمد بن أبى سعيد بن عقيل بن أبى طالب (قتل مع الحسين (عليه السلام) بالطف وله من العمر سبع سنين ، قتله لقيظ بن أياس أو ياسر الجهنى) .

٨٣ منجح ، مولى الحسين (عليه السلام) ، قتل معه (عليه السلام) .

٨٤ مسلم بن عوسجه (مسلم بن عوسجه بن سعد بن ثعلبه بن دودان بن أسد بن خزيمه ، ابو جهل الأسدى السعدى ، وكان صحابياً ممن رأى النبى (صلى

الله عليه وآله وسلم) وكان رجلاً شجاعاً ، استشهد في كربلاء مع الحسين (عليه السلام)). .

٨٥ مقسط بن عبد الله ، أخو قاسط .

٨٦ مسلم ، مولاة (عليه السلام) ، مجهول .

٨٧ مسعود بن الحجاج .

٨٨ محمد بن عبد الله .

٨٩ مسلم بن كثير الأعرج .

٩٠ منير بن عمرو بن الاحدب .

٩١ مالك بن سريع .

٩٢ منذر بن سليمان .

٩٣ منيع بن رقاد .

٩٤ نعيم بن عجلان .

٩٥ نافع بن هلال الجملي (نافع بن هلال بن نافع بن جمل بن سعد العشيره من مذحج ، وهو جملي مرادى ، وهو الذى استقدم باللواء أمام أبى الفضل العباس (عليه السلام) وعشرين رجلاً الذين ارسلهم

الحسين (عليه السلام) للاتيان بالماء ، فقتل من طعنه اصابته) .

٩٦ النعمان بن عمرو (النعمان بن عمرو الأزدي الراسبي ، أتى إلى كربلاء ليله الثامن من محرم وانضم الى الحسين (عليه السلام) ولزمه حتى قتل (رحمه الله)). .

٩٧ يزيد بن ثييط .

٩٨ يزيد بن الحصين المشرقي .

٩٩ ابو بكر بن على (عليه السلام) ، اخوه قتل معه ، أمه ليلي بنت مسعود بن خالد بن مالك بن ربيع بن سلمه بن جندل بن نهشل ، من بنى دارم) .

١٠٠ ابن أبى الأسود الدؤلى (١).

شیخ طوسی (رحمه الله) در باب النساء . تنها به نام «فاطمه بنت حبابه الوالیه» (۲) اشاره میکند حال آنکه علاوه و بر او «حبابه الوالیه» که خود از اصحاب مولی الموحدین علی بن ابیطالب و امام حسن (علیهما السلام) است ، از اصحاب امام حسین (علیه السلام) نیز می باشد . همچنین «فاطمه الکبری بنت الحسین (علیه السلام)» شخصیت مورد

نظر ما و خواهر گرامی او «سکینه بنت الحسین (علیه السلام)» از روایان احادیث پدر بزرگوار خود حضرت امام حسین (علیه السلام) شمرده میشوند .

محدثه مکتب حسینی

حضرت امام حسین (علیه السلام) با برپایی نهضت عاشورا در نظر داشت به احیای اسلام و سنت نبوی پردازد و مکتب علوی را استوار سازد و با افشای سلطه استبدادی بنی امیه بر حاکمیت غیر موجه آنان خاتمه بخشد. آنگونه که در وصیت نامه‌اش به محمد حنفیه می فرماید :

پاورقی

(۱) «رجال الطوسی» ، ص ۷۱ ۸۱ .

(۲) همان ، ص ۸۱ .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هذا ما أوصى به الحسين بن علي إلى أخيه محمد بن الحنفية .

أَنَّ الْحُسَيْنَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ . جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا . وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ .

وَإِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (صلى الله عليه وآله وسلم) ، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَّ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَمَنْ قَبِلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْحَقِّ وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ وَهَذِهِ وَصِيَّتِي إِلَيْكَ .

يا أخي وما توفيقى إلا بالله ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (۱) .

«به نام خداوند بخشنده مهربان ، این وصیت حسین بن علی به برادرش محمد حنفیه است . همانا حسین به یگانگی خداوند گواهی می دهد که برای خدا شریکی نیست و شهادت می دهد که محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) بنده و فرستاده اوست و آئین

حق (اسلام) را از سوی خدا (برای جهانیان) آورده است و شهادت می دهد که بهشت و دوزخ حق است و روز جزاء بدون شک به وقوع خواهد پیوست و خداوند همه انسانها را در چنین روزی زنده خواهد نمود .

پاورقی

(۱) «سخنان حسین بن علی (علیه السلام) از مدینه تا کربلا»، ص ۳۶، «مقتل خوارزمی»، ج ۱، ص ۱۸۸، «مقتل عوالم»، ص ۵۴ .

من نه از روی خود خواهی و یا برای خوشگذرانی و نه برای فساد و ستمگری از مدینه خارج میگردم ، بلکه هدف من از این سفر امر به معروف و نهی از منکر ، و خواستهام از این حرکت اصلاح مفسد امت و احیاء سنت جدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و راه و رسم پدرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) است .

پس هرکس این حقیقت را از من بپذیرد (و از من پیروی کند) راه خدا را پذیرفته است و هرکس رد کند (و از من پیروی نکند) من با صبر و استقامت راه خود را در پیش خواهم گرفت تا خداوند در میان من و این افراد حکم کند که او بهترین حاکم است .

و برادر ، این وصیت من بر توست ، و توفیق از طرف خداست . بر او توکل می کنم و برگشتم بسوی اوست .

هر چند قیام امام در کوتاه مدت به پیروزی نرسید ، ولی اهداف آن حضرت که آگاهی دهی به امت اسلامی و افشای رژیم ستم بنی امیه بود رخ داد و با قیامهای مکرر نظام پوشالی آنان از هم گسیخت .

در مرتبه نخست امام سجاد (علیه

السلام) با بیانات قدسی خویش نهضت عاشورا را به تفسیر نشست و در مرتبه دوم دیگر حاضران واقعه طف از خاندان رسالت به این مهم پرداختند .

که حضرت زینب (علیها السلام) و حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) از برترین شخصیت‌های عاشورایی محسوب می‌گردد

در حقیقت کسانی نهضت علمی، فرهنگی و سیاسی اجتماعی مکتب حسینی را اشاعه دادند که خود از خاندان رسالت و امامت بوده و با شهادت، جانبازی و اسارت این ارتباط را مستحکم نموده بودند .

حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام)، فرزند شهادت (۱) و الگوی استقامت و شجاعت یکی از بانوان محدثه مکتب حسینی است که حاصل آموزشهای مکتب امام حسین (علیه السلام) را در این بیان خلاصه نموده است :

«ما نالَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ السَّفَةِ بِسَفَهِهِمْ شَيْئاً وَلَا أُذْرَكُوا مِنْ لَذَاتِهِمْ شَيْئاً ، إِلَّا وَقَدَ نَالَهُ أَهْلُ الْمَرْوَاتِ ، فَاسْتَتَرُوا بِجَمِيلِ سِتْرِ اللَّهِ» (۲).

«هیچ نادان، با نادانی خویش به جایی نرسد و از خویشهای مادی و معنوی بهره‌ای نبرد، تنها افراد جوانمرد کامیابند، چرا که خود را در پوشش زیبای الهی قرارداددهاند» .

بدین سان ما در سیره علمی و عملی حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) و حیات همسر و فرزندان‌ش جز جوانمردی و جانبازی و شهادت در راه خدا چیز دیگری نمی‌یابیم .

خطبه حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) در کوفه و مجموعه احادیث آن حضرت که از طرق اهل سنت و شیعه به دست ما رسیده درباره امامت و فضایل اهل بیت (علیهم السلام)، عبادات، اخلاق و بهداشت است . در واقع دختر امام حسین (علیه السلام) عصاره علوم حوزه درسی پدرش را

در مجموعه حدیثی خویش جمع کرده است که مباحث امامت و فضایل اهل بیت (علیهم السلام) و مباحث اخلاقی عناوین عمده این روایات میباشند .

با اینکه تا عصر امام باقر (ع... السلام) نقل و تدوین حدیث از سوی امویان ممنوع بوده و حدود نیمی از عمر شریف حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) در عصر امامت ، امام حسین و امام سجاد (علیهما السلام) سپری شده ، لیکن در مقایسه با عصر موسوی و شمار احادیث وارده از حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) روایات نسبتاً بیشتری از حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) به ما رسیده است که می توان علل عمده آن را اینگونه بر شمرد :

پاورقی

(۱) حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) ، فرزند شهید ، همسر شهید و مادر شهید است .

(۲) الاعلام ، خیر الدین زرکلی ، ج ۵ ، ص ۳۲۷ .

۱ عصر شهادت و واقعه عاشورا انگیزه راویان حدیث را در آموزش علوم الهی از اهل بیت عصمت و خاندان طهارت افزایش داده است .

۲ شهادت امام حسین (علیه السلام) موجب شده تا نظام اموی پس از واقعه طف نسبت به بازماندگان کاروان با ملایمت برخورد نماید ، تا انگیزهای برای قیامهای بعد بر علیه امویان از بین برود .

۳ تربیت یافتگان مکتب فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) ، افراد با شهادتی بوده و در حفظ و انتقال حدیث از هیچ کوششی دریغ نکردهاند .

۴ قرابت سببی با خلیفه سوم موجب حفظ احادیث حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) شده چنانکه روایات ایشان از دو طریق اهل سنت و شیعه نقل گردیده است .

۵ حضرت فاطمه بنت الحسین

(علیه السلام) دوران کوتاه تدوین حدیث در خلافت عمر بن عبد العزیز (۹۹ ۱۰۱ هـ ق) را درک کرده است (۱).

۶ با توجه به این نکته که ادریسیان ، فرزندان عبد الله بن حسن مثنی در عصر موسوی به حکومت رسیده و حکومت آنان تا سال ۳۷۵ هجری تداوم داشته است ، موجب شده تا احادیث ایشان از بین نرود و یا تا حدودی نسبت به احادیث دیگر بانوان محدثه در عصر امامت حفظ گردد .

از ویژگی های احادیث حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) این است که غالب کسانی که از ایشان روایت می کنند از خاندان رسالت و امامت می باشند ، بیشتر آنها از طریق فرزندان ایشان به ما رسیده است و در طریق برخی از احادیث ائمه شیعه واقع شده اند که این نشانه عظمت شخصیت علمی و سلوک عملی آن بانوی مکرمه است .

پاورقی

(۱) عمر بن عبد العزیز به ابو بکر بن محمد خرم نوشت : «انظر ما کان من حدیث رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) او سنّته فاکتبه فأنی خفت دروس العلم و ذهاب العلماء» . «جامع المسانید والسنن» ، مقدمه ، ص ۶۵ ، «ارشاد الساری فی شرح صحیح البخاری» ، ج ۱ ، ص ۶ .

چنانکه گذشت حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) روایتگر حماسه حسینی است و به علّت حضور در صحنه سیاسی و ایراد خطبه از شخصیتهای ممتاز حماسه عاشورا است که خود به روایت واقعه پرداخته است . همانگونه که حضرت حکیمه بنت الجواد (علیه السلام) روایاتی در زمینه تولد حضرت مهدی (عج) نقل نموده است (۱).

روایان حدیث فاطمه بنت الحسین (علیه السلام)

حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) از پدرش حضرت امام حسین (علیه السلام) حضرت

امام حسن (علیه السلام) و حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ، حضرت زینب دختر حضرت علی (علیه السلام) ، ابن عباس ، اسماء بنت ابی بکر ، عایشه و اسماء بنت عمیس روایت نقل کرده است.

راویان حدیث فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) عبارتند از :

امام سجاد (علیه السلام) (امام چهارم ، برادرش) .

امام باقر (علیه السلام) (امام پنجم ، برادر زاده اش) .

فاطمه بنت علی بن الحسین (علیهما السلام) (دختر برادرش) .

عبد الله بن الحسن المثنی (فرزندش) .

عمر بن علی بن الحسین (علیهما السلام) (برادر زاده اش) .

ابراهیم بن الحسن المثنی (فرزندش) .

حسن مثلث (فرزندش) .

پاورقی

(۱) رجوع کنید به : «کمال الدین» ، شیخ صدوق ، ج ۲ ، ص ۴۲۴ ، حدیث ۱ ، ص ۴۲۶ ، حدیث ۲ ، ص ۴۳۳ ، حدیث ۱۴ ، البته احادیث دیگری نیز ایشان درباره معجزات امام جواد (علیه السلام) نقل کرده است .

محمد بن عبد الله بن عمرو بن عثمان (فرزندش) .

شبیبه بن نعمه .

اسحاق بن ابی یحیی .

امّ عباد بن زیاد .

یعلی بن ابی یحیی .

عمار بن غزیه .

عایشه بنت طلحه .

ابو المقدام (هشام بن زیاد ، هشام ابی الولید) .

از ویژگی های مکتب حدیثی حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) این است که وی به طور غالب از خانواده خود که خاندان عصمت و طهارت بوده‌اند نقل حدیث کرده و شاگردان مکتبش نیز بیشتر از اهل بیت خود بودند ، البته محدودیت خاصی که در عصر موسوی است و حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) جز از افراد خانواده خود روایت نقل نکرده است در عصر حسینی مشاهده نمیشود .

لذا باید حوزه علمی بانوان شیعه در عصر حسینی را دوره‌های ذکر کرد که نه چون عصر رسالت که بانوان محدثه علوم خود را به دیگران انتقال می دادند، و نه چون عصر خفقان عباسیان در عصر موسوی که خاندان امامت علوم الهی را تنها به خانواده خود منتقل می کردند، دوره‌های بین این دو عصر دانست. البته هر چه از عصر رسالت دور می شویم روند انتقال حدیث کندتر شده است.

ویژگی خاص طرق روایی حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام)، نقل روایت امامان معصوم شیعه از وی است. [حدیث ۱ و ۲ و ۳ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۵ و ۲۱ و ۲۹]. هر چند هیچ ضرورتی نبود تا احادیث از طریق ایشان نقل شود و ائمه خود با سلسله نورانی خود احادیث را از

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل میکردند (۱). لیکن با ذکر طریق روایی خود و رساندن آن به فاطمه بنت الحسین (علیه السلام)، سیره علمی و عملی آن بانوی مکرمه مورد تأیید قرار گرفته است. طریق نورانی روایت ائمه شیعه از حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) که به رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) منتهی می شود، همانند «حدیث سلسله الذهب» حضرت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است. و در واقع هر گاه ائمه شیعه (علیه السلام) می خواستند مسأله‌های را مورد تأکید قرار دهند از این روش استفاده نموده اند. نمونه هایی از این روش نقل حدیث که در آن شماری از ائمه معصومین (علیهم السلام) قرار گرفته‌اند در «امالی» شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن حسن طوسی و کتب روایی دیگر آمده است.

خطبه حماسی فاطمه بنت الحسین (علیه السلام)

پس از واقعه عاشورا و شهادت حضرت سید الشهداء (علیه السلام)، بازماندگان کاروان شهادت را از کربلا کوچ دادند، آنان همانند اسیران کافر به شهری که روزی مرکز خلافت حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) بود، انتقال یافتند. سوار بر شترانی بی محمل و بی سایبان، با صورتهایی گشوده. حال آنکه از حکومت پنج ساله امام علی (علیه السلام) در کوفه، بیش از بیست سال نمی گذشت مردمی که سن آنان از سی تجاوز می کرد فرزندان علی (علیه السلام) را به خاطر داشتند. دیدن این منظره خاطرات گذشته را زنده کرد. کوی و برزن و کوچه و بازار پر از شیون شد.

پاورقی

(۱) با توجه به روایاتی از این نوع که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «حدیثی حدیث ابی، و حدیث ابی حدیث جدی، و حدیث جدی حدیث الحسین، و حدیث الحسین حدیث الحسن، و حدیث الحسن حدیث امیر المؤمنین، و حدیث امیر المؤمنین حدیث رسول الله، و حدیث رسول الله قول الله عزّ وجلّ» کافی، ج ۱، ص ۵۳ لزومی نداشت تا ائمه شیعه (علیهم السلام) از فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) روایت نقل کنند، مگر اینکه می خواستند شخصیت علمی، اجتماعی و سیاسی آن بانوی مکرمه را تأیید نمایند.

اما زینب دخت علی بن ابی طالب (علیه السلام) نگریست، و به ایراد خطبه پرداخت. چنانکه بشیر بن خزیم اسدی گوید:

«آن روز زینب دختر علی (علیه السلام) توجه مرا به خود جلب کرد، زیرا به خدا قسم زنی را که سراپا شرم و حیا باشد، از او سخنران تر

ندیده ام . که گویی سخن گفتن را از زبان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرا گرفته بود» (۱).

سپس فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) به ایراد خطبه پرداخت و سپس ام کلثوم (۲) تا اینکه حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) خطبه خویش را به مردم کوفه القاء نمود (۳).

خطبه حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) به شرح زیر است :

عن زید بن موسی عن ابيه عن آباءه قال : خطبت فاطمه الصغرى بعد ان ردت من كربلا فقالت :

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ الرَّمْلِ وَالْحِصَى ، وَزِنَةَ الْعُرْشِ إِلَى الثَّرَى ، أَحْمَدُهُ وَأُؤْمِنُ بِهِ ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ، وَأَنَّ أَوْلَادَهُ ذُبُحُوا بِسَطِّ الْفُرَاتِ مِنْ غَيْرِ ذَخَلٍ وَلَا تَرَاثٍ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَرِيَ عَلَيْكَ ، وَأَنْ أَقُولَ عَلَيْكَ خِلَافَ مَا أَنْزَلْتَ مِنْ أَخَذِ الْعُهُودِ وَالْوَصِيَّةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْمَغْلُوبِ حَقُّهُ ، الْمَقْتُولِ مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ فِي بَيْتِ مَنْ يُبَيِّتُ اللَّهَ

پاورقی

(۱) «الملهوف» ص ۱۹۲ .

(۲) دکتر شهیدی گوید : اگر ام کلثوم در این شهر خطبهای خوانده باشد ، مقصود ام کلثوم صغری (سیده نفیسه) است ، چه ام کلثوم کبری (دختر حضرت علی (علیه السلام)) سالها پیش از حادثه کربلا زندگی را بدرود گفته است . «زندگانی علی بن الحسین (علیه السلام)» ص ۵۶ .

(۳) در ترتیب خطبه ها ، نقل سیه ابن طاووس در «الملهوف» رعایت شده است .

تَعَالَى كَمَا قُتِلَ وَلَدُهُ بِالْأَمْسِ وَبِهَا مَعَشَرٌ مُسْلِمَةٌ بِأَلْسِنَتِهِمْ ، تَعَسَّأَ لِرُؤُوسِهِمْ مَا دَفَعَتْ عَنْهُ ضَيْمًا فِي حَيَاتِهِ ، وَلَا عِنْدَ مَمَاتِهِ حَتَّى قَبِضَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ مُحَمَّدٌ النَّقِيبِ ، طَيْبِ

الْعَرِيكِهِ ، مَعْرُوفِ الْمَنَاقِبِ ، مَشْهُورِ الْمِيْزَانِ ، لَمْ تَأْخُذْهُ فِيكَ لَوْمَةٌ لَّا يَمُّ ، وَلَا عَيْدٌ عَاذِلٌ ، هَدَيْتَهُ لِلْإِسْلَامِ صِدْقًا ، وَحَمَدَتْ مَنَاقِبُهُ كَبِيرًا ، وَلَمْ يَزَلْ نَاصِحًا لَكَ وَلِرَسُولِكَ ، زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا غَيْرَ حَرِيصٍ عَلَيْهَا ، رَاغِبٌ فِي الْآخِرَةِ ، مُجَاهِدًا لَكَ فِي سَبِيلِكَ ، رَضِيْتَهُ فَاخْتَرْتَهُ ، وَهَدَيْتَهُ إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ .

أَمَّا بَعْدُ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ ، يَا أَهْلَ الْمَكْرِ وَالْعُدْرِ وَالْخِيَلِ ، إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ إِبْتِلَانِ اللَّهِ بِكُمْ ، وَابْتِلَاكُمْ بِنَا ، فَجَعَلَ بِلَاءَنَا حَسِينًا ، وَجَعَلَ عِلْمَهُ عِنْدَنَا وَفَهْمَهُ لَمَدِينَا ، فَخُنَّ عَيْبُهُ عِلْمِهِ ، وَوَعَاءُ فَهْمِهِ وَحِكْمَتِهِ ، وَحُجَّتُهُ عَلَى الْأَرْضِ فِي بِلَادِهِ لِعِبَادِهِ ، أَكْرَمَنَا اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ ، وَفَضَّلَنَا بِبَنِيهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ اللَّهُ تَفْضِيلًا .

فَكَذَّبْتُمُونَا وَكَفَرْتُمُونَا ، وَرَأَيْتُمْ قِتَالَنَا حَلَالًا ، وَأَمْوَالَنَا نَهَبًا ، كَأَنَّنا أَوْلَادُ تَرْكٍ أَوْ كَابِلٍ ، كَمَا قَتَلْتُمْ حِيَدَنَا بِالْأَمْسِ وَسَيُوفُكُمْ تَقَطُّرٌ مِنْ دِمَانِ أَهْلِ الْبَيْتِ لِحَقْمِدِ مُتَقَدِّمٍ ، قَرَّتْ لِمِثْلِكَ عُيُونُكُمْ ، وَفَرَحَتْ قُلُوبُكُمْ إِفْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ ، وَمَكْرًا مَكْرَتُمْ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ (١) فَلَا تَدْعُونَكُمْ أَنْفُسُكُمْ إِلَى الْجَدَلِ بِمَا أَصَابْتُمْ مِنْ دِمَائِنَا ، وَنَالَتْ أَيْدِيكُمْ مِنْ أَمْوَالِنَا ، فَإِنَّ مَا أَصَابَنَا مِنَ الْمَصَائِبِ الْجَلِيلَةِ وَالرِّزَايَا الْعَظِيمَةِ فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ، لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ، وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (٢) .

پاورقی

(١) آل عمران ٥٤ .

(٢) حدید ٢٢ و ٢٣ .

تَبَّأَ لَكُمْ فَانْتَضَرُّوا اللَّعْنَةَ وَالْعَذَابَ ، فَكَأَنَّ قَدْ حَلَّ بِكُمْ وَتَوَاتَرَتْ مِنَ السَّمَاءِ نِقْمَاتٌ فَيَسِدُّ حِجَّتَكُمْ بِعَذَابٍ ، وَيُذِيقُ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ ، ثُمَّ تَخْلُدُونَ فِي الْعَذَابِ الْأَلِيمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَا ظَلَمْتُمُونَا ، أَلَا لَعْنَةُ

اللَّهُ عَلَى الظَّالِمِينَ (١).

وَيَلِكُمْ أَتَدْرُونَ أَيَّ يَدٍ طَاعَتْنَا مِنْكُمْ؟ وَأَيَّ نَفْسٍ نَزَعَتْ إِلَى قِتَالِنَا؟ أَمْ بِأَيِّ رَجُلٍ مَشَيْتُمْ إِلَيْنَا؟ تَبْغُونَ مُحَارَبَتَنَا؟ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ، وَغَلِظَتْ أَكْبَادُكُمْ، وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى أَفْئِدَتِكُمْ، وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِكُمْ وَبَصَرِكُمْ، وَسَيَّوَلَ لَكُمْ الشَّيْطَانَ وَأَمْلَى لَكُمْ، وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِكُمْ غِشَاوَةً فَأَنْتُمْ لَا تَهْتَدُونَ.

تَبَّأَ لَكُمْ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، أَيُّ تَرَاثٍ لِرَسُولِ اللَّهِ قَبْلَكُمْ، وَذُحُولَ لَهُ لَدَيْكُمْ، ثُمَّ غَدَرْتُمْ بِأَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) جَدِّي، وَبَنِيهِ عِتْرَةَ النَّبِيِّ الْأَخْيَارِ، وَافْتَخَرَ بِذَلِكَ مُفْتَخِرُكُمْ:

نَحْنُ قَتَلْنَا عَلِيًّا وَبَنِي عَلِيٍّ

بِسُيُوفِ هِنْدِيَّةٍ وَرِمَاحِ

وَسَبِينَا نِسَاءَهُمْ سَبَى تُرُوكَ

وَنَطَخْنَاهُمْ فَأَيُّ نِطَاحِ

بِفَيْكٍ أَيُّهَا الْقَائِلُ الْكَنْكَتُ وَالْأَثْلُبُ، إِفْتَخَرْتَ بِقَتْلِ قَوْمِ زَكَاهُمْ وَطَهَّرَهُمْ وَأَذْهَبَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، فَأَكْظَمَ وَأَقَعَ كَمَا أَقَعَى أَبُوكَ، فَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا اكْتَسَبَ وَمَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ، حَسَدْتُمُونَا وَبَيَّأْتُمْ لَكُمْ عَلَى مَا فَضَّلْنَا اللَّهُ تَعَالَى:

فَمَا ذَنْبُنَا إِنْ جَاشَ دَهْرًا بُحُورُنَا

وَبَحْرُوكَ سَاجٍ لَا يُورِي الدَّعَامِصَا

«ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ» (٢) «وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (٣)، «وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ» (٤).

عندئذ ارتفعت الأصوات بالبكاء والنحيب ، وقالوا :

پاورقی

(١) طه ٦١ .

(٢) مائده ٥٤ .

(٣) بقره ١٠٥ .

(٤) نور ٤٠ .

حسبک یا ابنه الطاهرین فقد أحرقتِ قلوبنا ، وانضجتِ نهورنا وأضرمتِ أجوافنا ، فسکتت «علیها وعلی أبیها وجدها السلام»(۱).

زید بن موسی بن جعفر از پدران خود روایت می کند که فاطمه صغری پس از آنکه از کربلا وارد کوفه شد ، این خطبه را ایراد فرمود :

«سپاس برای خدا . سپاسی به شماره ریگها و سنگها ، و هم وزن آنچه از روی زمین تا عرش اوست . او را

حمد می کنم و به او ایمان دارم و تو کلم بدوست . شهادت می دهم که خدا یکی است و شریکی برای او نیست و محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) بنده و پیامبر اوست .

گواهی می دهم که فرزندان او را در کنار فرات سر بریدند ، بی آنکه خونی از آنان طلبکار باشند و خون خواهی کنند .

پروردگارا من به تو پناه می برم از اینکه به ذات مقدس تو دروغ و افترا بیندم ، یا بر خلاف آنچه به پیامبرت دستور فرمودی که : از مردم برای وصی خود علی بن ابیطالب بیعت بگیرد ، سخنی بگویم . همان علی بن ابیطالب که حقش را غصب کردند و او را در خانه ای از خانه های تو بیگناه کشتند ، چنانکه دیروز فرزند او را در کربلا کشتند گروهی که با زبان مسلمان و در دل کافر بودند ، نابود باد قومی که در حیات و به وقت تسلیم جان ، نسبت به او ظلمها کردند تا تو او را با منقبتی

ستوده و طبیعتی پاکیزه ، و با فضائل اخلاقی معروف و مناقب مشهور به جوار رحمت خود بردی .

پاورقی

(۱) «الاحتجاج» ج ۲ ، ص ۲۷ ، «الملهوف» ص ۱۹۴ و ۱۹۷ ، «بحار الانوار» ج ۴۵ ، ص ۱۱۰ و ۱۱۱ ، «وفیات الاعیان» ، ج ۳ ، ص ۲۷۱ ، «جامع الرواه» ، ج ۱ ، ص ۳۴۳ ، «تنقیح المقال» ، ج ۱ ، ص ۴۷۱ ، «الکامل فی التاریخ» ، ج ۶ ، ص ۱۰۴ ، «جمهره انساب العرب» ، ص ۵۵ ، «مقاتل الطالبیین» ص ۵۳۴ .

خداوندا تو می دانی که ملامت هیچ ملامت گری او را از عبودیت و بندگی تو باز نداشت . تو

او را در کودکی به اسلام رهنمون شدی و چون بزرگ شد مناقب او را ستودی . او همواره در راه تو و برای خشنودی پیامبر تو ، امت را نصیحت کرد ، تا آنکه او را به سوی خود باز گرفتی .

او به دنیا بی اعتنا و بی علاقه و به آخرت راغب بود ، و در راه تو همواره با دشمنانت مبارزه کرد . تو از او خشنود شدی و او را برگزیدی و به راه راست هدایت فرمودی .

اما بعد ای مردم کوفه ، ای اهل مکر و خدعه ! خداوند ، ما را با شما آزمایش نمود و شما را با ما . ما را نیکو به این امتحان ستوده داشت و فهم و علم خود را به امانت به ما سپرد . پس ما گنجینه علم و فهم و حکمت او هستیم . ما در همه بلاد حجت خداوند در روی زمینیم . خداوند ما را به کرامت خود بزرگ داشت و به واسطه محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) بر بسیاری از خلق خود تفضیل داد . شما ما را تکذیب و تکفیر کردید ، ریختن خونمان را مباح و جنگ با ما را حلال و غارت اموالمان را جایز دانستید . گویا ما از اسیران ترکستان و کابلیم ! دیروز جدّ ما را کشتید و هنوز خون ما بر اثر کینه های دیرین شما ، از شمشیرهایتان می چکد و از بهتانی که بر خدا بستید و خدعه و مکاری که نمودید ، چشمه ای شما روشن و دلهای شما خوشحال و شادمان است ، ولی بدانید که خداوند بهترین

مکر کنندگان است . اکنون شما از ریختن خون ما و چپاول و غارت اموال ما خشنود نباشید ، زیرا این مصائب پیش از این در کتاب نوشته شده و بر خداوند سهل و آسان است ، تا اینکه بر زیانها ملول و افسرده نشوید ، و از منافع و سودها خشنود نباشید ، زیرا خداوند حيله گران و گردن کشان را دوست نمی دارد .

ای اهل کوفه ! هلاکت بر شما باد ! اینک منتظر لعنت و عذاب خدا باشید که به همین زودی ، پی در پی از آسمان بر شما وارد خواهد شد . و شما را به کیفر کارهایتان معذب خواهد نمود و بعضی تان را به دست بعض دیگر مبتلا کرده و از شما انتقام خواهد کشید . آنگاه به سزای این ستمها که در حق ما نمودید ، روز قیامت در آتش دردناک دوزخ مخلد و جاودان خواهید بود . هان که لعنت خدا بر ستمکاران باد !

وای بر شما ای کوفیان ! آیا میدانید با کدامین دست ما را نشان تیر و شمشیر ساختید و با کدام نفس به جنگ ما پرداختید و با کدام پا به جنگ ما گام نهادید ؟ به خدا سوگند دلهای شما را قساوت گرفته و جگرهای شما سخت و خشن شده و سینه هایتان از علم بی بهره مانده و چشم و گوشتان از کار افتاده است .

ای اهل کوفه ! شیطان شما را فریب داد و از راه راست منحرف ساخت و پرده جهل مقابل دیدگان شما کشید ، به گونهای که دیگر هدایت نخواهید شد .

ای اهل کوفه ! هلاکت بر شما باد

. آیا می دانید کدام خون از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به گردن شماست و او آن را از شما طلب خواهد کرد؟ و نیز آن دشمنی هایی که با برادرش علی بن ابیطالب (علیه السلام) و فرزندان و عترت او کردید و بعضی از شما به این جنایتها افتخار نیز نموده است و می گوید: ما علی (علیه السلام) و فرزندان علی (علیه السلام) را با شمشیرهای هندی و نیزه ها کشتیم و خاندانش را اسیر گرفتیم چونان اسیران ترک و آنها را با سرنیزه زدیم چه زدنی!

سنگ و خاک بر دهانت ای کسی که به کشتن مردمانی که خداوند آنها را از هر آلودگی مبرا داشته و پاک و پاکیزه شان گردانیده است، افتخار می کنی. ای ناپاک دهان بر بند و مانند سگ بر جای خود فرو نشین، چنانکه پدرت نشست. همانا برای هر کس، همان است که بجا آورده و از پیش فرستاده است. وای بر شما آیا به ما بر چیزی که خداوند ما را بدان تفضیل داده است، حسد می برید:

فَمَا ذُنُوبُنَا إِنْ جَاشَ دَهْرًا بُحُورُنَا

وَبَحْرُكَ سَاحِ مَا يُوَارِي الدُّعَا مَصَا

ما را گناهی نیست جز اینکه دریای کرم ما روزگار را به خروش آورده است و دریای فضل شما با دعا هم قابل مکیدن نیست!

این فضل خداوند است و اوست صاحب فضل بزرگ که به هر که خواهد عطا فرماید. و کسی را که خداوند از نور خود بی بهره گرداند، پیوسته در تاریکی خواهد بود.

چون خطبه فاطمه به اینجا رسید، مردم با صدای بلند

گریستند و گفتند: ای دختر پاکان و پاکیزگان، دلها و سینه هامان را آتش زدی و جگره امان را به آتش اندوه سوزاندی، بس کن! فاطمه ساکت شد».

شرح خطبه

شرح خطبه

جایگاه خطابه بیش از اسلام و دوره اسلامی را اینگونه توصیف شده است:

«خطابه محتاج بلاغت و تصورات شاعرانه است و از آنرو میتوان آنرا نوعی شعر (نثر) غیر منظوم دانست. گرچه خطابه و شعر با هم فرق دارد، از آنجمله اینکه خطابه نیازمند رجز خوانی (حماسه) است و در مردم دلیر آزادیخواه و استقلال طلب تأثیر بسیار میکند، در صورتیکه چنین شرایطی برای شعر لازم نیست، از آنرو ایام جاهلیت یونان و عرب از این حیث با هم شبیه است زیرا هر دو ملت اهل شعر و خطابه و استقلال طلب و با مناعت بودند و بهمین جهات خطابه در میان رومیان رایج بوده و بهمان لحاظ یهودیان پیش از خطابه، شعر میگفتند، در صورتی که رومیان پیش از شعر بخطابه پرداختند چون یهودیان برعکس رومیان ذلیل و ضعیف و ناتوان بودند و مردم ضعیف و ذلیل طبعاً بیشتر شعر می سرایند و بیشتر اشعار پر آه و ناله و سوز و گداز می گویند و قریحه آنان بمرثیه و حکمت و پند و اندرز متوجه میشود.

اما عربها بواسطه مقتضیات محیط خود آزادی و حماسه علاقه داشته و مثل سایر مردمان خیال باف احساساتی دارای عواطف سرشاری بودند و سخنان بلیغ در آنان مؤثر بوده است. بقسمیکه یک احساسات بلیغ غرور آمیز آنان را تحریک کرده آنها را بجنگ می برد و یا از

جنگ باز می داشت و چون عربها با یکدیگر زد و خورد داشتند برای مباحات و ابراز تنفر به خطابه سرائی احتیاج داشتند تا بدان وسیله طرف را مجاب سازند و یا دسته بندی کنند ولی بیشتر خطابه ها برای مباحات به ایل و تبار و یا برای اظهار فضل و ادب بوده و در مجالس عمومی و خصوصی القاء می شده است. خطیب معمولاً عمامه بر سر و عصا در دست گرفته ایستاده خطابه می خواند و با عصا و نیزه افکار خود را مجسم می ساخت، گاه هم روی بار و یا شتر خود نشسته خطبه میخواند، از جمله دلایل بر تشابه خطبه و شعر اینکه بیشتر شاعران خطیب و بیشتر خطیبان شاعر بودند و از عهده خطابه و شعر بر می آمدند. منتهی اگر شعر بهتر می گفتند

شاعر می شدند و گر نه به خطیب شهرت می یافتند. اتفاقاً هر قبیله‌ای که شاعرش زیاد بود خطیبش هم زیاد بوده است»(۱).

«عربها با اینکه خواندن و نوشتن نمی دانستند خطبه های فصیح و بلیغی می گفتند. زیرا خطابه سرائی مانند شعر گوئی فطری آنان شده بود و پیران، جوانان خود را از آغاز جوانی بخطابه سرائی عادت می دادند و تمرین می نمودند. چون همانطور که شعر و شاعری را برای حفظ نسب و دفاع از ناموس خود لازم میدانستند خطبه سرائی را نیز برای اعزام هیئتها ضروری می شمردند، زیرا اعزام مأمورین مخصوص بنقاط مختلف از لوازم اجتماعی زندگانی آنان بود و بهمین جهت در جاهلیت شاعر بر خطیب مقدم بوده و پس از

ظهور اسلام خطیب جلو افتاده ، زیرا در ایام جاهلیت وجود شاعر برای حفظ و نجات تبار و دفاع از شرافت و ناموس قبیله ضرور بود و در اسلام اعزام مأمورین و هیئتهای مختلف که از لوازم اوضاع اجتماعی بود وجود خطیب را ایجاب می کرد تا بدان وسیله جمعیت هائی تشکیل یابد و طرف را مجاب وقانع کند ، قبایل عرب که غالباً باعزام هیئتها (وفود) محتاج بودند ، بخطا به سرا اهمیت می دادند چون خطیب زبان اهل قبیله و نماینده تمام مردم قبیله محسوب میشد» (۲).

خطبه حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) از دو جهت قابل بررسی و دقت نظر است .

الف : سبک ادبی .

ب : مفاهیم الهی .

سبک ادبی خطبه همانند خطبههای رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) ، حضرت امیر المؤمنین و ائمه معصومین علیهم افضل صلوات المصلین از اسلوب قرآن کریم بهره برده و در موارد عدیده‌های از آیات الهی الهام گرفته است . حضرت فاطمه (علیها السلام) با توجه به محدودیت سیاسی و سنی ، با صلابتی چون کوه و عزمی استوار به ایراد خطبه پرداخته و از آیات قرآنی بهره برده و سبک خاندان عصمت را در اسارت هم حفظ نموده است .

پاورقی

(۱) «تاریخ تمدن اسلام» ، ص ۴۲۴ و ۴۲۵ .

(۲) همان ص ۴۲۵ .

امّا در قسمت دوم از بررسی که به مفاهیم الهی خطبه توجه پیدا می کنیم ، مضامین عالی حماسی ، عرفانی آن است که شهادت امام حسین (علیه السلام) را نه یک کشته شدن عادی ، بلکه برای برقراری عدل و داد و اجرای احکام و حدود الهی دانسته و ویژگی آن حضرت و علل مقابله

دشمنان وی را مورد بررسی قرار داده است .

الف سبک ادبی

اشاره

سبک ادبی خطبه حضرت فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) از دو ویژگی خاص برخوردار است :

۱ الهام از قرآن کریم .

۲ ادبیات حماسی .

مادر هر یک از بخشها اشاراتی به سبک ادبی آن بانوی مکرمه خواهیم داشت .

۱ الهام از قرآن کریم

از ویژگی های این خطبه ، الهام گرفتن از مضامین عالی آیات قرآنی و احادیث شریف خاندان عصمت و طهارت است (۱).

پاورقی

(۱) این فن را در علم بدیع «اقتباس» گویند . به عنوان مثال در عبارت حریری : «فَلَمْ يَكُنْ إِلَّا كَلِمِجِ الْبَصِيرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ حَتَّى أَنْشَدَ وَأَعْرَبَ» الا کلمح البصر او هر اقرب ، از آیات قرآنی است «نحل ۷۷» رجوع کنید به کتابهایی در این فن از جمله : «درر الأدب» ، حسام العلماء ، ص ۲۲۶ و ۲۲۷ .

به عنوان نمونه وقتی به شهادت حضرت علی (علیه السلام) اشاره می کند ، می فرماید: (فِي يَتِّ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ تَعَالَى) الهام از آیه ۳۶ سوره نور است که می فرماید :

(فِي بُيُوتِ الَّذِينَ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعُوا وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ) .

«در خانه هایی (مانند معابد و مساجد و منازل انبیاء و اولیاء) خدا رخصت داده که آنجا رفعت یابد و در آن ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند» .

و در ضمن یادآور این نکته است که به وصی رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) در مسجد نیز رخصت داده نشد ، حال آنکه خانه های پیامبران و امامان نیز خانه های امن محسوب میگردد .

همچنین عبارت «أَكْرَمَنَا اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ ، وَفَضَّلَنَا بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ

خَلَقَ اللَّهُ تَفْضِيلًا» برگرفته از آیه ۷۰ سوره اسراء است که میفرماید :

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاكُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» .

«وما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مرکب بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم

همچنین عبارت «خَتَمَ عَلَى سَمْعِكُمْ وَبَصَرِكُمْ وَسَوَّلَ لَكُمْ الشَّيْطَانَ وَأَمَلَى لَكُمْ ، وَجَعَلَ عَلَى بَصِيرِكُمْ غِشَاوَةً فَأَنْتُمْ لَا تَهْتَدُونَ» برگرفته از آیات سوره‌های انعام و بقره است .

آیه ۴۶ از سوره انعام با ضمیر مخاطب چنین است :

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَرَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى

قُلُوبِكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِ اللَّهِ يَأْتِيَكُمْ بِهِ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ» .

«بگو ای پیغمبر اگر خدا گویش و چشمهای شما گرفت و مهر بر دل شما نهاد ، آیا خدایی غیر خدا هست که این نعمتها به شما باز دهد ، بنگر که نا چگونه آیات را روشن می گردانیم ، باز آنها چگونه اعراض می کنند» .

و نیز آیه ۷ از سوره بقره با ضمیر غائب اینگونه است :

«خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَرِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» .

«قهر خدا مهر بر دلها پرده بر گوشها و چشمهای ایشان نهاد که فهم حقایق و معارف الهی را نمی کنند و ایشان را در قیامت عذابی سخت خواهد بود» .

و عبارت (لِكُلِّ أُمْرٍءٍ مَا اكْتَسَبَ ...) الهام از آیه ۱۱ نور است . با توجه به این نکته در مواردی عین عبارت کلام الهی را در خطبه جای داده

و آیات سور بقره ، آل عمران ، مائده ، طه ، حدید و نور بهره گرفته است . با توجه به احاطه کامل به آیات موضوعی قرآن کریم و انتقال آن به مخاطبین در آن شرایط حادّ و حساس ، باید گفت : اگر نگوئیم حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) حافظ قرآن است ، باید گفت از قرآن کریم بهره وافی برده است .

۲ ادبیات حماسی

ادبیات حماسی زمانی شکل می گیرد که خطیب یا شاعر به توصیف مردانگی ها و افتخارات فردی یا قومی برخیزد . در ادبیات حماسی اسلام، شخصیت‌های ممتاز ، انسانهای کامل الهی هستند که از سوی خداوند متعال برگزیده و بسوی مردم برانگیخته شده اند .

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و جانشینان وی محور ادبیات حماسی اسلام را شکل می دهند و در مرتبه فروتر اصحاب فداکار آنها چون حضرت حمزه سید الشهداء جای دارند(۱).

پاورقی

(۱) به پیروی از سیره ائمه شیعه و فرزندان گرامیشان ، در شعر و نثر فارسی نیز ادبیات حماسی ، و حماسه دینی بخشی از ادبیات فارسی را به خود اختصاص داده که همواره مورد توجه اهل بینش بوده است . برخی از این آثار به قرار زیر می باشند :

۱ خاوران نامه : در شرح حال سفرها و جنگهای حضرت علی (علیه السلام) اثر مولانا محمد بن حسام الدین مشهور به «ابن حسام» از شعرای قرن نهم ، متوفی ۸۷۵ هجری قمری .

۲ صاحبقران نامه : این منظومه درباره حضرت حمزه سید الشهداء (س) است . ناظم آن معلوم نیست . تاریخ نظم آن سال ۱۰۷۳ هجری قمری میباشد .

حمله حیدری : این اثر توسط میرزا محمد رفیع خان باذل در قرن دوازدهم درباره زندگی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) به نظم کشیده شده است .

۴ مختار نامه : این منظومه توسط عبد الرزاق بیک بن نجفعلی خان دنبلی ، متخلص به «مفتون» در خصوص غزوات مختار بن ابی عبیده ثقفی به نظم آمده است .

۵ شاهنامه حیرتی : حیرتی شاعر عهد شاه طهماسب صفوی این منظومه را در قرن دهم هجری در ذکر غزوات حضرت رسول اکرم و ائمه اطهار ساخته است که بیست هزار هشتصد بیت دارد .

۶ غزوانه اسیری : این منظومه به بحر متقارب در شرح غزوات حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) ساخته شده و گوینده آن اسیری از شاعران عهد شاه طهماسب اول است .

۷ حمله راجی : ملا بمانعلی ، متخلص به «راجی» از مردم کرمان ، منظومه خود را به امر شاهزاده ابراهیم خان آغاز کرده که در آن به تولد حضرت علی (علیه السلام) در بعضی از حالات رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) پرداخته است .

۸ خداوند نامه : ملک الشعراء فتحعلی خان صبای کاشانی این اثر را در شرح احوال پیامبر اسلام و حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) به نظم کشیده است .

۹ اردیبهشت نامه : میرزا محمد علی سروش اصفهانی ، شمس الشعرا این اثر را در عهد قاجار در شرح حال رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه اثنی عشر (علیهم السلام) ساخته است .

۱۰ دلگشا نامه : میرزا غلامعلی

آزاد بلگرامی از شعرای قرن دوازدهم هجری این منظومه را در ذکر اخبار مختار بن ابو عبیده ثقفی سروده است .

۱۱ جنگنامه : این منظومه از شاعری متخلص به «آتشی» است که جنگهای حضرت امیر (علیه السلام) را به رشته نظم آورده است .

۱۲ داستان علی اکبر : این منظومه در شرح حال حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) مشهور به «علی اکبر» و «قاسم بن حسن» است . شاعر آن محمد طاهر بن ابو طالب این اثر را در سال ۱۲۹۸ هجری به پایان رسانده است .

رجوع کنید به : «حماسه سرایی در ایران» ص ۳۷۷ ، ۳۹۰

لذا وقتی حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) به ایراد خطبه می پردازد ، در نظر دارد جایگاه رفیع امامت و ولایت را در اسلام و جامعه اسلامی مشخص نماید . از اینرو پس از حمد الهی و شهادت به رسالت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) ، شهادت فرزندان پیامبر را در ادامه جریان انحراف از خط امامت پس از رحلت سفیر الهی حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) دانسته و شهادت امام حسین را به شهادت جدش حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) مانند می کند که بدست خوارج در محراب کوفه به لقاء معبود شتافت . همانگونه که حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در جریان انحراف امت از خط ولایت با خطبه حماسی خویش به شناسایی و معرفی وصی پیامبر قیام می نماید .

پس از واقعه عاشورا نیز فرزندان فاطمه (علیها السلام) ، حضرت زینب (علیها السلام) و فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) حماسه عاشورا را به تفسیر نشسته و امت را با امام

خویش آشنا ساخته ، رشته کلام را به امام عصر خویش حضرت زین العابدین امام علی بن الحسین (علیه السلام) می سپارند .

ب مفاهیم خطبه

مفاهیم خطبه

خطابه حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) به دو بخش عمده تقسیم می شود . وی نخست حمد الهی را بجای می آورد سپس مردم کوفه را مخاطب قرارداده و از مکر آنان و ستم یزید بن معاویه سخن می گوید .

۱ حمد الهی

نخستین فراز از بیانات دختر امام حسین (علیه السلام) حمد و سپاس خداوند متعال است .

«الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ الرَّمْلِ وَالْحِصَى ، وَزِنَةَ الْعَرْشِ إِلَى الثَّرَى» .

«سپاس برای خدا ، سپاسی به شماره ریگها و سنگها ، و هموزن آنچه از روی زمین تا عرش اوست» .

با این بیان فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) به عالم ملکوت توجه نموده ، در جلوه جمال مطلق مستغرق گشته و بی پایانی سپاس خویش را با موجودات غیر قابل شمار وی بجای می آورد . او در این فراز پیروی از مکتب حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را آشکارا نشان می دهد . حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در آغاز خطبه خویش در مسجد النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید :

«الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ ، وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ ، وَالثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُمُومٍ نَعَمَ إِبْتِدَاءً ، وَسُبُوحٌ آلاءِ أَسْدَاها ، وَتَمَامٌ مِّنْ وَالِها ، جَمٌّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عِيدُها وَنَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمِيدُها ، وَتَنَاوَتْ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبْدُها ، وَنَدَبَهُمْ لِإِسْتِرَادَتِها بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِها وَاسْتِحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِاجْزَالِها وَتَنَى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِها» (۱) .

پاورقی

(۱) خطبه فوق به نوزده طریق در ۶۴ منبع حدیثی ، تاریخی ذکر شده است . رجوع کنید: «شرح نهج البلاغه» ، ابن میثم بحرانی ، ج ۵ ، ص ۱۰۵ و «نهج الحیاه» ، حدیث ۵۷ ، ص ۱۰۰ ۱۱۹ .

لازم به یادآوری است که حضرت

فاطمه زهرا (علیها السلام) علاوه بر خطبه در مسجد النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) در جمع زنان مهاجر و انصار که به عیادتش رفته بودند و در میان گروهی از مردم کوچه و بازار به ایراد خطبه پرداخته است. لذا در سیره عملی نیز فاطمه بنت الحسین و حضرت زینب و ام کلثوم (سیده نفیسه) (علیهما السلام) پیرو حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) هستند. و برای انجام فریضه، فرقی میان مسجد و کوچه و بازار نمی گذارند.

«ستایش مخصوص ذات جامع کمالات الهی است، بر نعمتهایی که ارزانی داشته، و سپاس فراوان بر آنچه الهام فرموده. و درود فراوان بر آنچه که مرحمت فرموده، از آغاز نعمتهای عمومی، و رسا و فراخ بودن نعمتها، و تمام و پشت سرهم بودن عطایای گرانبها که عدد آنها بقدری زیاد است که قابل شمارش نیست و دامنه نعمت بقدری بی پایان است که نمی توان در مقام پاداش برخاست

ابدیت این نعمتها به قدری متعالی است که قابل درک نیست. برای فزونی نعمتها دعوت به شکر نمود و با فرو فرستادن و کامل کردن نعمتها به ستایش فراخواند و در آخرت مردم را به مثل این نعمتها دعوت نمود».

همچنین در دعای صبح حضرت صدیقه کبری آمده است:

«... فَتَقَبَّلْ حَمْدِي بِحَمْدِ أَوْلِي الْحَامِدِينَ ، ... وَبِعِيدِ زَنَةِ ذَرِّ الرَّمَالِ وَالتَّالِ وَالْجِبَالِ ، وَعِيدِ جُرْعِ مَاءِ الْبِحَارِ ، وَعَدَدِ قَطْرِ الْأَمْطَارِ ، وَوَرَقِ الْأَشْجَارِ...» (۱).

«... حمد و ستایش مرا بپذیر، همراه حمد و ستایش اولین ستایشگر... و به تعداد وزن ذرات شنها و تپه ها و کوهها، و

تعداد جرعه های آب دریاها ، و تعداد قطرات بارانها ، و برگ درختان ...» .

پاورقی

(۱) «مصباح المتهجد» ، ص ۱۹ ۲۰۲ ، «مصباح کفعمی» ، ص ۷۲ ، «بلد الامین» ، ص ۵۵ «بحار الانوار» ، ج ۹۵ ، ص ۲۰۵ ۲۰۹ و «صحیفه فاطمیه» ، جواد قیومی ، ص ۷۴ ۹۰ .

۲ گواهی به رسالت پیامبر

پس از شهادت به یگانگی خداوند ، گواهی به رسالت رسول اعظم الهی (صلی الله علیه وآله وسلم) یکی از سنن اسلامی شمرده می شود چنانکه در تشهد گواهی به رسالت جزئی از نماز است و تمامی سخنرانان این سلوک عملی را به پیروی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) برگزار می کردند .

نکته دیگری که گواهی به رسالت را فرضه عاشورائیان ساخته ، این است که یزیدیان ، اسرای کربلا را خروج کنندگان بر دین محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) ، معرفی می کردند که با خطبه های حضرت زینب ، حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) و... این شایعه اموی با شکست روبرو شد (۱).

پاورقی

(۱) چنانکه در «الملهوف» ص ۱۸۹ ۱۹۰ آمده است : آنان را همسان اسرای ترک و روم باسرای باز از کربلا به سوی کوفه حرکت دادند و در کوفه وقتی زنی از زنان پرسید . شما از کدام فامیل هستید ؟ اسیران گفتند ما از آل محمدیم . زن هر چه چادر و روسری داشت ، جمع کرده به اسیران داده و آنان پوشیدند .

این واقعه نشان می دهد که شایعه خروج بر دین محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) در کوفه نیز رایج بود لیکن کوفیان با سخنرانی های خاندان رسالت به واقعیت پی بردند .

البتة

این شایعه در دمشق رواج بیشتری داشت . چنانکه سید ابن طاووس نقل می کند : مردی در روی علی بن الحسین (علیه السلام) ایستاد و گفت :

سپاس خدایی را که شما را کشت و نابود ساخت و مردمان را از شرطان آسوده کرد و امیر المؤمنین را بر شما پیروز گردانید .

علی بن الحسین (علیه السلام) خاموش ماند . تا مرد شامی آنچه در دل داشت برون ریخت . سپس از او پرسید :

قرآن خوانده ای ؟

آری .

این آیه را خوانده‌ای ؟ «قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا الْمَيَّودَّةُ فِي الْقُرْبَى» . «بگو بر رسالت مزدی از شما نمی خواهم ، مگر دوستی نزدیکان من» (شوری ، ۲۲) .

آری !

و این آیه را : «وَأَتِذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» «و حق خویشاوندان را بده» (اسراء ۲۶)

و این آیه را : «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» ، «همانا خدای خواهد پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را پاک سازد ، پاک ساختنی» (احزاب ۳۳) .

آری !

ای شیخ این آیه ها در حق ما نازل شده . مائیم ، ذوی القربی ، مائیم اهل بیت پاکیزه از آلائش .

شیخ دانست آنچه درباره این اسیران شنیده درست نیست . آنان خارجی نیستند . فرزندان پیغمبراند و از آنچه گفته بود پشیمان شده و گفت :

خدایا من از بغضی که از اینان در دل داشتم به تو توبه می کنم . من از دشمنان محمد و آل محمد بیزارم . «مقتل خوارزمی» ، ج ۲ ، ص ۶۱ و ۶۲ ، «الملهوف» ، ص ۲۱۱

۳ گواهی به امامت علی (علیه السلام)

حضرت فاطمه (علیها السلام) پس از شهادت به یگانگی خداوند و رسالت رسولش به ولایت مولی الموحدين علی (علیه السلام) گواهی می دهد، آنسان که امروزه جزیی از شعائر اسلامی محسوب می گردد. دختر امام حسین (علیه السلام) با یاد کرد وصایت حضرت علی (علیه السلام) احادیث وارده از سوی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را به خاطر کوفیان میآورد:

«ما مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَكَهْ نَظِيرٌ فِي أُمَّتِهِ وَعَلِيٌّ نَظِيرِي» (۱).

«عَلِيٌّ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ رَأْسِي مِنْ بَدَنِي» (۲).

«عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَلَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۳).

«عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (۱).

پاورقی

(۱) «الغدیر»، ج ۳، ص ۲۳، «الریاض النضره»، ج ۲، ص ۱۶۴.

(۲) «الغدیر»، ج ۳، ص ۲۲، «نور الابصار»، ص ۸۰، «فیض القدیر»، ج ۴، ص ۳۵۷، «شرح العزیزی»، ج ۲، ص ۴۱۷، «الریاض النضره»، ج ۲، ص ۱۶۲.

(۳) «الغدیر»، ج ۳، ص ۱۷۷، وقد رواه منهم الخطیب فی تاریخه، ج ۱۴، ص ۳۲۱

وی انحراف از خط ولایت را آغاز تمامی این گناهان بزرگ می‌شمرد، دشمنی های کوفیان با علی (علیه السلام) را خاطر نشان می شود:

«ای اهل کوفه! هلاکت بر شما باد. آیا می دانید کدام خون از پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به گردن شماست و او آن را از شما طلب خواهد کرد؟ و نیز آن دشمنیهایی که با برادرش علی بن ابی طالب (علیه السلام) و فرزندان و عترت او کردید و بعضی از شما به این جنایتها افتخار نیز نموده است و می گوید: «ما

علی (علیه السلام) و فرزندان علی (علیه السلام) را با شمشیرهای هندی و نیزهها کشتیم و خاندانش را به اسیری گرفتیم . چونان اسیران ترک و آنها را با سر نیزه زدیم ، چه زدنی !...» .

آیا با این پیشامدهای ناگواری که در تاریخ اسلام روی داده ، گواهی دادن ، ولایت حضرت امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) در اذان عملی مطلوب و عبادتی مقبول نیست ؟

یاد کرد اصل امامت و ولایت در هر فریضه ای ، وظایف امت را در مقابل رهبر و مقتدای خویش تأکید می کند و پیوند ناگستنی بین امام و امت ایجاد می نماید. در اینجا به نقل از کتاب «الشهادة الثالثة المقدسه» (۲) نظریات فقهای شیعه، درباره گواهی دادن به امامت حضرت علی (علیه السلام) در اذان را ذکر می کنیم ، تا اهمیت موضوع روشن گردد .

پاورقی

(۱) «الغدیر» ، ج ۳ ، ص ۱۸۰ ، «مستدرک حاکم» ، ج ۳ ، ص ۱۲۴ ، «الصواعق المحرقة» ، ص ۷۴ «تاریخ الخلفاء» للسیوطی ، ص ۱۱۶ .

(۲) «الشهادة الثالثة المقدسه» ، عبد الحليم الغزى ، ص ۲۸۱ ۳۰۱ .

افتونا وأحسنوا إلینا جزاکم الله خیر جزاء المحسنین :

ماهو نظرکم الشریف بخصوص الشهادة الثالثة المقدسه بالولایة والإمره لسید الأوصیاء صلوات الله علیه وعلیهم فی الأذان والإقامة للصلوات المفروضة ؟

پاسخ معظم له :

بسم الله الرحمن الرحيم

لیست شرعاً جزءاً من الاذان ولا الاقامه ، ولكن لا مانع منها اذا لم تكن بقصد الورد والجزؤیه للاذان والاقامه .

بل تكون راجحاً اذا كانت لمجرد اظهار الاذعان والاعتراف بما يعتقدہ فی خلیفہ رسول الله صلی الله علیه وعلی أوصیائه المعصومین .

یک صفحه دست نویس

۴ شهادت امام حسین (علیه السلام)

حضرت فاطمه بنت الحسین (علیہما السلام) بلا فاصله

، پس از گواهی به رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) میفرماید :

«... وَأَنَّ أَوْلَادَهُ ذُبِحُوا بِسَطِّ الْفُرَاتِ مِنْ غَيْرِ ذَخْلِ وَلَا تُرَاثٍ» .

«... گواهی می دهم که فرزندان او را در کنار فرات سربریدند، بی آنکه خونی از آنان طلبکار باشند و خون خواهی کنند» .

وی پس از فرازی شهادت امام حسین (علیه السلام) را به شهادت مولی الموحدين علی بن ابی طالب (علیه السلام) مانند می کند که در محراب مسجد کوفه به دست گروه خوارج به شهادت رسید . در واقع با این بیان اتهام خارجی بودن نهضت عاشورا و اسیران کربلا متوجه خود امویان و یزیدیان گردید . گروه ناپاکی که هر چند خود را به حسب ظاهر پایبند به اصول دینی معرفی می کردند ، وصی رسول خدا را در محراب عبادت به شهادت می رساندند ، و برای رسیدن به قدرت از کشتن زن باردار هم چشم پوشی نمی کردند .

آن حضرت می فرماید :

«پروردگارا من به تو پناه می برم از اینکه به ذات مقدس تو دروغ و افترا ببندم ، یا بر خلاف آنچه به پیامبرت دستور فرمودی که : از مردم برای وصی خود علی بن ابی طالب بیعت بگیرد ، سخنی بگویم . همان علی بن ابی طالب که حقش را غصب کردند و او را در خانهای از خانه های تو بی گناه کشتند ، چنانکه دیروز فرزند او را در کربلا کشتند» .

سپس به کشندگان امام نفرین فرستاده ، فضایل آن حضرت را یادآور می شود شخصیت بزرگی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) درباره وی و برادر امامش

«الحسن والحسين سيّدا شباب اهل الجنة»(۱).

فرمود :

«الحسن والحسين سبطان من الأسباط»(۲).

۵ انتقام الهی

ناسپاسی در مقابل نعمتهای الهی و از بزرگترین آنها، نعمت برخورداری از امامت و رهبری معصوم که از جانب خداوند متعال انتخاب شده است. انتقام الهی را در پی دارد. از اینرو قسمت عمده خطبه دختر والا گهر امام حسین (علیه السلام) به این مسأله معطوف است که :

«فَانْتَظِرُوا اللَّغْنَ وَالْعِذَابَ ، فَكَأَنَّ قَمَدَ حَلِّ بِكُمْ وَتَوَاتَرَتْ مِنَ السَّمَاءِ نَقِمَاتٌ ، فَيُسَيِّحُكُمْ بِعِذَابٍ ، وَيُذِيقُ بَعْضَكُمْ بِأَسِّ بَعْضٍ ، ثُمَّ تَخْلُدُونَ فِي الْعَذَابِ الْأَلِيمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَا ظَلَمْتُمُونَا ، أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» .

«ای اهل کوفه ! هلاکت بر شما باد . اینک منتظر لعنت و عذاب خدا باشید که به همین زودی ، پی در پی از آسمان بر شما وارد خواهد شد . و شما را به کیفر کارهایتان معذب خواهد نمود و بعضی تان را به دست بعض دیگر مبتلا کرده و از شما انتقام خواهد کشید . آنگاه به سزای این ستمها که در حق ما نمودید ، روز قیامت در آتش دردناک دوزخ مخلد و جاودان خواهید بود . هان که لعنت خدا بر ستمکاران باد» .

این بیانات برگرفته از آیات قرآنی است که سرنوشت محتوم نظام های ظلم و مردم کفرپیشه را بیان نموده است . لیکن گاهی به رژیم های ستم پیشه مهلت داده می شود تا بیشتر گناه کنند تا به عذابی سخت تر و دردناکتر گرفتار شوند و گاهی از باب لطف الهی است که سقوط را به تأخیر می اندازد تا جامعه برای اصلاح خود فرصتی دیگر پیدا کند که اگر این فرصت

را هم از دست بدهد دیگر سقوط و نابودی حتمی است. این دو مطلب به ترتیب از آیات زیر استفاده می شود:

پاورقی

(۱) «ملحقات احقاق الحق»، ج ۱۰، ص ۵۴۴، به نقل از «مسند احمد بن حنبل»، ج ۳، ص ۳ این حدیث به طرق دیگر در دهها کتاب حدیثی اهل سنت آمده است

(۲) «ملحقات احقاق الحق»، ج ۱۰، ص ۶۳۴، «تاریخ الکبیر»، بخاری، ج ۴، رقم ۲، ص ۴۱۵.

«وَلَا يُحَسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (۱).

«آنها که کافر شدند، گمان نکنند اینکه به آنها مهلت دادیم به نفع آنها است. ما به آنان مهلت می دهیم تا بر گناهانشان افزوده گردد و برای آنهاست عذابی خوار کننده».

«وَلَوْ يُؤَاءِ خِذُّ اللَّهِ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرٍ مَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخَّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ كَانَ اللَّهُ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا» (۲).

«اگر خداوند مردم را در مقابل آنچه که انجام داده‌اند مؤاخذه می کرد، بر روی زمین هیچ جنبدهای باقی نمی ماند، ولی آنها را برای زمان معینی به تأخیر می اندازد و چون زمانشان فرارسید، خداوند بر بندگان خود بینا است».

حضرت علی (علیه السلام) نیز در مورد سنتهای تخلف ناپذیر الهی فرماید:

«أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَقْصِمِ جَبَّارِي دَهْرَ قَطُّ إِلَّا بَعْدَ تَمْهِيلٍ وَرَخَاءٍ، وَلَمْ يَجْبُرْ عَظْمَ أَحَدٍ مِنَ الْأُمَمِ إِلَّا بَعْدَ أَرْزُلٍ وَبَلَاءٍ» (۱).

پاورقی

(۱) آل عمران ۱۷۸.

(۲) فاطر ۶۵.

«اما بعد، همانا که خداوند هیچ ستمکاری را، تا مهلتش نداده، زندگی فراخ عطایش نکرده،

هرگز در همش نکوبیده است و در مقابل ، استخوانهای شکسته هیچ ملتی را ، پیش از گذراندن دوران سختی و فشار ، ترمیم نکرده است» .

و در جای دیگر می فرماید :

«وَلَيْسَ أَهْلَ الظَّالِمِ فَلَنْ يَفُوتَ أَخْذُهُ وَهُوَ لَهُ بِالْمِرْصَادِ عَلَى مَجَازِ طَرِيقِهِ ، وَبِمَوْضِعِ الشَّجِيِّ مِنْ مَسَاغِ رِيقِهِ» (۲).

«خداوند هرچند ستمگر را مهلت دهد ، هرگز امکانش نمی دهد که از سرپنجه پر قدرت عدلش رهایی یابد . در گذرگاهش همواره در کمین باشد و چونان استخوانی گلوگیر ، فرود آب خوش را از گلویش دریغ دارد» .

چنانکه می دانیم پس از نهضت خونین عاشورا ، «قیام تواین» در سال ۶۵ هجری روی داد و سپس «انقلاب مدینه» ، «انقلاب زید بن علی بن الحسین (علیه السلام) و... که به فرموده حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) آب گورا از گلوی امویان پایین رفت و پس از مدتی که خداوند قرارداد داده بود ، به حکومت بنی امیه خاتمه داده شد (۳).

۶ فضل خداوند

حضرت فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) پس از اشاره به انتقام الهی ، فضل خداوند نسبت به خاندان رسالت را یادآور شده و علت مخالفت با آنان را در رشک و رزی به آنها می یابد .

پاورقی

(۱) «نهج البلاغه» ، صبحی صالح ، خطبه ۸۸ .

(۲) «نهج البلاغه» ، خطبه ۹۷ .

(۳) «رجوع کنید به: «تاریخ طبری» ، ج ۴ و «پیشوایان» ، عادل ادیب ، ص ۱۵۲ ۱۵۳ .

«... حَسَدْتُمْوْنَا وَيْلًا لَّكُمْ عَلَى مَا فَضَّلْنَا اللهُ تَعَالَى :

فَمَا ذُبْنَا إِنْ جَاشَ دَهْرًا بُحُورَنَا

وَبَحْرُكَ سَاجٍ لَا يُوَارِي الدَّعَايِمَا»

ذَلِكَ فَضْلُ اللهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ، وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ

«وای شما ، آیا به ما بر چیزی که خداوند ما را بدان تفضیل داده است ، حسد می برید :

«ما را گناهی نیست جز اینکه دریای کرم ما روزگار را به خروش آورده است و دریای فضل شما با دعاهم قابل مکیدن نیست .!»

این فضل خداوند است و اوست صاحب فضل بزرگ که به هر که خواهد عطا فرماید . و کسی را که خداوند از نور خود بی بهره گرداند ، پیوسته در تاریکی خواهد بود» .

برتری خاندان رسالت نسبت به دیگران ، وجود انسان کامل در آن خاندان است و این ویژگی به خانواده و عشیره دیگری تعلق ندارد . خداوند متعال رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را به عنوان انسان کاملی که وحی الهی را دریافت کرده به سوی مردم فرستاد تا معارف الهی و احکام دینی را به آنها ابلاغ فرماید و پس از ارتحال آن وجود مقدس اوصیای آن حضرت را پیشوایان امت و راهنمایان بشر قرارداد . آنانکه به مقام انسان کامل رشک برند از اوج به حفیض فرود می آیند و با مقابله با آنها و به شهادت رساندشان به پست ترین درجه وجود فرود آمده و از حیوانات و جمادات نیز پست ترمی گردند .

حضرت مولی الموحدین فرماید :

اللَّهُمَّ بَلَى ! لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ . إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا ، أَوْ خَائِفًا مَعْمُورًا ، لِنَلَّا تَبْطَلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ . وَكَمْ

ذَا وَأَيْنَ أَوْلِيكَ ؟ أَوْلِيكَ وَاللَّهِ الْأَقْلُونَ عِدَدًا ، وَالْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا . يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجَجَهُ وَبَيِّنَاتِهِ ، حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ ، وَيَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ . هَجَمَ

بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَتِهِ الْبَصِيرَةِ ، وَبِاشْرَافِ رُوحِ الْيَقِينِ ، وَاسْتِثْلَانِ مَا اسْتَعْوَرَهُ الْمُتَرْفُونَ ، وَأَنْسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ ، وَصَبَّحُوا الدُّنْيَا بِأَيْدِيَانِ أَرْوَاحِهَا مُعَلَّقَةً بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى . أَوْلَيْكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، وَالِدُّعَاءُ إِلَى دِينِهِ . آه آه شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ ! (۱)» .

«بار خدایا چنین است ! اما زمین از کسانی که دین خدای را به حجت برپای دارند تهی نماند . خواه شهره و آشکار باشند یا خائفانی نهان از چشم ، تا برهان های حق و نشانه های روشن او از میان نرود اما اینان چندند و کجایند ؟

به خدای سوگند که به شمار بس اند کند و به منزلت بس بسیار .

خدای حجتها و نشانه های روشن خویش بوسیله آنان نگاه می دارد تا آنها به نظیران خویش به امانت بسپارند و در دل اشباه خویش کشت کنند و بارور رسازند

دانش ، آنان را به حقیقت بینائی ، رهنمونی می کند و آنها با آرامش یقین به کار می بندند . پارسایی و پرهیز را که متنعمان ناز پرورد دشوار می شمارند آسان می گیرند ، و با آنچه نادانان از آن به هراس اندرند خودارند .

در دنیا با کالبدی زندگانی می کنند که روح آن کالبد به محل اعلی وابسته است .

پاورقی

(۱) «نهج البلاغه» ، صبحی صالح ، کلمات قصاء ۱۴۷ .

اینانند جانشینان خدای بر روی زمین و فرا خوانندگان بدین خدای . وه ، که به دیدارشان چه مشتاقم !» (۱).

شاه نعمت الله ولی کرمانی گوید :

«انسان کامل است که مجلای ذات اوست

مجموعهای که جامع ذات وصفات اوست

او چشمه حیات و همه زندهاند از او

او حی جاودان به بقای

حیات اوست

انسان کامل است که او کون جامع است

تیغ ولایت است که برهان قاطع است» (۲)

جلال الدین محمد بلخی گوید :

«تاج کرمناست بر فرق سرش

طوق اعطیناست آویز برش

جوهر است انسان و چرخ او را عرض

جمله فرع و پایهاند و او غرض

بحر علمی در نمی پنهان شده

در سه گزتن ، عالمی پنهان شده» (۳)

خداوند متعال پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) ، تاج کرمن را بر فرق مبارک فرزند والا تبارش حضرت امام زین العابدین و سید الساجدین علی بن الحسین (علیه السلام) گذاشت . و این کرامت خاص پس از وی به فرزندان منتقل گردید و اینک ما در سایه وجود حضرت بقیه الله امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به حیات خویش ادامه می دهیم .

پاورقی

(۱) مولانا جلال الدین در دیوان کبیر گوید :

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

گفتم : که یافت مینشود گشتهایم ما

گفت : آنکه «یافت می نشود» آنم آرزوست»

(۲) «دیوان شاه نعمت الله ولی ماهانی کرمانی» ، به اهتمام محمود علمی ، ص ۵۸۹ و ۹۴ .

(۳) «مثنوی معنوی» تصحیح نیکلسون ، دفتر پنجم ص ۱۰۰۵ .

پس از پایان خطبه حضرت زینب (علیها السلام) و حضرت فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) ، انسان کامل حضرت زین العابدین (علیه السلام) با بیانات ملکوتی خویش غفلت زدگان کوفه را موعظه نمود .

مفاهیم احادیث

مفاهیم احادیث حضرت فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) همانند خطبه ای که در کوفه ایراد فرموده بر اصل امامت و فضایل اهل بیت عصمت تأکید دارد. همچنین روایاتی درباره عبادات ، اخلاق و بهداشت از ایشان وارد شده است .

با توجه به مفاهیم حدیثی مکتب فاطمه بنت الحسین (علیهما

السلام)، دو موضوع عمده روشن می گردد :

۱ حضرت فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) به فضایل علمی و عملی آراسته بوده و در ترویج مکتب علوی از هیچ کوششی دریغ نیکرده است. وی پس از واقعه عاشورا در ابعاد گسترده به نشر آراء و عقاید مکتب خونین حسینی پرداخته و بی هیچ ملاحظه ای، اهداف نهضت عاشورا را به روایت از پدرش، از حضرت علی (علیه السلام) از فاطمه زهرا (علیها السلام)، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به امت اسلامی بیان مینموده است.

۲ با تأمل در احادیث حضرت فاطمه بنت الحسین (علیها السلام)، ابعاد حوزه تمدن اسلامی و آشنایی مردم آن دوره با علوم و معارف الهی روشن می شود. در واقع باید نهضت امام حسین (علیه السلام) را هشداری به تمدن نوپای اسلامی دانست. تمدن جوانی که تنها شصت سال از حیات آن می گذرد، گرفتار حکومت اسراف کار و زیانبار یزیدی شده و تمامی تلاشهای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و اوصیای او را از بین می برد. لذا امام حسین (علیه السلام) با قیام علیه حکومت یزیدی در صدد پایداری اسلام و تمدن دینی است، از اینرو در عصر حسینی مسائل حقوقی، اخلاقی و بهداشتی مورد توجه قرار گرفته است.

۱ بهداشت :

پیشرفت در علوم پزشکی یکی از مظاهر تمدن شناخته می شود چنانکه در ایران قبل از اسلام دانش پزشکی پیشرفت قابل توجهی داشت و دانشگاه جندی شاپور از مشهورترین دانشگاههای آن عصر محسوب می شد (۱).

اصول و مبانی بهداشتی در قرآن کریم

مطرح شده است آنجا که میفرماید . «کلوا واشربوا ولا تسرفوا» به اصل پیشگیری اشاره میکند . چون وقتی آدمی در مصرف غذا شیوه اعتدال را پیش گیرد ، از ابتلاء به بسیاری از بیماری ها جلوگیری کرده است . ما سه رساله مستقل از دانش پزشکی را در دست داریم که به سه دوره اسلامی ، عصر نبوی ، جعفری و رضوی بر می گردد که با توجه به اوضاع فرهنگی آن در می یابیم که در این سه دوره تمدن اسلامی به نقطه هایی از اوج رسیده است و دانش پزشکی به عنوان یکی از علوم ضروری در جامعه اسلامی مطرح شده و مبانی آن از سوی پیشوایان دینی به تمدن اسلامی القاء گردیده است تا دانش پژوهان این رشته از علوم را نیز همانند دانشهای دینی چون تفسیر و حدیث پیگیری نمایند .

«طب النبی (صلی الله علیه وآله وسلم)» رسالهای است که علامه مجلسی آن را در مجلدات احادیث بهداشتی این مسند یادآور این نکته است که در مکتب حسینی نیز دانش پزشکی به عنوان یکی از علوم رایج مطرح بود که بواسطه نامساعد بودن اوضاع سیاسی ریشه نکرده و یا روایات آن حضرت به دست ما نرسیده است .

پاورقی

(۱) رجوع کنید به : «تاریخ طب در ایران» ، دکتر محمود نجم آبادی ، از انتشارات دانشگاه تهران

بحار الانوار ، «السماء والعالم» آورده است و «طب الصادق (علیه السلام)» در کتب دعائم الاسلام ، فصول المهمه ، کشف الاخطار ، خصال و بحار الانوار ذکر گردیده و «طب الرضا(علیه السلام)» که به «رساله ذهبیه» معروف است در «بحار الانوار» السماء والعالم آمده

است (۱).

۲ حقوق :

از دیگر مسائل عمده‌های که در عصر حسینی مورد توجه پیشوایان دین و شاگردان مکتبش قرار گرفته توجه به مسائل حقوقی است ، حقوق درخواست کنندگان و بینوایان و توجه به کرامت انسانی و اصلاح اخلاق اجتماعی و تعمیم حقوق به حیوانات از عناوین مطرح شده در این مسند است . همانگونه که حضرت امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق خویش وظایف هر یک از اعضای جامعه را معین فرموده است .

با توجه به اینکه عهدنامه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در فتح مکه از نخستین اسناد حقوقی بر جامانده در تاریخ بشری محسوب می شود و سابقه حقوق بشر و صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر در قرن بیستم مسیحی ، برابر با قرن چهاردهم هجری محدود می شود (۲). باید یادآور شد ، حق حیات شایسته و اصل کرامت انسانی در عصر حسینی نادیده گرفته شد و فاجع های را پیش آورد که همانند آن در تاریخ مشاهده نشده است .

پاورقی

(۱) رجوع کنید به : «طب و بهداشت در اسلام» ترجمه و اقتباس جواد فاضل .

(۲) رجوع کنید به : «تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران» ، شیرین عبادی و «حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلامی و غرب» اثر استاد علامه محمد تقی جعفری

بررسی رجال

با توجه به اینکه روایات حضرت فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) از دو طریق اهل سنت و شیعه وارد شده و راویان شیعه آن نیز غالباً فرزندان مجاهد ایشان بودند ، برخی از رجال آن در کتب رجالی توثیق نشده‌اند لیکن باید متذکر شد که احادیث وارده از ایشان بیان احکام شرعی نیست و روایاتی

که سند آنها مورد ایراد قرار می گیرد در ردیف «اخبار من بلغ» یا «تسامح در ادله سنن» قرار می گیرد

تسامح در ادله سنن

احادیث فراوانی از طرق شیعه و سنی در دست است که ، هر گاه کسی بر مبنای حدیثی برای رسیدن به ثواب عملی را انجام دهد ، خداوند ثواب آن عمل را به او خواهد داد . تسامح در ادله ، شامل ادله اصول عقاید و احکام شرعی نیست . بلکه خاص اخلاقیات و مستحبات است . شیخ اعظم انصاری گوید :

«المشهور بین اصحابنا والعامه التسامح فی ادله السنن ، بمعنی عدم اعتبار ما ذکره من الشروط للعمل بأخبار الأحاد، من الاسلام والعداله والضبط فی الروایات الداله علی السنن فعلاً او ترکاً»(۱).

شهید ثانی هم در تفسیر این اصطلاح فرماید :

«وجوز الاكثر العمل به ای : بالخبر الضعیف فی نحو : القصص والمواظ وفضائل الاعمال ، لا فی نحو : صفات الله

پاورقی

(۱) «التسامح فی ادله السنن» ، ص ۱۱ .

المتعال واحکام الحلال والحرام»(۱).

روایاتی در حد تواتر با مضمون واحدی وجود دارد که به لحاظ وجود کلمه «من بلغ» در ابتداء آنها ، احادیث «من بلغ» گفته شده است(۲). سه مورد از این احادیث نقل میشود .

۱ عن محمد بن مروان ، قال سمعت ابا جعفر (علیه السلام) يقول: «مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ اِتْمَاسًا ذَلِكَ الثَّوَابِ اَوْ يَتِيهِ وَاِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ»(۳).

«کسی که اطلاع یابد خداوند بر انجام عملی ثواب می دهد . پس او آن عمل را به امید درک آن ثواب انجام دهد ، خداوند ثواب آن را به او می دهد ، هر چند حدیث آنگونه

که به او رسیده، نباشد» .

۲ عن هشام بن سالم عن ابي عبد الله (عليه السلام) قال : «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) شَيْءٌ مِّنَ الثَّوَابِ فَعَمِلَهُ كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ لَهُ وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) ، لَمْ يَقُلْهُ» (۴).

«هرگاه طبق حدیث پیامبر ، ثوابی بر عملی مترتب باشد و انسان آن را انجام دهد ، پاداش آن عمل برایش خواهد بود ، هر چند رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) چنین حدیثی نفرموده باشد» .

۳ لما ورد عن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) من طريق الخاصه والعامه انه قال : «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى فَضِيلَةً ، فَأَخَذَهَا وَعَمِلَ بِمَا فِيهَا ، إِيمَانًا بِاللَّهِ وَرَجَاءً ثَوَابِهِ ، أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ» (۱).

پاورقی

(۱) «الرعايه في علم الدرايه» ص ۹۴ .

(۲) «مرآت العقول» ، ج ۸ ، ص ۱۱۳ .

(۳) «كافي» ، ج ۲ ، ص ۸۷ ، «وسائل الشيعه» ، ج ۱ ، ص ۶۰ ، حدیث ۷ .

(۴) «وسائل الشيعه» ، ج ۱ ، ص ۶۰ ، حدیث ۳ .

«هرکس به ثواب فضیلتی از سوی خداوند متعال آگاهی یابد . پس آن را انجام دهد در حالیکه به خدا ایمان دارد و به ثواب عمل امیدوار است ، خداوند ثواب عمل را به او اعطاء خواهد فرمود ، هرچند خبر آنگونه که به او رسیده ، نباشد» .

از مجموع روایات در این باب استفاده می شود که ترتب ثواب ، مشروط به انجام عمل به داعی امتثال امر خدا و رسول او (صلى الله عليه وآله وسلم) و نیل به ثواب می باشد و اگر عمل اینگونه انجام

گرفت و بعد کشف خلاف شد که معصوم چنین فرموده ، در هر حال ثواب آن عمل به او داده خواهد شد .

البته عمل به این روایات در صورتی شایسته است که روایت شدت ضعف نداشته و مضمون آن مخالف با دلیل قطعی از کتاب و سنت نباشد و معارض اقوی نداشته باشد . مشروح این مباحث در کتب درایه و اصول فقه آمده است(۲).

پاورقی

(۱) «عده الداعی» ، ص ۴ ، «الرعايه في علم الدرايه» ، ص ۹۴ و در کنز العمال آمده است: عن جابر : «من بلغه عن الله شيء فيه فضيلته فأخذ به إيماناً ورجاءً ثوابه أعطاه الله ذلك و إن لم يكن كذلك» ج ۱۵ ، ص ۷۹۱ ، حدیث ۴۳۱۳۲ ، همانند این حدیث از انس نیز نقل شده است حدیث ۴۳۱۳۳ .

(۲) رجوع کنید به : «کفایه الاصول» ، آخوند خراسانی ، ص ۴۰۱ و شروح آن .

فصل سوم: مسند فاطمه بنت الحسین (علیه السلام)

اشاره

قال النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم):

«لِكُلِّ نَبِيٍّ عَصَبَةٌ يُتَمَوَّنُ إِلَيْهِ وَإِنَّ فَاطِمَةَ عَصَبَتِي إِلَيَّ تُنْتَمِي» .

«برای هر پیامبری برگزیدگانی از قوم و عشیره اوست که به وی نسبت می برند ، وهمانا فاطمه برگزیده قوم است که به من منتسب است» .

بخش اول: امامت

۱ حماسه غدیر

وألطف طريق وقع بهذا الحديث وأغربه : ما حدثنا به شيخنا خاتمه الحفاظ ابوبكر محمّد بن عبد الله بن المحبّ المقدّسى مشافهه قال : أخبرتنا الشيخه أمّ محمّد زينب ابنة أحمد بن عبد الرحيم المقدسيه ، عن أبي المظفر محمّد بن فتیان الحسيني أخبرنا أبو موسى محمّد بن ابى بكر الحافظ ، أنبأنا ابن عمّه والدى القاضى أبو القاسم عبد الواحد بن محمد بن عبد الواحد المدني بقراءته عليه ، أنبأنا ظفر بن داعى العلوى باسراى ، أنبأنا والدى وأبو احمد ابن مطرف المطرفى قالا : حدثنا أبو سعيد الإدريسي إجازة فيما أخرجه فى تاريخ اسراى حدثنى محمّد بن محمّد بن الحسن أبو العباس الرّشيدى من ولد هارون الرّشيد بسمرقند وما كتبناه إلاّ عنه حدثنا أبو الحسن محمد بن جعفر الحلوانى ، حدثنا على بن محمّد بن جعفر الأهوازى مولى الرّشيد ، حدثنا بكر بن أحمد القصرى ، حدثنا فاطمه بنت على بن موسى الرضا حدثتني فاطمه وزينب وأمّ كلثوم بنات موسى بن جعفر ، قلن : حدثتنا فاطمه بنت جعفر بن محمّد الصادق ، حدثتني فاطمه بنت محمد بن على ، حدثتني فاطمه بنت على بن الحسين حدثتني فاطمه وسكينة ابنتا الحسين بن على عن أمّ كلثوم بنت فاطمه بنت النبي صلى الله عليه وآله وسلم :

عن فاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

ورضى عنها :

قالت :

«أَنْسِيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ غَدِيرِ حُجْمٍ : مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْتِي مَوْلَاهُ؟ (١) وَقَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ : أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى (عليهما السلام)» (٢).

«حضرت فاطمه زهرا (عليها السلام) فرمود : آیا فراموش کردید فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را در روز غدیر که فرمود : «هر کس من مولاه و رهبر اویم ، علی مولا و رهبر اوست» ، و آیا فراموش کردید فرمایش حضرت را که فرمود : یا علی تو نسبت بمن همانند هارون نسبت به موسی می باشی .

٢ دوستی امام علی (علیه السلام)

أخبرنا أبو العباس أحمد بن الطحان المقرئ شيخنا مشافهه عن محمد بن محمد بن محمد الشيرازي أخبرنا محمود بن ابراهيم بن منذه الحافظ

پاورقی

(١) ورواه أيضاً الحافظ الكبير ابن عساكر بسند آخر في الحديث : (٤٥٧) من ترجمه أمير المؤمنين (عليه السلام) من تاريخ دمشق» : ج ١ ، ص ٣٩٥ ط ٢ ولفظه : «من كنت وليه فعلي وليه» .

وأيضاً روى حديثها صلوات الله عليها الحافظ ابن عقده في حديث الولاية والمنصور الرازي في كتاب «الغدیر» كما نقله عنهما العلامة الأميني في «الغدیر» ، ج ١ ، ص ٥٨ ط بيروت .

(٢) وهكذا أخرجه الحافظ الكبير أبو موسى المدني في كتابه المسلسل بالأسماء وقال : «وهذا الحديث مسلسل من وجه آخر وهو أن كل واحد من الفواطم تروى عن عمه لها ، فهو روايه خمس بنات أخ كل واحد منهن عن عمته» .

«أسمى المناقب في تهذيب أسنى المطالب» في مناقب الإمام أمير المؤمنين علي بن ابيطالب (عليه السلام) ، الشيخ المقرئ محمد بن محمد بن محمد الجزري الدمشقي الشافعي (٧٥١ ٨٣٣هـ ق) ، هذب وعلق عليه الشيخ محمد

فی کتابه [إلی] من اصبهان ، أخبرنا محمّد بن أبی بکر الحافظ ، أخبرنا الشیخ أبو سعد محمّد بن الهیثم بن محمد ، أخبرنا أبو الحسین بن ابی القاسم ، حدّثنا أحمد بن موسی حدّثنا أحمد بن محمّد بن الشری الکوفی حدّثنا الحسین بن جعفر القرشی حدّثنا جندل بن والقی ، حدّثنا محمّد بن عمر الکاسی عن جعفر بن محمد ، عن ابیه عن علی بن الحسین ، عن فاطمه الصغری عن الحسین بن علی رضی الله عنهما :

عن فاطمه بنت محمّد صلی الله علیه وآله وسلّم ورضی عنها قالت : «خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [وَسَلَّمَ فَقَالَ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَاهِي بِكُمْ فَغَفَرَ لَكُمْ عَامَّةً وَغَفَرَ لِعَلِيٍّ خَاصَّةً . وَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ غَيْرَ هَائِبٍ لِقَوْمِي وَلَا مُحَابِّ لِقَرَاتِي هَذَا جَبْرَائِيلُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يُخْبِرُنِي أَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ وَفَاتِي» (۱).

«فاطمه صغری از پدرش امام حسین (علیه السلام) و آنحضرت از فاطمه زهراء (علیها السلام) نقل می کند که : رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به نزد ما آمد و فرمود : «خداوند به شما اهل بیت مباحات کرده و همه شما بویژه علی را مورد آمرزش خویش قرار داده است . و براستی من فرستاده خدایم بسوی شما که نه به قوم خود بی مهرم و نه دوستیم بر اساس خویشاوندی است / این جبرئیل است که خبر می دهد به من که : انسان سعادت مند کامل و واقعی کسی است که علی را در زمان زندگی و مرگ من دوست بدارد»

(۱) «أسمى المناقب في تهذيب أسنى المطالب»، ص ۷۰ قال المؤلف: هذا حديث غريب رواه الحافظ أبو موسى المديني في كتابه «حجّه ذوى الصلابه» بهذا الإسناد وهذا اللفظ .

۳ دوستی امام علی (علیه السلام)

رواه عبد الله بن أحمد في الحديث (۲۴۳) من فضائل علی (علیه السلام) قال :

وكتب الينا ابو جعفر الحضرمی قال : حدّثنا جندل بن والقی ، حدّثنا محمّد ابن عمر ، عن عبّاد الكلبي عن جعفر بن محمّد ، عن ابيه عن علی بن الحسين ، عن فاطمه الصغرى عن الحسين بن علی عن أمّه فاطمه بنت محمّد [رسول الله] صلى الله عليه [وعلیها و علی آلهما] قالت :

خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ فَقَالَ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَاهِي بِكُمْ وَعَفَرَ لَكُمْ عَامَّةً وَلِعَلِّي خَاصَّةً . وَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَابِّبٍ بِقَرَابَتِي إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ» (۱).

«فاطمه صغرى از پدرش امام حسين (علیه السلام) و آنحضرت از فاطمه زهرا (علیها السلام) نقل می کند که :

شام عرفه رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) نزد ما آمد و فرمود : «براستی خداوند به شما اهلبيت مباحات کرده و همه شما به ویژه علی را مورد آمرزش خود قرار داده است ؛ و همانا من فرستاده خدايم به سوى شما که دوستيم بر محور خویشاوندی نيست ، براستی سعادت مند کامل و راستين کسی است که علی را در زمان زندگی او و بعد از آن دوست بدارد» .

(۱) «أسمى المناقب في تهذيب أسنى المطالب»، ص ۷۱ .

و رواه عنه ابن أبي الحديد في شرح المختار (۱۴۵) من نهج البلاغه ، ج ۲ ، ص ۴۹۹

من طبع القديم ، وفي طبع الحديث ، ج ٩ ، ص ١٦٩ .

ورواه أيضاً الطبراني كما رواه عنه الهيثمي في باب مناقب علي (عليه السلام) من «مجمع الزوائد» ، ج ٩ ، ص ١٣٢ .

ورواه المتقي الهندي في الحديث : من باب فضائل علي (عليه السلام) من «كنز العمال» ج ١٥ ، ص ١٢٧ ، طبع ٢ نقلاً عن الطبراني و ابن الجوزي والبيهقي في فضائل الصحابه .

ورواه أيضاً الخوارزمي في آخر الفصل (٦) من كتاب «مناقب علي (عليه السلام)» ص ٣٧ .

٤ خطبه حضرت زهرا (عليها السلام) در بستر بیماری

حدَّثنا أحمد بن الحسن القطان ، قال : حدَّثنا عبد الرحمن بن محمد الحسيني قال : حدَّثنا أبو الطيب محمد بن الحسين بن حميد اللخمي قال : حدَّثنا أبو عبد الله محمد بن زكريا ، قال : حدَّثنا محمد بن عبد الرحمن المهلبى ، قال : حدَّثنا عبد الله بن محمد بن سليمان ، عن أبيه ، عن عبد الله بن الحسن ، عن أمه فاطمه بنت الحسين (عليهما السلام) قال :

لَمَّا اشْتَدَّتْ عَلَيْهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا اجْتَمَعَ عِنْدَهَا نِسَاءُ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ فَقُلْنَ لَهَا : يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ كَيْفَ أَصِيبُكِ ، مِنْ عِلَّتِكَ ؟ فَقَالَتْ : أَصِيبُكِ وَاللَّهِ عَائِفَةً إِذْ دُنِيَائِكُمْ قَالِيَهُ لِرِجَالِكُمْ (١) ، لَفَطْتُهُمْ قَبِيلَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ ، وَشَنَأْتُهُمْ بَعِيدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ ، فَقَبِحاً لِقُلُوبِ الْحِدِّ وَخَوْرِ الْقَنَاهِ (٢) ، وَخَطَلِ الرَّأْيِ ، وَبَسَسَ مَا قَدَمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَيَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ ، لَا جَزَمَ لَقَدْ قَلَدْتُهُمْ رَبَّقْتَهَا وَشَنَنْتُ عَلَيْهِمْ عَارَهَا فَجِدَعاً وَعَقْرًا وَشِيْحَقاً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ، وَيَحْجُهُمْ أَنَّى زَخْرَحُوها عَنْ رَوَاسِي الرِّسَالَةِ وَقَوَاعِدِ النُّبُوَّةِ وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ الْأَمِينِ وَالطَّبِينِ بِأَمْرِ الدُّنْيَا وَالدِّينِ ، أَلَا ذَلِكُ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ،

وَمَا نَقَمُوا مِنْ أَبِي الْحَسَنِ ، نَقَمُوا وَاللَّهِ مِنْهُ نَكِيرٌ سَيِّفِهِ ، وَشِدَّةٌ وَطَأْتِيهِ ، وَنِكَالٌ وَقَعْتِهِ ، وَتَنَمَّرُهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَاللَّهُ لَوْ تَكَافَوْا عَنْ زَمَامِ نَبَذَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) لَأَعْتَلَقَهُ ، وَلَسَارَ بِهِمْ سَيْرًا سُجْحًا لَا يَكَلِّمُ خَشَاشُهُ وَلَا يُتَعَتَّعُ رَاكِبُهُ ، وَلَا وُرْدَهُمْ مِنْهَا نَمِيرًا فَضْفَاضًا تَطْفُحُ ضِفَّتَاهُ ، وَلَا صَدْرَهُمْ بَطَانًا ، قَدْ تَخَيَّرَ لَهُمُ الرِّىُّ غَيْرَ مَّتَحَلٍّ مِنْهُ بِطَائِلٍ إِلَّا بِغَمْرِ الْمَاءِ وَرَدَّعِهِ سَوْرَةَ السَّاعِبِ وَلَفْتِحَتِ عَلَيْهِمْ بَرَكَاتُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَسَيِّئًا أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ، أَلَا هَلُمَّ فَاسْمِعْ مَا عَشْتِ أَرَاكَ الدَّهْرُ الْعَجَبَ وَإِنْ تَعَجَّبُ وَقَدْ أَعْجَبَكَ الْحَادِثُ ، إِلَى أَى سِتْنَادٍ إِسْتَبَدُّوا ؟ وَبِأَيِّهِ عَزَّوَهُ تَمَسَّكُوا ؟ إِسْتَبَدُّوا الذَّنَابِيَّ وَاللَّهُ بِالْقَوَادِمِ ، وَالْعَجْزَ بِالْكَاهِلِ ، فَزَعْمًا لِمَعَاطِسِ قَوْمٍ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ، أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُنْفَسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ ، أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا - أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ؟ أَمَا لَعَمْرُؤُا إلهِك لَقَدْ لَقِحَتْ فَنظَرَهُ رَيْثَمَا تَنَبَّجُوا ، ثُمَّ احْتَلَبُوا طِلَاعَ الْقَعْبِ دَمًا عَبِيطًا وَزُعَافًا مُمَقِرًّا ، هُنَالِكَ يَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ وَيَعْرِفُ التَّالُونَ غَيْبَ مَا أَسَسَ الْأَوْلُونَ ، ثُمَّ طَبَّيُوا عَنْ أَنْفُسِكُمْ [أ] نَفْسًا ، وَاطْمَأَنَّنُوا لِلْفِتْنَةِ جَاشًا وَأَبْشَرُوا بِسَيْفِ صَارِمٍ وَهَرَجٍ شَامِلٍ وَاسْتِبْدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ ، يَدْعُ فَيْئَكُمْ زَهِيدًا وَرَزَعَكُمْ حَصِيدًا . فَيَا حَسْرَتِي لَكُمْ وَأَنى بَكُمْ وَقَدْ عَمِيَتْ عَلَيْكُمْ أَنْزِلُكُمْ مَوَاهِجًا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ (١).

پاورقى

(١) فى بعض النسخ «عافيه لندياكن ، قاليه لرجالكن» وسيأتى تفسير كلامها (عليها السلام) فى المتن .

(٢) الخور بفتح الحين والراء المهملة : الضعف والانكسار ، والقناه : الرمح .

عبد الله بن حسن از مادرش فاطمه بنت الحسين (عليهما السلام) نقل مى

کند که : «چون بیماری فاطمه زهرا (علیها السلام) شدید شد عده‌ای از زنان مهاجر و انصار به عیادتش آمدند و به او گفتند :

«دختر پیغمبر چگونه‌ای ؟ با بیماری چه می کنی ؟» .

پاورقی

(۱) معانی الاخبار ۳۵۵ ۳۵۴ ، «بحار الانوار» ، ج ۴۳ ، ص ۱۵۸ و ۱۵۹ .

آنحضرت در جوابشان فرمود : «بخدا دنیای شما را دوست نمی دارم و از مردان شما بیزارم ! درون و برویشان را آزمودم و از آنچه کردند ناخشنودم ! چون تیغ زنگار خورده نابُرا ، و گاه پیش روی واپس گرا ، و خداوندان اندیشه ای تیره و نارسایند . خشم خدا را بخود خریدند و در آتش دوزخ جاویدند .

ناچار کار را بدانها واگذار ، و ننگ عدالت کشی را برایشان بار کردم نفرین بر این مکاران و دور بُونداز رحمت حق این ستمکاران .

وای بر آنان . چرا نگذاشتند حق در مرکز خود قرار یابد ؟ و خلافت بر پایه های نبوت استوار ماند ؟

آنجا که فرود آمد نگاه جبرئیل امین است . و برعهده علی که عالم بامور دنیا و دین است . به یقین کاری که کردند خسروانی مبین است . بخدا علی را نه پسندیدند ، چون سوزش تیغ او را چشیدند و پایداری او را دیدند . دیدند که چگونه بر آنان می تازد و با دشمنان خدا نمی سازد .

بخدا سوگند ، اگر پایدر میان می نهادند ، و علی را بر کاری که پیغمبر بعهد او نهاد می گذاردند ، آسان آسان ایشان را براه راست می برد . و حق هر یک را بدو می سپرد ، چنانکه کسی زیانی نبیند و هر کس میوه

آنچه کشته است بچیند . تشنگان عدالت از چشمه معدلت او سیر و زبونان در پناه صولت او دلیر می گشتند . اگر چنین می کردند درهای رحمت از زمین و آسمان بر روی آنان می گشود . اما نکردند و بزودی خدا به کیفر آنچه کردند آنانرا عذاب خواهد فرمود

بیایید ! و بشنوید ! :

شگفتا ! روزگار چه بو العجب ها در پس پرده دارد و چه بازیچه ها یکی از پس دیگری برون می آرد . راستی مردان شما چرا چنین کردند ؟ و چه عذری آوردند ؟ دوست نمایانی غدار . در حق دوستان ستمکار و سرانجام به کیفر ستمکاری خویش گرفتار . سر را گذاشته به دم چسبیدند . پی عامی رفتند و از عالم نپرسیدند . نفرین بر مردمی نادان که تبه کارند . و تبه کاری خود را نیکوکاری می پندارند .

وای بر آنان . آیا آنکه مردم را براه راست می خواند ، سزاوار پیروی است ، یا آنکه خود راه را نمی داند ؟ در این باره چگونه داوری می کنید ؟

بخدایتان سوگند ، آنچه نباید بکنند کردند . نواها ساز و فتنه ها آغاز شد . حال لختی بپایند ! تا بخود آیند ، و ببینند چه آشوبی خیزد و چه خونها بریزد ! شهد زندگی در کامها شرننگ و جهان پهناور بر همگان تنگ گردد . آنروز زیانکاران را باد در دست است و آیندگان بگناه رفتگان گرفتار و پای بست .

اکنون آماده باشید ! که گرد بلا-انگیخته شد و تیغ خشم خدا از نیام انتقام آهیخته . شما را نگذارد تا دمار از روزگارتان برآرد،

آنگاه دریغ سودی ندارد .

جمع شما را بپراکند و بیخ و بتان را برکند . دریغا که دیده حقیقت بین ندارید. بر ما هم تاوانی نیست که داشتن حق رانا خوش می دارید .

۵ حضرت علی (علیه السلام) جانشین پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

حدَّثنا مُحَمَّد بن علی بن الحسین قال : حدَّثنی أحمد بن زیاد بن جعفر قال : حدَّثنی أبو القاسم جعفر بن مُحَمَّد العلوی العریضی قال : قال أبو عبد الله أحمد بن مُحَمَّد بن خلیل : قال : أخبرنی علی بن مُحَمَّد بن جعفر

الأهوازی قال : حدَّثنی بکر بن أحنف قال : حدَّثنا فاطمه بنت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) قال : حدَّثنی فاطمه و زینب وأم کلثوم بنات موسی بن جعفر (علیهما السلام) قلن حدَّثنا فاطمه بنت جعفر بن مُحَمَّد (علیهما السلام) قالت : حدَّثنی فاطمه بنت مُحَمَّد بن علی (علیهما السلام) قالت : حدَّثنی فاطمه بنت علی بن الحسین (علیهما السلام) قالت : حدَّثنی فاطمه و سکینه ابنتا الحسین بن علی (علیهما السلام) عن أم کلثوم بنت علی (علیه السلام) عن فاطمه بنت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) قالت : سمعت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) يقول :

لَمَّا أُشْرِیَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَإِذَا أَنَا بِقَصِيرٍ مِنْ دُرِّهِ بَيْضَاءَ مُجَوَّفَةٍ ، وَعَلَيْهَا بَابٌ مُكَلَّلٌ بِالذُّرِّ وَالْيَاقُوتِ ، وَعَلَى الْبَابِ سِتْرٌ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى الْبَابِ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ وَلِيُّ الْقَوْمِ» وَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى السِّتْرِ بَيْخٌ بَيْخٌ مِنْ مِثْلِ شِيعَةِ عَلِيٍّ ؟

فَدَخَلْتُهُ فَإِذَا أَنَا بِقَصِيرٍ مِنْ عَقِيقٍ أَحْمَرَ مُجَوَّفٍ ، وَعَلَيْهِ بَابٌ مِنْ فَضِّهِ مُكَلَّلٌ بِالزَّبَرْجَدِ الْأَخْضَرِ ، وَإِذَا عَلَى الْبَابِ سِتْرٌ ، فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا مَكْتُوبٌ عَلَى الْبَابِ «مُحَمَّدٌ

رَسُولُ اللَّهِ عَلِيٌّ وَصِيُّ الْمُصْطَفَى» وَإِذَا عَلَى السِّرِّ مَكْتُوبٌ : «بَشْرٌ شَيْعَهُ عَلِيٌّ بِطَبِيبِ الْمَوْلِدِ» .

فَدَخَلْتُهُ فَمَاذَا أَنَا بِقَضِيرٍ مِنْ زُمَّرٍ أَحْضَرَ مَجُوفٍ لَمْ أَرِ أَحْسَنَ مِنْهُ ، وَعَلَيْهِ بَابٌ مِنْ يَاقُوتِهِ حَمْرَاءٌ مُكَلَّلَةٌ بِاللُّؤْلُؤِ وَعَلَى الْبَابِ سِتْرٌ فَرَفَعْتُ رَأْسِي فَمَاذَا مَكْتُوبٌ عَلَى السِّرِّ «شَيْعَهُ عَلِيٌّ هُمُ الْفَائِزُونَ» فَقُلْتُ : حَبِيبِي جَبْرَيْئِيلُ لِمَنْ هَذَا ؟ فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ لِابْنِ عَمِّكَ وَوَصِيَّتِكَ عَلِيٌّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يُحْشِرُ النَّاسَ كُلَّهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُفَاهُ عُرَاهُ إِلَّا شَيْعَهُ عَلِيٌّ وَيُدْعَى النَّاسُ بِأَسْمَاءِ أُمَّهَاتِهِمْ مَا خَلَا شَيْعَهُ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَإِنَّهُمْ يُدْعَوْنَ بِأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ فَقُلْتُ : حَبِيبِي جَبْرَيْئِيلُ وَكَيْفَ ذَاكَ ؟ قَالَ : لِأَنَّهُمْ أَحَبُّوا عَلِيًّا فَطَابَ مَوْلِدُهُمْ (١).

فاطمه و سکینه دخترا امام حسین (علیه السلام) از ام کلثوم دختر علی (علیه السلام) و او نقل می کند از فاطمه زهراء (علیها السلام) که شنیدم پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

در شب معراج ، داخل بهشت شدم ، آنجا قصری دیدم از دُرّ میان تهی ، که دارای دری بود آراسته به دُرّ و یاقوت و بر آن در پردهای آویخته بود / من سرم را بلند کردم ، دیدم بر آن نوشته شده است :

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيٌّ وَلِيُّ الْقَوْمِ» .

«خدایی جز خدای یکتا نیست / محمد فرستاده خدا است / علی ولی (و رهبر) مردم است» .

و بر پرده نوشته بود : «بَخُّ ، بَخُّ ، مَنْ مِثْلُ شَيْعِهِ عَلِيٌّ ؟» .

«به ! به ! کیست مانند شیعه علی (علیه السلام) ؟» .

داخل آن قصر شدم ، در آنجا قصری از عقیق سرخ میان تهی دیدم که دری

داشت از نقره که به «زبرجد» سبز مزین بود و بر آن در نیز پرده ای آویخته بود ، به بالا نگاه کردم ، دیدم بر آن در نوشته شده بود :

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيُّ وَصِيُّ الْمُصْطَفَى» .

«محمد رسول خدا و علی جانشین محمد مصطفی است» .

و بر پرده نوشته شده بود .

«بَشِّرْ شِيعَةَ عَلِيٍّ بِطَيْبِ الْمَوْلِدِ...» .

«بشارت بده شیعیان علی را به پاک سرشتی» ؛

داخل آن قصر شدم ، قصری از زبرجد سبز میان خالی دیدم که بهتر از آن ندیده بودم ؛ این قصر دری داشت از یاقوت سرخ که آراسته به لؤلؤ بود و بر آن در پردهای آویخته بود ؛ سرم را بلند کردم ، دیدم بر پرده نوشته شده :

پاورقی

(۱) جامع الاحادیث ، «کتاب المسلسلات» ، ابو محمد جعفر بن احمد بن علی القمی ، ص ۱۰۸ .

«شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ» .

«تنها شیعیان علی (علیه السلام) رستگارند» .

گفتم : ای جبرئیل این قصر برای کیست ؟ گفت : برای پسر عمو و جانشین تو علی بن ابی طالب است و همه مردم در روز قیامت عریان و پابرهنه محشور میشوند مگر شیعیان علی» .

۶ طهارت امام حسین (علیه السلام) :

احمد بن الحسین ، عن الحسن بن علی السکرّی ، عن الجوهری ، عن الضّبی ، عن الحسین بن یزید ، عن عمر بن علی بن الحسین ، عن فاطمه بنت الحسین ، عن أسماء بنت أبی بکر ، عن صفیّه بنت عبد المطلب قالت :

«لَمَّا سَقَطَ الْحُسَيْنُ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَكُنْتُ وَلِيَّتُهَا (علیها السلام) قَالَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه وآله وسلم) : يَا عَمَّةَ هَلُمَّيْ إِلَى ابْنِي ، فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم)

، إِنَّا لَمْ نُنْظَفْهُ بَعْدُ ، فقال (صلى الله عليه وآله وسلم) : يَا عَمَّةَ أَنْتِ تُنْظِفِيهِ؟ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ نَظَّفَهُ وَطَهَّرَهُ» (۱).

فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) از اسماء دختر ابوبکر از صفیه دختر عبدالمطلب نقل می کند :

«آنگاه که امام حسین (علیه السلام) از مادر متولد شد ، من پرستاری کودک را برعهده داشتم . پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود : عمه ! فرزندم را برای من بیاور ؛ گفتم : یا رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) ما او را پاک نکرده ایم : فرمود : ای خواهر پدر ، تو میخواهی او را پاکیزه گردانی ؟ همانا خداوند تبارک و تعالی او را پاکیزه گردانیده و مطهرش نموده است» .

پاورقی

(۱) «الامالی» ، الشيخ صدوق ، ص ۱۱۷ ، «بحار الانوار» ، ج ۴۳ ، ص ۲۴۳ .

۷ امام حسین (علیه السلام) در آغوش جدش رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) :

حدثنا احمد بن الحسين المعروف بأبي علي بن عبدويه ، قال حدثنا محمد بن زكريا الجوهري ، قال حدثنا العباس بن بكار ، قال حدثني الحسين ابن يزيد عن عمر بن علي بن الحسين عن فاطمه بنت الحسين (عليهما السلام) عن اسماء بنت أبي بكر عن صفيه بنت عبدالمطلب قالت :

لَمَّا سَقَطَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ فَدَفَعْتُهُ إِلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَوَضَعَ النَّبِيُّ لِسَانَهُ فِي فِيهِ (فَمِهِ) ، وَأَقْبَلَ الْحُسَيْنُ عَلَى لِسَانِ رَسُولِ اللَّهِ يَمُصُّهُ ، قَالَتْ وَمَا كُنْتُ أَحْسِبُ رَسُولَ اللَّهِ يَغْدُوهُ إِلَّا لَبْنَا أَوْ عَسَلًا قَالَتْ فَبَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ فَقَبَّلَ النَّبِيُّ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ دَفَعَهُ إِلَيَّ وَهُوَ يَبْكِي وَيَقُولُ لَعَنَ اللَّهُ قَوْمًا

هُم قَاتِلُوكَ يَا بَنِيَّ يَقُولُهَا ثَلَاثًا ، قَالَتْ ، فَقُلْتُ : فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي ، وَمَنْ يَقْتُلُهُ . قَالَ : بَقِيَّةُ الْفِتْنَةِ الْبَاغِيَةِ مِنْ بَنِي أُمَّيَّةَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ (۱).

فاطمه بنت الحسين از اسماء بنت ابی بکر و او از صفیه بنت عبدالمطلب نقل می کند که :

«زمانی که امام حسین (علیه السلام) از مادر متولد شد او را به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) دادم ; حضرت زبان خود را به دهان او گذاشت ; حسین (علیه السلام) (با لذتی تمام) زبان پیامبر را می مکید که من گمان کردم حضرت به او شیر یا عسل می خوراند» .

صفیه می گوید : « در همانحال حسین (علیه السلام) بر لباس حضرت بول کرد ; پیامبر خدا او را بوسید و با چشمانی گریان به من برگرداند و سه مرتبه فرمود : «فرزندم ! خدا لعنت کند مردمی را که تو را خواهند کشت» .

پاورقی

(۱) «امالی الصدوق» ، المجلس الثامن والعشرون ، حدیث ۵ ، ص ۱۱۷ .

صفیه می گوید : «به حضرت گفتم : «چه کسانی او را می کشند؟» ; پیامبر خدا فرمود : «گروه ستمگر از بنی امیه ، که خدایشان لعنت کند» .

۸ ترغیب به حضور در مکتب امام سجاد (علیه السلام)

اخبرنی ابو محمّد الحسن بن محمّد بن یحیی قال : حدّثنا جدّی قال : حدّثنی ادریس بن محمّد بن یحیی بن عبد الله بن حسن بن حسن واحمد بن عبد الله بن موسی واسمعیل بن یعقوب جميعاً قالوا : حدّثنا عبد الله بن موسی عن ابیه عن جدّه (۱) قال :

«كَانَتْ أُمِّي فَاطِمَةُ بِنْتُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) تَأْمُرُنِي أَنْ أَجْلِسَ إِلَى خَالِي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، فَمَا جَلَسْتُ

به ویژه علی مباحثات می کند و مشمول آموزش قرار تان می دهد؛ و همانا من فرستاده خدا به سوی شما هستم: که دوستیم بر محور خویشاوندی نیست به راستی سعادت مند واقعی کسی است که علی را در حال حیات و مرگش دوست بدارد».

پاورقی

(۱) «کشف الغمّه»، ج ۱، ص ۴۵۰.

۱۰ محور سعادت و شقاوت

علی بن محمد بن الحسن القزوینی عن محمد بن عبد الله الحضرمی عن جنّدل بن والّی عن محمد بن عمر المازنی عن عبّاد الكلّبی عن جعفر بن محمد عن ابیه عن علی بن الحسین عن فاطمه الصغری عن الحسین بن علی عن امّه فاطمه بنت محمّد صلوات الله علیهم قالت: خرج علینا رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) عَشِيَةً عرفه فقال:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَاهِي بِكُمْ وَغَفَرَ لَكُمْ عَامَّةً وَلِعَلِّيَّ خَاصَّةً، وَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَابِّ لِقَرَابَتِي هَذَا جَبْرَيْلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ، وَإِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيَّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ» (۱):

فاطمه صغری از پدرش امام حسین (علیه السلام) و آنحضرت از فاطمه زهرا (علیها السلام) نقل میکند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) شام عرفه به نزد ما آمد

و فرمود:

«خداوند متعال به شما اهل بیت مباحثات کرده و مورد آمرزشتان قرار می دهد و علی مورد آمرزش خاص خداوندیست؛ و برآستی من فرستاده خدایم به سوی شما که دوستیم بر محور خویشاندی نباشد و این جبرئیل است که خبر می دهد مرا به اینکه سعادت مند کامل و واقعی دوستدار علی است در مرگ و حیات آنحضرت؛ و بدبخت واقعی

دشمن اوست در زمان زندگی و مرگ آن بزرگوار» .

پاورقی

(۱) «بحار الانوار»، ج ۲۷، ص ۷۴ و ۷۵، «امالی الصدوق»، ص ۱۰۹ و ۱۱۰ .

۱۱ دوستی علی (علیه السلام) محور سعادت

بشاره المصطفی بهذا الإسناد عن أحمد بن محمد العطرینی ، عن الحسين بن محمّد بن هارون ، عن محمّد بن مهران ، عن عبدان ، عن حبيب بن المغیره ، عن جندل بن والقی ، عن محمد بن عمر المازنی ، عن جعفر بن محمد ، عن أبيه ، عن علی بن الحسين ، عن فاطمه الصغری ، عن حسين بن علی ، عن أمّه فاطمه (عليهم السلام) قالت : خرج علينا رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) عشية عرفه فقال :

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَاهِي بِكُمْ الْمَلَائِكَةَ ، فَغَفَرَ لَكُمْ عَامَةً وَغَفَرَ لِعَلِيٍّ خَاصَّةً ، وَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ غَيْرَ هَائِبٍ لِقَوْمِي وَلَا مُحَابِّ لِقِرَابَتِي ، هَذَا جَبْرَائِيلُ يُخْبِرُنِي : أَنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي» (۱):

فاطمه صغری از پدرش امام حسین (علیه السلام) و آنحضرت از فاطمه زهرا (علیها السلام) نقل می کند که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) شام عرفه به نزد ما آمد و فرمود :

«خداوند متعال به شما اهل بیت بر فرشتگان مباحث می کند و شما به ویژه علی را مورد آموزش خود قرار داده است و به راستی من فرستاده خدایم به سوی شما که نه بر امتم بی مهری نمایم و نه دوستیم بر اساس خویشاوندی باشد ؛ این جبرئیل است که خبر می دهد مرا به اینکه : «سعادت مند کامل و راستین دوستدار علی است در زمان زندگی و مرگ من» .

۱۲ بازگشت آفتاب

ابو محمد عبد الله بن محمد بن عثمان المزنی حدّثنا محمود بن محمد وهو الواسطی حدّثنا عثمان حدّثنا عبید الله بن موسی حدّثنا فضیل بن مرزوق عن ابراهیم بن الحسن عن فاطمه بنت

(۱) «بحار الانوار»، ج ۳۹، ص ۲۸۴، «بشاره المصطفی»، ص ۱۸۲ و ۱۸۳.

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يُوحى إِلَيْهِ وَرَأْسُهُ فِي حِجْرِ عَلِيٍّ ، فَلَمَّ يُصَلِّ الْعَصِيرَ حَتَّى غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) : (صَلَّيْتَ يَا عَلِيُّ؟ قَالَ : لَا ؛ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) : «اللَّهُمَّ إِنَّ عَلِيًّا كَانَ عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ فَارْزُقْ عَلَيْهِ الشَّمْسَ» ؛ فَرَأَيْتُهَا غَرَبَتْ ، ثُمَّ رَأَيْتُهَا طَلَعَتْ بَعْدَ مَا غَرَبَتْ»(۱):

فاطمه بنت الحسن از اسماء بنت عميس نقل می کند که :

«سر مبارک رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) در حال وحی بر دامن علی (علیه السلام) بود و آنحضرت نتوانست تا غروب آفتاب نماز عصر را بخواند؛ بعد از پایان وحی ، رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به علی (علیه السلام) فرمود: «نماز عصر را خواندی؟» ؛ علی (علیه السلام) عرض کرد: «نه». آنگاه رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) عرض کرد: «پروردگارا! چون علی بر طاعت تو و طاعت رسولت بود نماز عصر را قبل از غروب نخواند پس خورشید را برای او برگردان» ام سلمه می گوید: «خودم آفتاب را بعد از غروب دیدم که با دعای رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) دوباره طلوع کرد» .

۱۳ بازگشت آفتاب

ابو العرفان الشيخ برهان الدين ابراهيم بن حسن بن شهاب الكردى الكورانى ثم المدنى المتوفى ۱۱۰۲ ، ذكره فى كتابه «الأمم لا يفاظ الهمم» ص ۶۳ عن «الذريه الطاهره» للحافظ ابن بشير الدولابى ، قال : قال : حدثنى إسحق بن يونس ، حدثنا سويد بن سعيد

عن مطلب بن زياد عن ابراهيم بن حيان عن عبد الله بن الحسن عن فاطمه بنت الحسين عن الحسين بن علي رضي الله عنهما قال :

پاورقی

(۱) مناقب علی بن ابی طالب (علیه السلام) ، ابن المغازلی / ۹۶ .

«كَانَ رَأْسُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي حَجْرٍ عَلِيٍّ وَكَانَ يُوحى إِلَيْهِ فَلَمَّا سَرَى عَنْهُ قَالَ لِي يَا عَلِيُّ صَلَّيْتَ الْفَرَضَ ؟ قَالَ : لَا . قَالَ : أَلَلَّهُمْ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ كَانَ فِي حَاجَتِكَ وَحَاجَةِ رَسُولِكَ فَرَدَّ عَلَيْهِ الشَّمْسُ . فَرَدَّهَا عَلَيْهِ فَصَلَّى وَغَابَتِ الشَّمْسُ» (۱):

فاطمه بنت الحسين از امام حسين (عليه السلام) نقل می کند که فرمود:

پاورقی

(۱) «الغدیر» ، ج ۳ ، ص ۱۳۷ .

علامه امینی در توضیح این حدیث نقل می کند که طبرانی پس از نقل حدیث میگوید : حافظ جلال الدین سیوطی در جزوه «کشف اللبس فی حدیث ردّ الشمس» گوید : حدیث ردّ الشمس معجزه پیغمبر ما محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) است ، و امام ابو جعفر طحاوی و دیگران این حدیث را صحیح می دانند . ابو عبد الله محمد بن يوسف دمشقی صالحی در جزوه «مزیل اللبس عن حدیث ردّ الشمس» گوید : بدان که این حدیث را طحاوی در کتاب شرح مشکل الآثارش از اسماء بنت عمیس به دو طریق روایت کرده و گفته است این دو حدیث هر دو ثابت و محقق است و راویان هر دو ثقة و مورد اطمیناناند . وقاضی عیاض در «الشفاء» و حافظ ابن سید الناس در «بشری اللیب» و حافظ علاء الدین مغلطای در کتاب «الزهر الباسم» آن را نقل کرده و حافظ ابن الفتح (ابو الفتح) از دی صحت

آن را تأیید ، و حافظ ابوزعه ابن عراقی ، و شیخ ما حافظ جلال الدین سیوطی در «الدرر المنتشره» آن را حسن دانسته اند .

حافظ «احمد بن صالح» گوید : در عظمت این حدیث کافی است که هر کس در طریق دانش گام بردارد ، شایسته نیست از حدیث اسماء تخلف کند ، زیرا این حدیث از بزرگترین علائم نبوت است . حافظ «ابو الفضل ابن حجر» گوید : «این حدیث از طریق اسماء بنت عمیس و علی بن ابی طالب و فرزندش حسین ، و ابی سعید و ابی هریره (رضی الله عنهم) روایت شده ، آنگاه مطلب را پیرامون حدیث کشانده و از رجالش سخن به میان آورده ، گوید : از مطالبی که پیش از این از بیانات حافظان احادیث در پیرامون این حدیث آوردیم و رجال حدیث را بیان کردیم معلوم شد در میان راویان آن نه متهمی وجود دارد و نه مطرود مورد اتفاقی و قطعیت و عدم بطلان حدیث بر شما آشکار شده...» .

«سر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در دامن علی بود و به او وحی نازل می شد . وقتی به خود آمد فرمود : یا علی ، نماز فریضه را گزارده ای ؟

علی گفت : نه .

پیغمبر فرمود : بار خدایا تو می دانی که او (علی) در خدمت گذاری تو و خدمت گذاری رسول تو بود ، خورشید را بر او بازگردان ، پس خورشید برای او بازگشت . علی نماز گزارد و خورشید غروب کرد» .

۱۴ انتساب به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

ابو جعفر الامامی قال : حدّثنی القاضی ابو اسحاق ابراهیم ابن احمد بن محمد بن احمد الطبری ، قال : أخبرنا ابو فاطمه

محمد بن احمد بن البهلول القاضي الانباري التنوخي ، قال : حَدَّثَنَا ابراهيم بن عبد السلام قال : حَدَّثَنَا عثمان بن ابي شيبة ، قال : حَدَّثَنِي حريز عن شيبة بن

نعامة ، عن فاطمه الصغرى عن ابيها ، عن فاطمه الكبرى (عليها السلام) قالت : قال النَّبِيُّ :

«لِكُلِّ نَبِيٍّ عَصَبَةٌ يُتَمَوَّنَ إِلَيْهِ وَإِنَّ فَاطِمَةَ عَصَبَتِي إِلَيَّ تُنْتَمِي» (١):

فاطمه صغرى (دختر امام حسين (عليه السلام)) از پدرش و آنحضرت از مادرش فاطمه كبرى (عليها السلام) نقل مى كند كه رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود :

«برای هر پیامبرى برگزیده گانى از قوم و عشيره اوست كه به وى نسبت مى برند ؛ و همانا فاطمه برگزیده قوم من است كه به من منتسب است» .

پاورقى

(١) دلائل الامامه / ٧٦ .

١٥ گواهى به شهادت فرزندان فاطمه (عليها السلام)

عن عن ابي عبد الله (عليه السلام) قال : حَدَّثَنِي ابي ، عن فاطمه بنت الحسين (عليهما السلام) قالت : سمعت ابي يقول :

«يُقْتَلُ مِنْكَ أَوْ يُصَابُ مِنْكَ نَفَرٌ بِشَطِّ الْفُرَاتِ ، مَا سَبَقَهُمُ الْأَوْلُونَ وَلَا يُدْرِكُهُمْ [لَا يُعْدِلُهُمُ] الْأَخْرُونَ» (١):

فاطمه بنت الحسين (عليهما السلام) مى گويد : شنيدم كه پدرم فرمود :

«عدهاى از فرزندان تو (بنى الحسن) در نزديكى شط فرات كشته يا گرفتار شوند ، كه گذشتگان و آيندگان به رتبه و مقام آنان نرسند» .

١٦ هفت شهيد

حَدَّثَنَا القاضى ابو اسحاق ابراهيم بن احمد بن محمد الطبرى... حَدَّثَنَا ابو الفرج على بن الحسين بن محمد الاصبهاني الكاتب قال : حَدَّثَنِي عَلِيُّ بن ابراهيم بن محمد ابن الحسن بن محمد بن عبيد الله بن الحسين بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب (عليهم السلام) قال : حَدَّثَنِي سليمان بن ابي العطوس ، قال : حَدَّثَنَا محمد بن عمران ابن ابي ليلي قال : حَدَّثَنَا عبد ربّه يعنى ابن علقمه عن يحيى بن عبد الله ، عن الذى افلت من الثمانيه قال : حَدَّثَنَا .

عبد الله عن فاطمه الصغرى عن ابيها عن جدتها فاطمه الكبرى بنت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) قالت : قال لى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«يُدْفَنُ مِنْ وُلْدِي سَبْعَهُ بِشَاطِئِ الْفُرَاتِ ، لَمْ يَسْبِقَهُمُ الْأَوْلُونَ وَلَمْ يُدْرِكْهُمْ الْآخِرُونَ» (۱):

پاورقی

(۱) «تنقیح المقال» ج ۲ ص ۱۷۷ «بحار الانوار»، ج ۴۷، ص ۳۰۲، «الغدیر»، ج ۳، ص ۲۷۱ و ۲۷۲.

فاطمه صغری از پدرش (امام حسین (علیه السلام)) از جدّهای فاطمه کبری (علیها السلام) نقل می کند که فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به من فرمود

«هفت نفر از فرزندان من

در نزدیکی شط فرات دفن می شوند که نه گذشتگان بر آنان پیشی گیرند و نه آیندگان به آن مقام برسند» .

۱۷ فرزندان فاطمه زهرا (علیها السلام)

وجدت فی بعض کتب المناقب : أخبرنا علی بن أحمد العاصمی عن اسماعیل بن احمد بیهقی عن ابیه احمد بن الحسین ، عن ابی عبد الله الحافظ ، عن ابی محمّد الخراسانی ، عن ابی بکر بن ابی العوام عن ابیه ، عن حریر بن عبد الحمید عن شیبہ ابن نعمه ، عن فاطمه بنت الحسین عن فاطمه الكبرى قالت : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«كُلُّ بَنِي آدَمَ يُنْتَمُونَ إِلَى عَصَائِهِمْ إِلَّا وُلْدَ فَاطِمَةَ فَإِنِّي أَنَا أَبُوهُمْ وَعَصَبَتُهُمْ» (۲):

فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) از فاطمه کبری (علیها السلام) نقل می کند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : «همه بنی آدم به قوم و عشیره (پدری) خود نسبت داده میشوند جز فرزندان (دخترم) فاطمه که من پدر آنهایم و آنها به من منتسبند» .

پاورقی

(۱) «دلائل الامامه» ص ۷۲ ، «مقاتل الطالبیین» ص ۱۳۱ ، «بحار الانوار» ، ج ۴۷ ، ص ۳۰۲ .

(۲) «بحار الانوار» ، ج ۴۳ ، ص ۲۲۸ ، «فرائد السّمطین» ، ج ۲ ، ص ۶۹ ، «تاریخ بغداد» ج ۱۱ ، ص ۲۸۵ .

۱۸ سرور بانوان جهان

روت فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) عن عائشه أنّها قالت : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) لفاطمه (علیها السلام) : «يا فَاطِمَةُ أَمَا تَرْضِينَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (۱):

فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) نقل میکند از عائشه که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمود:

«ای فاطمه! آیا خرسند نمیشوی از اینکه سرور زنان عالم باشی؟» .

۱۹ رازگویی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با فاطمه زهرا (علیها السلام) :

حدّثنا ابو خالد یزید بن سنان حدّثنا سعید بن ابی مریم ، حدّثنا نافع بن یزید ، عن ابن غزّیه عن

محمد بن عبد الله بن عمرو بن عثمان : ان امه فاطمه بنت الحسين حدثته ان عائشه كانت تقول :

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) فِي مَرَضِهِ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ قَالَ لِفَاطِمَةَ : « يَا بُنَيَّةُ أَخْبِرِي عَلِيَّ » ؛ فَأَخَذَتْ عَلَيْهِ فَنَاجَاهَا سَاعَةً ، ثُمَّ انْكَشَفَتْ عَنْهُ وَهِيَ تَبْكِي ، وَعَائِشَةُ حَاضِرَةٌ .

ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) بَعْدَ ذَلِكَ بِسَاعَةٍ : « أَخْبِرِي عَلِيَّ يَا بُنَيَّةُ » ، فَأَخَذَتْ عَلَيْهِ ، فَنَاجَاهَا سَاعَةً ثُمَّ انْكَشَفَتْ عَنْهُ وَهِيَ تَضْحَكُ .

قَالَتْ :

فَقَالَتْ عَائِشَةُ : « أَيُّ بُنَيَّةٍ أَخْبِرِي ، مَاذَا نَاجَاكِ أَبُو كَيْ ؟ » .

قَالَتْ : « أَوْشَكْتِ رَأَيْتِي نَاجَانِي عَلَى حَالٍ سِرٌّ ، ثُمَّ ظَنَنْتِ

پاورقی

(۱) حلیه الاولیاء / ۲ / ۴۰ .

أَنِّي أَخْبِرُ بِسِرِّهِ وَهُوَ حَقٌّ ؟ » .

قَالَتْ : « فَسَقَّ ذَلِكَ عَلَى عَائِشَةَ أَنْ يَكُونَ سِرٌّ دُونَهَا » .

فَلَمَّا قَبِضَهُ اللَّهُ ، قَالَتْ عَائِشَةُ : « أَسْأَلُكَ بِالَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ أَخْبِرِي بِي مَا سَارَكَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ » .

قَالَتْ فَاطِمَةُ : أَمَّا الْآنَ فَنَعَمْ ، نَاجَانِي فِي الْمَرَّةِ الْأُولَى فَأَخْبَرَنِي أَنَّ جِبْرِيلَ كَانَ يُعَارِضُهُ بِالْقُرْآنِ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً وَأَنَّهُ عَارَضَنِي الْقُرْآنَ الْعَامَ مَرَّتَيْنِ وَأَخْبَرَنِي : « أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ نَبِيًّا إِلَّا - عَاشَ نِصْفَ عُمُرِ الَّذِي كَانَ قَبْلَهُ وَإِنَّهُ أَخْبَرَنِي : أَنَّ عِيسَى عَاشَ عِشْرِينَ وَمِائَةً سَنَةً ، فَلَا - أَرَانِي إِلَّا ذَاهِبًا عَلَى رَأْسِ سِتِّينَ » ، فَأَبْكَانِي ذَلِكَ ؛ وَقَالَ : يَا بُنَيَّةُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ نِسَاءِ الْمُسْلِمِينَ إِمْرَأَةٌ أَكْبَرُ رِزْيَةً مِنْكَ ، فَلَا - تَكُونِي أَدْنَى مِنْ امْرَأَةٍ صَبْرًا . ثُمَّ نَاجَانِي فِي الْآخِرَةِ فَأَخْبَرَنِي أَنَّي أَوْلُ أَهْلِهِ لِحُوقًا بِهِ ؛ وَقَالَ : « إِنَّكَ سَيِّدَةٌ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَّا مَا كَانَ مِنَ الْبُتُولِ مَرِيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ

، فَضَحِكْتُ لِذَلِكَ»(۱):

فاطمه بنت الحسین نقل می کند از عائشه :

که رسولخدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در بیماری که از دنیا رفت به فاطمه (علیها السلام) فرمود «نزدیک من بیا» ؛ فاطمه (علیها السلام) نزدیک حضرت آمد ؛ پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آهسته با او سخنی گفت ؛ که فاطمه زهرا (علیها السلام) گریه کرد .

بعد از ساعتی دوباره حضرت فرمود : «دخترم نزدیک من بیا» ؛ حضرت فاطمه (علیها السلام) نزدیک حضرت آمد ، باز حضرت با او آهسته سخن گفت ؛ در حالی که حضرت زهرا (علیها السلام) از شنیدن آن سخن ، خوشحال و خندان شد ، عائشه با دیدن این منظره به فاطمه (علیها السلام) گفت : «دخترم خبر ده مرا به آنچه که رسولخدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آهسته به تو فرمود» حضرت زهرا (علیها السلام) فرمود : «گمان کردی ، رازی را که پدرم به من فرمود ، در زمان حیاتش فاش خواهم کرد ؟!» «این برخورد حضرت و مخفی ماندن راز ، بر عائشه سخت و ناگوار آمد» .

پاورقی

(۱) الذَّيْبَةُ الطَّاهِرَةُ / ۱۴۷ ۱۴۸ .

زمانی که رسولخدا (صلی الله علیه وآله وسلم) از دنیا رفت ، عائشه به حضرت زهرا (علیها السلام) گفت : «به آن حقی که بر تو دارم ، خبر ده به من ، رازی را که رسولخدا (صلی الله علیه وآله وسلم) با تو گفت» .

حضرت فرمود : «خبر اوّل رسولخدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به من این بود که فرمود : «هرسال جبرئیل یکبار قرآن را بر من عرضه میکرد ولی امسال دو مرتبه قرآن را بر من عرضه

داشته است» و جبرئیل به من خبر داد که : «عمر هیچ پیامبری بیش از نصف عمر پیامبر پیشین نبوده». و خبر داد که : «عیسی پیامبر (علیه السلام) صد و بیست سال عمر کرد» ؛ و اکنون من عمرم به شصت سالگی رسیده است ؛ پس مرگ من نزدیک است» ؛ از شنیدن این خبر بود که من گریستم ؛ با دیدن این منظره رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : «دخترم ! هیچ زنی مصیبتش بزرگتر از تو نیست پس در صبر و شکیبایی کمترین آنها نباش»

آنگاه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) راز دوم را به من خبر داد ؛ و فرمود : «تو اولین کس از اهل بیت هستی که به من ملحق خواهی شد ؛ و تویی سرور زنان بهشتی جز مریم دختر عمران» با شنیدن این مژده بود که من خوشحال و خندان شدم» .

۲۰ حَبَّ آلِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

روی السید محمّد الغمارى الشافعى عن فاطمه بنت الحسين الرضوى

عن فاطمه بنت محمد الرضوى عن فاطمه بنت ابراهيم الرضوى عن فاطمه بنت الحسن الرضوى عن فاطمه بنت محمد الموسوى
عن فاطمه بنت عبد الله العلووى عن فاطمه بنت الحسن الحسينى عن فاطمه بنت ابى هاشم الحسينى عن فاطمه بنت محمّد بن
احمد بن موسى المبرقع عن فاطمه بنت احمد بن المبرقع عن فاطمه بنت موسى المبرقع عن فاطمه بنت الامام الرضا (عليه
السلام) عن فاطمه بنت موسى بن جعفر (عليه السلام) عن فاطمه بنت الصادق (عليه السلام) عن فاطمه بنت الباقر (عليه السلام)
عن فاطمه بنت السّجّاد (عليه السلام) عن فاطمه بنت الحسين (عليه السلام) عن زينب بنت امير المؤمنين (عليها السلام) عن فاطمه
الزهراء (عليها السلام) أنّها قالت

: قال ابی رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) :

«أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً»(۱):

حضرت فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) از زینب کبری (علیها السلام) و او از فاطمه زهراء (علیها السلام) نقل می کند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

«آگاه باشید ! کسی که بردوستی آل محمد بمیرد ، شهید از دنیا رفته است» .

۲۱ شیعیان علی (علیه السلام)

حدّثنی ابو عبد الله أحمد [بن محمد] بن ایوب (رحمه الله) قال : حدّثنی علی بن محمد بن سویده بن عنبسه .

وحدّثنی احمد بن محمد بن الجراح قال : حدّثنی أحمد بن الفضل الأهوازی قال : حدّثنی بکر بن احمد قال : حدّثنی محمد بن علی ، عن ابيه قال : حدّثنی موسى بن جعفر عن ابيه ، عن محمد بن علی ، عن فاطمه بنت الحسین ، عن ابيها وعمها الحسن بن علی قالوا حدّثنا أمير المؤمنين (علیه السلام) قال : قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) :

پاورقی

(۱) «عوامل المعارف» ، ج ۲۱ ، ص ۴۵۴ .

«لَمَّا دَخَلْتُ الْجَنَّةَ رَأَيْتُ فِيهَا شَجَرَةً تَحْمِلُ الْحُلِيَّ وَالْحُلَلَ ، أَسْفَلُهَا خَيْلٌ بَلِقٌ ، وَأَوْسَطُهَا حُورٌ الْعَيْنِ ، وَفِي أَعْلَاهَا الرِّضْوَانُ .

قُلْتُ يَا جَبْرَائِيلُ ، لِمَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةُ ؟ قَالَ هَذِهِ لِابْنِ عَمِّكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) ، إِذَا أَمَرَ اللَّهُ الْخَلْقَ بِالْدُّخُولِ إِلَى الْجَنَّةِ ، يُؤْتَى بِشَيْعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ بِهِمْ إِلَى هَذِهِ الشَّجَرَةِ فَيَلْبَسُونَ الْحُلِيَّ وَالْحُلَلَ وَيَزَكَّبُونَ الْخَيْلَ الْبَلِقَ وَيُنَادِي مُنَادٌ : هَؤُلَاءِ شَيْعَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، صَبَرُوا فِي الدُّنْيَا عَلَى الْأَذَى ، فَأَكْرَمُوهُمْ الْيَوْمَ»(۱).

حضرت فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) از پدر و عمویش امام حسن (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند

: علی (علیه السلام) به ما خبر داد که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود

«وقتی شب معراج وارد بهشت شدم در آنجا درختی دیدم که به زیور آلات و پارچه های بهشتی آراسته بود. پائین آن اسبهای سفید و سیاه بهشتی و در میانه آن حور العین و در بالای آن بهشت رضوان بود.»

به جبرئیل گفتم: این درخت از آن کیست؟ گفت: این درخت برای پسر عمویت امیر المؤمنین علی است. زمانیکه خداوند مردم را امر به ورود به بهشت کند، شیعیان علی را می آورند تا اینکه آنها را به این درخت می رسانند، آنگاه زیور آلات و پارچه های بهشتی آن را می پوشند و بر اسبان ابلق بهشتی سوار میشوند. آنگاه منادی ندا می کند: اینها شیعیان علی هستند، که در دنیا صبر نمودند و امروز از طرف خداوند متعال گرامی داشته شدند.»

پاورقی

(۱) «مأثه منقبه»، ابن شاذان، المنقبه السادسة والتسعون، ص ۱۵۸ و ۱۵۹، اخرجہ الخوارزمی فی کتابه مقتل الحسین (علیه السلام) : ۴۰ وفی کتابه «المناقب»: ۳۲ بسنده وقد أبدل فی السند (علی بن محمد بن سویده بن عنبسه) ب (علی بن محمد بن عیینه بن رویده) و زاد بعده (بکر بن احمد)، والسید بن طاووس فی «کتابه الیقین»: ۳۱ الباب ۲۰ و ۶۳ الباب ۸۶ و رواه العلامة المجلسی فی «بحار الانوار»: ۱۸ : ۴۰۱، ۸۴ : ۱۳۸ ح ۵۱ عن «کتاب الیقین» و ۲۷ : ۱۲۰ ح ۱۰۱ عن ابن شاذان والبحرانی فی «غایه المرام»: ۱۹ ح ۲۲ و ۵۸۷ ح ۹۲، «بحار الانوار» ج ۸، ص ۱۳۹

بخش سوم : عبادات

۲۲ دعای ورود به مسجد

عبد الله بن الحسن عن امه فاطمه بنت الحسين عن فاطمه (عليها السلام) قالت :

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ ؛ قَالَ : «بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ ، اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَسَيِّئَاتِي لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ» وَإِذَا خَرَجَ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ ، «إِلَّا أَنَّهُ يَقُولُ : «اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَسَيِّئَاتِي لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَفَضْلِكَ»(۱):

عبد الله بن حسن از مادرش فاطمه بنت الحسين و او از مادرش فاطمه زهرا(عليها السلام) نقل می کند که :

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) هنگام ورود به مسجد میگفت «بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تا آخر دعا» و هنگام خروج از مسجد هم همین دعا را میخواند ولی کلمه «وَفَضْلِكَ» را به آن اضافه می فرمود .

۲۳ دعای ورود به مسجد

حدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ ، قَالَ : أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ ، عَنْ أَبِي الْمَفْضَلِ ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ بْنِ يَزِيدِ الطَّبْرِيُّ ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدِ الْمُحَارَبِيِّ ، قَالَ : حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ مُوسَى الطَّلْحِيُّ ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ ، عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ ، عَنْ أَبِيهَا الْحُسَيْنِ ، عَنْ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) :

پاورقی

(۱) كشف الغمّه / ۱ / ۵۵۳ .

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) كَانَ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَالَ : «اَللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ» ، فَإِذَا خَرَجَ قَالَ : «اَللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رِزْقِكَ»(۱).

«فاطمه بنت الحسين از پدرش امام حسين (عليه السلام) و آنحضرت از علی (عليه السلام) نقل می کند که :

«همیشه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به هنگام ورود

به مسجد میگفت: «پروردگارا! درهای رحمت خود را بر من بگشا»؛ و به هنگام خروج از مسجد می گفت: «پروردگارا! درهای روزیت را بر من باز فرما».

۲۴ دعای ورود به مسجد

کتاب الامامه: لمحمد بن جریر الطبری، عن ابی المفضل محمد بن عبد الله، عن محمد بن هارون بن حمید عن عبد الله بن عمر بن ابان عن قطب بن زیاد، عن لیث بن سلیم، عن عبد الله بن الحسن بن الحسن، عن فاطمه الصغری، عن ابیها، عن فاطمه الکبری ابنة رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم):

«أَنَّ النَّبِيَّ كَانَ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَقُولُ: «بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاعْفِرْ ذُنُوبِي وَافْتَحْ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ» وَإِذَا خَرَجَ يَقُولُ: «بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ» (۲).

فاطمه صغری از پدرش امام حسین (علیه السلام) و ایشان از فاطمه زهرا (علیها السلام)

پاورقی

(۱) «الأمالی»، للشيخ الطوسي، المجلس السادس والعشرون، ح ۱۱، ص ۵۹۶ «بحار الانوار» ج ۸۴، ص ۲۶، «مستدرک الوسائل»، ج ۳، ص ۳۸۹.

(۲) «بحار الانوار» ج ۸۴، ص ۲۳، «دلایل الامامه»، ص ۷۵ چاپ جدید، ص ۷ چاپ قدیم.

نقل می کند که:

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) هنگام ورود به مسجد می گفت: «بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ لِعَلِّي مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ».

۲۵ دعای ورود به مسجد

حدثنا علی بن حجر حدثنا اسمعیل بن ابراهیم عن لیث عن عبد الله بن الحسن عن امه عن جدتها فاطمه الکبری قالت:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ صَلَّيْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَسَلَّمْ وَقَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَإِذَا خَرَجَ صَلَّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَسَلَّمْ وَقَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ» (۱).

فاطمه بنت الحسن (علیهما السلام) از جد هاشم فاطمه زهرا (علیها السلام) نقل می کند

که :

«همیشه رسولخدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به هنگام ورود در مسجد ، بعد از صلوات و درود بر محمد ، می گفت :
«پروردگارا ! مرا آمرزیده گردان و درهای رحمت خویش را بر من بگشا» و به هنگام خروج از مسجد هم بعد از صلوات و
درود بر محمد ، می گفت : «پروردگارا ! مرا بیامرزد و درهای فضل خود را بر من بگشا» .

پاورقی

(۱) «سنن ترمذی» ، کتاب الصلاه ، حدیث ۲۸۹ ، وقال علی بن حجر قال اسماعیل بن ابراهیم فلقیت عبد الله بن الحسن بمکه
فسألته عن هذا الحدیث فحدثنی به قال کان اذا دخل قال : رَبِّ افْتَحْ لِي بَابَ رَحْمَتِكَ « وَإِذَا خَرَجَ قَالَ «رَبِّ افْتَحْ لِي بَابَ
فَضْلِكَ» . قال ابو عیسی وفي الباب عن ابي حمید وابن اسید و ابي هریره ، قال ابو عیسی حدیث فاطمه حدیث حسن و لیس
اسناده بمتصل و فاطمه بنت الحسین لم تُدرک فاطمه الکبری ، انما عاشت فاطمه بعد النبی أشهراً .

۲۶ دعای ورود به مسجد

حدثنا ابو بکر بن ابی شیبہ حدثنا إسمعیل بن ابراهیم و ابو معاویه عن لیث عن عبد الله بن الحسن عن امه عن فاطمه بنت رسول
الله ، قالت :

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَقُولُ : «بِسْمِ اللَّهِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ» اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ . وَإِذَا
خَرَجَ قَالَ : بِسْمِ اللَّهِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ» (۱):

عبد الله بن حسن از مادرش فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) و آنحضرت از مادرش فاطمه زهرا (علیها السلام) نقل می کند
که :

«همیشه رسولخدا (صلی الله علیه

وآله وسلم) به هنگام ورود در مسجد میگفت: «به نام خدا و درود بر رسول خدا، پروردگارا! مرا بیامرز و درهای رحمت خویش به رویم بگشا» و به هنگام خروج از مسجد می گفت: «به نام خدا و درود بر رسول خدا، پروردگارا! آمرزش خود را شامل حالم گردان و درهای فضل خویش بر من بگشا».

۲۷ خشوع در نماز

الخطیب: اخبرنا علی بن محمد بن الحسن المالکی حدّثنا ابوبکر محمد بن عبد الله الابهری حدّثنا ابو الحسن علی بن الفتح بن عبد الله العسکری... حدّثنا الحسن بن عرفه حدّثنا عمر بن عبد الرحمن ابو حفص الابار عن لیث بن ابی سلیم، عن عبد الله بن الحسن عن امّه عن فاطمه بنت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم): انّ رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) قال:

پاورقی

(۱) «سنن ابن ماجه»، المساجد والجماعات، حدیث ۷۶۳.

«خيارُكُمْ اَلَيْتُكُمْ مَنَّا كِبَ فِي الصَّلَاةِ» (۱).

فاطمه بنت الحسين (عليهما السلام) از فاطمه زهراء (عليها السلام) نقل می کند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «بهترین شما خاشع ترینتان در نماز است».

۲۸ دعای پس از نوافل ظهر

قال أخبرنا أبو عبد الله أحمد بن محمد بن الحسن بن عياش (رحمه الله) قال حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار عن عبد الله بن جعفر الحميري قال حدثني محمد بن الحسن بن نصر بن مزاحم عن أبي خالد عن عبد الله بن الحسن بن الحسن عن امّه فاطمه بنت الحسين (عليهما السلام) عن أبيها الحسين بن علي صلوات الله عليهما قال:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَدْعُوا بِهَذَا الدُّعَاءِ بَيْنَ كُلِّ رَكْعَتَيْنِ مِنْ صَلَاةِ الزَّوَالِ .

«رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) همیشه بعد از هر دو رکعت از نوافل نماز ظهر این دعا را می خواند:

الرَّكْعَتَانِ الْأُولَتَانِ :

پس از دو رکعت اول می گفت:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ أَكْرَمُ مِائَتِي وَأَكْرَمُ مَزُورٍ وَخَيْرٌ مَنْ طَلَبَ إِلَيْهِ الْجَاجَاتُ وَأَجْوَدُ مَنْ أَعْطَى وَأَرْحَمُ مَنْ اسْتِزْحَمَ وَأَرْءَفُ مَنْ عَفَى وَأَعَزُّ مَنْ اعْتَمَدَ اللَّهُمَّ بِي إِلَيْكَ فَاقَهُ وَلِي إِلَيْكَ حَاجَاتٌ وَلَكَ عِنْدِي طَلِبَاتٌ

مِنْ ذُنُوبِ أَنَا بِهَا مُرْتَهَنٌ وَقَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي وَأَوْبَقْتَنِي وَإِلَّا تَرَحَّمْنِي وَتَغْفِرْ لِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ

پاورقی

(۱) تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۴۹، ۵۰.

اللَّهُمَّ اِعْتَمِدْتُكَ فِيهَا تَائِبًا إِلَيْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا قَدِيمَهَا وَحَدِيثَهَا سِرَّهَا وَعَلَانِيَتَهَا خَطَايَا وَعَمَدَهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَأَنَا مُدْبِتُهُ مَغْفِرَةً عَزْمًا جَزْمًا لَا تُغَادِرُ ذَنْبًا وَاحِدًا وَلَا أَكْتَسِبُ بِعَيْدِهَا مُحَرَّمًا أَيْدًا وَأَقْبَلْ مِنِّي الْيُسَيْرَ مِنْ طَاعَتِكَ وَتَجَاوَزْنِي عَنِ الْكَثِيرِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ يَا عَظِيمُ إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ لِي فِي شَأْنِكَ شَأْنَ حَاجَتِي وَحَاجَتِي هِيَ فِكَاكَ رَقِيَّتِي مِنَ النَّارِ وَالْأَمَانُ مِنْ سَخَطِكَ وَالْفَوْزُ بِرِضْوَانِكَ وَجَنَّتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَمْنُنْ بِذَلِكَ عَلَيَّ وَبِكُلِّ مَا فِيهِ صِيْلَاحِي اسْأَلُكَ بِنُورِكَ السَّاطِعِ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ تُصَلِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ وَأَكْتُبْ لِي عِتْقًا مِنَ النَّارِ مَبْتُولًا وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُنِيِّينَ إِلَيْكَ التَّابِعِينَ لِأَمْرِكَ الْمُخْبِتِينَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَتْ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالْمُسْتَكْمِلِينَ مَنَاسِكَ كَهْمُ وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَلَاءِ وَالشَّاكِرِينَ فِي الرِّخَاءِ وَالْمُطِيعِينَ لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَهُمْ بِهِ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتِينَ الزَّكَاةَ وَالْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ أضعفني يا كريم كرامتك وأجزل لي عطيتك والفضيلة لديك والراحة منك والوسيلة إليك والمنزلة عندك ما تكفيني به كل هول دون الجنة وتظلني في ظل عرشك يوم لا ظل إلا ظلك وتغظم نوري وتغطيني كتابي يميني وتضعف حسناتي وتحشرني في أفضل الوافدين إليك من المتقين وتساكنني في عليين واجعلني ممن تنظر إليه بوجهك الكريم وتتوفاني وأنت عني راض والحقني بعبادك

الصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدَ وَآلِهِ وَأَقْلَبْنِي بِذَلِكَ كُلِّهِ مُفْلِحاً مُنْجِحاً قَدْ غَفَرْتَ لِي خَطَايَايَ وَذُنُوبِي كُلَّهَا وَكَفَرْتَ عَنِّي سَيِّئَاتِي وَحَطَطْتَ عَنِّي وَزَرِي وَشَفَعْتَنِي فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةِ اللَّهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تُخْلِطْ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي وَلَا بِمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْتَرًا وَلَا بَطْرًا وَاجْعَلْنِي مِنَ الْخَاشِعِينَ لَكَ اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعْطِنِي السَّعَةَ فِي رِزْقِي وَالصَّحَّةَ فِي جِسْمِي وَالقُوَّةَ فِي بَدَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ وَأَعْطِنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَعَافِيَتِكَ مَا تُسَلِّمُنِي بِهِ مِنْ كُلِّ بَلَاءِ الْآخِرَةِ وَالدُّنْيَا وَأَرْزُقْنِي الرَّهْبَةَ مِنْكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْخُشُوعَ لَكَ وَالْوَقَارَ وَالْحَيَاءَ مِنْكَ وَالتَّعْظِيمَ لِذِكْرِكَ وَالتَّقْدِيرَ لِمَجْدِكَ أَيَّامَ حَيَاتِي حَتَّى تَتَوَفَّانِي وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ اللَّهُمَّ وَأَسْئَلُكَ السَّعَةَ وَالِدَعَةَ وَالْأَمْنَ وَالْكَفَايَةَ وَالسَّلَامَةَ وَالصَّحَّةَ وَالقُنُوعَ وَالْعِصْمَةَ وَالهُدَى وَالرَّحْمَةَ وَالْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالشُّكْرَ وَالرِّضَا وَالصَّبْرَ وَالْعِلْمَ وَالصَّدْقَ وَالْعَمَلَ وَالنُّقُوصَ وَالنَّوْاضِعَ وَالْيُسْرَ وَالتَّوْفِيقَ اللَّهُمَّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْمَمْ بِذَلِكَ أَهْلَ بَيْتِي وَقَرَابَاتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ وَمَنْ أَحْبَبْتُ وَأَحْبَبْتَنِي فِيكَ أَوْ وُلِدْتُهُ وَوَلَدْتَنِي مِنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَأَسْئَلُكَ يَا رَبُّ حَسَنَ الظَّنِّ بِكَ وَالصِّدْقَ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبُّ أَنْ تَبْتَلِيَنِي بِبَلِيَّةٍ تَحْمِلُنِي ضُرُورَتُهَا عَلَى التَّعَوُّثِ بِشَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبُّ أَنْ أَكُونَ فِي حَالِ عُسْرٍ أَوْ يُسْرِ أَظُنُّ أَنْ مَعَاصِيكَ أَنْجِحَ فِي طَلِبَتِي مِنْ طَاعَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ تَكْلُفٍ مَا لَا تُقَدِّرُ لِي فِيهِ رِزْقًا وَمَا قَدَّرْتَ لِي مِنْ رِزْقٍ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَتِنِي بِهِ فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» .

(امام حسين (عليه السلام) مي فرمايد : سپس بگو :) وَقُلْ : «رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَجْزِنِي مِنَ السَّيِّئَاتِ وَأَسْئَلُكَ عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَأَرْفَعُ دَرَجَتِي بِرَحْمَتِكَ يَا اللَّهُ يَا

رَبِّ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا حَنَّانُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَسْئَلُكَ رِضَاكَ وَجَنَّتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَسَخَطِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ .

تَرْفَعُ بِهَا صَوْتَكَ . (جملات بالا را با صدای بلند بگو)

ثُمَّ تَخِرُّ سَاجِدًا وَتَقُولُ : (سپس با حال خشوع به سجده برو و بگو :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَلَائِكَهَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ أَنْ تُصَلِّيَ لِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَسْتُرَ عَنِّي ذُنُوبِي وَتَغْفِرَها لِي وَتَقْلِبَنِي الْيَوْمَ بِقَضَاءِ حَاجَتِي وَلَا تُعَذِّبَنِي بِقَبِيحِ كَانَتْ مِنِّي يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَأَهْلَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَرُّ يَا كَرِيمُ أَنْتَ أَبْرُّ بِي مِنْ أَبِي وَأُمِّي وَمِنْ نَفْسِي وَمِنْ النَّاسِ أَجْمَعِينَ بِي إِلَيْكَ فَاقَهُ وَفَقَّرَ وَأَنْتَ غِنِيَّ عَنِّي أَنْ تُصَلِّيَ لِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْحِمَ فَقْرِي وَتَسُدَّ تَحِيْبَ دُعَائِي وَتَكْفِفَ عَنِّي أَبْوَابَ الْبَلَاءِ فَإِنَّ عَفْوَكَ وَجُودَكَ يَسْعَانِي .

التسليمه الثانيه : (و بعد از سلام دو رکعت دوم پیامبر میفرمود :

«اللَّهُمَّ إِلَهَ السَّمَاءِ وَإِلَهَ الْأَرْضِ وَفَاطِرَ السَّمَاءِ وَفَاطِرَ الْأَرْضِ وَنُورَ السَّمَاءِ وَنُورَ الْأَرْضِ وَزَيْنَ السَّمَاءِ وَزَيْنَ الْأَرْضِ وَعِمَادَ السَّمَاءِ وَعِمَادَ الْأَرْضِ وَبَدِيعَ السَّمَاءِ وَبَدِيعَ الْأَرْضِ

ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ صَبْرِيخَ الْمُسْتَضْرِحِينَ وَغَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَمُنْتَهَى غَايَةِ الْعَابِدِينَ أَنْتَ الْمُفَرِّجُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ أَنْتَ الْمُرَوِّحُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ مُفَرِّجُ الْكَرْبِ وَمُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ إِلَهَ الْعَالَمِينَ الْمَنْزُولُ بِهِ كُلُّ حَاجَةٍ يَا عَظِيمًا يُرْجَى لِكُلِّ عَظِيمٍ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا» .

وقل : (پس بگو :

«رَبِّ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجْرَنِي مِنَ السَّيِّئَاتِ وَاسْتَعْمَلْنِي عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَارْفَعْ دَرَجَتِي بِرَحْمَتِكَ يَا اللَّهُ يَا رَبِّ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَسْئَلُكَ رِضَاكَ وَجَنَّتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَسَخَطِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ

ترفع بها صوتك . (جملات بالا را با صدای بلند بگو)

التسليمه الثالثه : (بعد از سلام دو ركعت سوم پیامبر ميفرمود :

«يا عَلِيُّ يا عَظِيمُ يا حَيُّ يا عَلِيمُ يا غَفُورُ يا رَحِيمُ يا سَمِيعُ يا بَصِيرُ يا وَاحِدُ يا أَحَدُ يا صَمَدُ يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ يا رَحْمَنُ يا رَحِيمُ يا نُورَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ تَمَّ نُورُ وَجْهِكَ أَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبَتْ وَإِذَا سُئِلَتْ بِهِ أُعْطِيَتْ وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى مَا تَشَاءُ مِنْ خَلْقِكَ فَإِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا» .

وقل : (پس بگو :

«رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَجِرْنِي مِنَ السَّيِّئَاتِ وَاسْتَعْمِلْنِي عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَارْفَعْ دَرَجَتِي بِرَحْمَتِكَ يَا اللَّهُ يَا رَبِّ يا رَحْمَنُ يا رَحِيمُ يا حَنَّانُ يا مَنَّانُ يا إِذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرَامِ أَسْئَلُكَ رِضَاكَ وَجَنَّتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نارِكَ وَسَخَطِكَ اسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ» .

التسليمه الرابعه : (بعد از سلام دو ركعت چهارم پیامبر ميفرمود :

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَهُ النَّبُوهِ وَمَوْضِعَ الرُّسَالِهِ وَمُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ وَمَعِيدِنَ الْعِلْمِ وَأَهْلَ بَيْتِ الْوَحْيِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفَلَسِكِ الْجَارِيَةِ فِي اللَّحِيجِ الْعَامِرَةِ يَا مَنْ مِنْ رَكْبِهَا وَيَعْرِقُ مِنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ . وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكُهْفِ الْحَصِيِّ وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُشْتَكِينِ وَمَلْجَأِ الْهَارِبِينَ وَعِضْمِهِ الْمُعْتَصِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صِلَاةً كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضَى وَلِحَقِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ (عليهم السلام) أَدَاءً بِحَوْلِ مِنْكَ وَقُوَّةِ يَارَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أُوجِبَتْ حَقُّهُمْ وَمَوَدَّتُهُمْ وَفَرَضَتْ وَلَا يَتَّهَمُ اللَّهُمَّ صِدْقَ عَلِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ وَلَا تُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَأَرْزُقْنِي مُوَاسَاتٍ مُنْقَرَّتٍ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمِهِ وَاسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ» (۱).

پاورقی

(۱) «فلاح السائل»، ص ۱۲۸ ۱۳۱، «مستدرک الوسائل» ج ۴، ص ۱۷۰.

۲۹ دعا به همسایگان

ابن مقبره، عن محمد بن عبد الله الحضرمي، عن جنيد بن والقي عن محمد بن عمر المازني عن عباد الكلبی، عن جعفر بن محمد (عليه السلام) عن ابيه عن علي بن الحسين عن فاطمه الصغرى عن الحسين بن علي (عليهما السلام) عن اخيه الحسن بن علي بن ابي طالب (عليهم السلام) قال:

«رَأَيْتُ أُمَّي فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قَامَتْ فِي مَحْرَابِهَا لَيْلَهُ جُمِعَتْهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً وَسَاجِدَةً حَتَّى اتَّضَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ وَسَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَتُسَبِّحُنَّهُنَّ وَتُكَثِّرُ الدُّعَاءَ لَهُنَّ وَلَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ، فَقُلْتُ لَهَا: يَا أُمَاهُ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِعَيْرِكَ فَقَالَتْ: «يَا بَنِي! الْجَارَ ثُمَّ الدَّارَ» (۱).

فاطمه صغری بنت الحسین (علیه السلام) از پدرش وایشان از برادرش امام حسن (علیه السلام) نقل می کند که:

«مادرم فاطمه (علیها السلام) شب جمعه ای را تا به صبح مشغول عبادت بود و مردان و زنان مؤمن بسیاری را به اسم دعا می کرد / به ایشان گفتم: مادر جان! چرا برای خودتان دعا نمی کنید همانگونه که به دیگران دعا می کنید؟

در جوابم فرمود: «پسرم! نخست به فکر همسایه باید بود و سپس خانه و افراد خانواده».

۳۰ قرائت آیه الكرسي

قال عبد الله بن الحسن قالت أمي فاطمة بنت الحسين (عليهما السلام):

پاورقی

(۱) «بحار الانوار»، ج ۴۳، ص ۸۱ و ۸۲ و ج ۸۹، ص ۳۱۳، «كشف الغم» ج ۱، ص ۴۶۸.

«رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فِي النَّوْمِ فَقَالَ لِي: «يَا بَنِيَّ لَا تُخْزِرِي مِيزَانِكَ وَأَقِيمِي وَزَنَّهُ وَثَقِّلِيهِ بِقِرَاءَةِ آيَةِ الْكُرْسِيِّ، فَمَا قَرَأَهَا مِنْ أَهْلِى أَحَدٌ إِلَّا ارْتَجَّتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ بِمَلَانِكَتِهَا، وَقَدَّسُوا بِرَجْلِ الشَّيْحِ

وَالْتَهْلِيلِ وَالتَّقْدِيسِ وَالتَّمْجِيدِ ثُمَّ دَعَا بِأَجْمَعِهِمْ لِقَارِيهَا ، يُغْفِرُ لَهُ كُلَّ ذَنْبٍ وَيُجَاوِزُ عَنْهُ كُلَّ خَطِيئَةٍ»(۱).

عبد الله بن الحسن می گوید : مادرم فاطمه بنت الحسین (علیها السلام) فرمود :

«رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را در خواب دیدم پس به من فرمود : «دخترم ترازوی عمل خویش را دچار خسران مساز و سنجش آنرا استوارنما و آنرا با خواندن آیه الکرسی سنگین کن . پس نخواند آنرا یکی از اهل بیت من جز اینکه آسمانها و زمین و فرشتگان الهی بلرزند و با گفتن «سبحان الله» و «لا إله إلا الله» و به پاکی و بزرگی یاد کردن خداوند متعال او را تقدیس نمایند و همگان برای خواننده آیه الکرسی دعا کنند و گناهانش آمرزیده و خطاهایش بخشیده شود» .

۳۱ پناه به کلمات تام خداوند

حدثنا یزید بن سنان ، حدثنا الحسن بن علیّ الواسطی حدثنا بشیر بن میمون الواسطی حدثنا عبد الله بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب (علیها السلام) قال : حدّثنی امی فاطمه بنت الحسین ، عن فاطمه الکبری بنت محمّد (صلی الله علیه وآله وسلم) :

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) كَانَ يُعَوِّذُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَيُعَلِّمُهُمَا هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ كَمَا يُعَلِّمُهُمَا السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ ، يَقُولُ : «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ»(۱).

پاورقی

(۱) «سفينه البحار» ج ۲ ، ص ۴۷۷ ؛ «جامع الاحاديث» كتاب العروس ، ابو جعفر بن احمد بن علي القمي ، ۵۳ ، «بحار الانوار» ، ج ۸۹ ، ص ۳۵۵ و ۳۵۶ .

فاطمه بنت الحسین از فاطمه زهرا (علیها السلام) نقل می کند :

«که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) همیشه امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) را در

پناه این کلمات قرارداده و آنها را مانند قرآن به ایشان تعلیم می فرمود و می گفت: «پناه می برم به کلمات نام خداوند از شر هر شیطان و هر حیوان گزنده و از شر هر شور چشمی».

۳۲ تجدید پیمان با خدا:

حدّثی احمد بن یحیی حدّثنا ابو کریب حدّثنا سعید بن خثیم عن اسحاق بن ابی یحیی عن فاطمه بنت الحسین عن ابیها قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم):

«لَمَّا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الْعِبَادِ جُعِلَ فِي الْحَجْرِ فَمِنَ الْوَفَاءِ بِالْبَيْعَةِ إِسْتِثْلَامُ الْحَجْرِ» (۲).

فاطمه بنت الحسین از پدرش امام حسین (علیه السلام) نقل می کند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود:

«عهد و پیمان (بندگی) را که خداوند (در عالم ذر) از بندگانش گرفت، در حجر الاسود قرارداده شده / پس استلام (دست کشیدن) بر حجر الاسود به هنگام طواف خانه خدا، تجدید عهد و پیمان بندگی است».

پاورقی

(۱) الذریّه الطاهره ، ص ۱۴۹ .

(۲) الذریّه الطاهره ، ص ۱۳۱ .

بخش چهارم: اخلاق

۳۳ صفات عالی اخلاقی

حدّثنا عبد الله بن مسلمه بن قعنب القعنبي حدّثنا خالد بن النّاس عن محمد بن عبد الله بن عمرو بن عثمان عن فاطمه بنت الحسین عن الحسین بن علی (علیه السلام) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم):

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ وَأَشْرَافَهَا وَيُكْرَهُ سَفْسَافَهَا» (۱).

فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) از پدرش امام حسین (علیه السلام) و آنحضرت از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل می کند که حضرت فرمود:

«خداوند صفات عالی و ارزشمند اخلاقی را دوست دارد و خصلتهای پست اخلاقی را نمی پسندد».

۳۴ کمال ایمان:

حدّثنا الشيخ ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی بن الحسن الطوسی ، قال اخبرنا جماعه ، عن ابی المفضل ، قال : حدّثنا محمد بن محمود ابن بنت الأشجّ الکندی باسوان ، قال : حدّثنا محمد بن عیسی بن هشام الناشری الکوفی ، قال : حدّثنا الحسن بن

علی بن فضال ، قال : حدّثنا عاصم بن حمید الحنّاط عن أبی حمزه ثابت بن أبی صفیه ، قال : حدّثنی أبو جعفر محمّد بن علی (علیه السلام) عن آبائه (علیهم السلام) قال عاصم : وحدّثنی ابو حمزه ، عن عبد الله بن الحسن بن الحسن عن امّه فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) ، عن أبیها الحسین ، عن أبیه (علیه السلام) ، قال : قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) :

پاورقی

(۱) الذریّه الطاهره ، ص ۱۲۹ .

«ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ إِسْتِكْمَلُ خِصَالِ الْإِيمَانِ : الَّذِي إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاءُ فِي بَاطِلٍ ، وَإِذَا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ الْغَضَبُ مِنَ الْحَقِّ ، وَإِذَا قَدَرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ لَهُ» (۱).

فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) از پدرش امام حسین (علیه

السلام) و آنحضرت از پدرش علی (علیه السلام) نقل می کند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

«کسی که سه خصلت در او باشد صفات ایمانیش را به کمال رسانده : چون خشنود شود در باطل نیفتد و به هنگام خشم از طریق حق برون نرود و زمان توانمندیش حق دیگران را ضایع نسازد» .

۳۵ ویژگیهای کمال ایمان

عن احمد بن محمد بن خالد عن ابن فضال عن عاصم بن حمید عن ابی حمزه الثمالی عن عبد الله بن الحسن عن امه فاطمه بنت الحسين بن علی (علیهم السلام) قال : قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) :

«ثَلَاثُ خِصَالٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ إِسْتِكْمَلُ خِصَالِ الْإِيمَانِ : [الَّذِي] إِذَا رَضِيَ لَمْ يُدْخِلْهُ رِضَاهُ فِي بَاطِلٍ ؛ وَإِذَا غَضِبَ لَمْ يُخْرِجْهُ الْغَضَبُ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا قَدَرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ لَهُ» (۱).

پاورقی

(۱) «الأمالی» ، المجلس السابع والعشرون ، ح ۵ ، ص ۶۰۳ ، شیخ مفید در «الاختصاص» حدیث فوق را اینگونه ذکر میکند : «عن ابی حمزه قال : سمعت فاطمه بنت الحسين (علیها السلام) تقول : قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) : ثلاث من كن فيه استكمل خصال الايمان الذي إذا رضى لم يدخله رضاه في باطل ، وإذا غضب لم يخرج غضبه من الحق ، وإذا قدر لم يتعاط ما ليس له «الاختصاص» ص ۲۳۳ ، «بحار الانوار» ج ۱۶ ، ص ۱۲۵ و ج ۷۱ ، ص ۳۵۹ و ج ۷۵ ، ص ۲۸ ، «الكافي» ، ج ۲ ، ص ۲۳۹ .

عبد الله بن حسن از مادرش فاطمه بنت الحسين نقل میکند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

«سه خصلت است که دارنده آن ، صفات ایمانی را به کمال رسانده : چون

خشنود شود به باطل نیفتد و به گاه خشم از حق برون نرود و زمان قدرتمندیش حق دیگران را نگیرد» .

۳۶ اصلاح امت

محمد بن احمد الأسدی ، عن أحمد بن محمد بن الحسن العامری ، عن ابراهیم بن عیسی السدوسی ، عن سلیمان بن عمرو ، عن عبد الله بن الحسن ، عن أمه فاطمه بنت الحسين ، عن ابيها (عليه السلام) قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«إِنَّ صَلَاحَ أَوَّلِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالزُّهْدِ وَالْيَقِينِ ، وَهَلَاكَ آخِرِهَا بِالشُّحِّ وَالْأَمَلِ» (۲).

فاطمه بنت الحسين (عليهما السلام) از پدرش نقل می کند که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود :

«براستی سعادت مندی امت مسلمان در صدر اول اسلام به زهد ورزی و دین باوری بود و نابودی و هلاکت امت اسلامی در آخر الزمان به زر اندوزی و آرزوهای (باطل) خواهد بود» .

۳۷ رغبت به دنیا

عن محمد بن احمد الأسدی ، عن أحمد بن محمد العامری ، عن ابراهیم بن عیسی بن عبید ، عن سلیمان بن عمرو ، عن عبد الله بن الحسن بن الحسن ، عن أمه فاطمه بنت الحسين ، عن ابيها (عليه السلام) قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) :

پاورقی

(۱) «اصول کافی» ج ۲ ، ص ۲۳۹ ، «بحار الانوار» ج ۶۷ ، ص ۳۰۰ .

(۲) «بحار الانوار» ، ج ۷۰ ، ص ۱۷۳ . ج ۷۳ ، ص ۱۶۴ و ۳۰ «امالی الصدوق» ، ص ۱۳۷ ، «بحار الانوار» ، ج ۷۳ ، ص ۱۶۴ و ۳۰ .

«الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُكْثِرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَالْبَدْنَ» (۱).

فاطمه بنت الحسين (عليهما السلام) از پدرش و آنحضرت از رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) نقل می کند که فرمود :

«دلدادگی به دنیا غم و اندوه را افزون نماید و زهد ورزی و بی اعتنایی به دنیا ، جسم و روح را آسوده سازد» .

۳۸ خیر دنیا و آخرت

«حدَّثنا الشيخ ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی بن الحسن الطوسی ، قال اخبرنا جماعه ، عن أبي المفضل ، قال حدَّثنا ابو احمد عبید الله بن حسین بن ابراهیم ، قال : حدَّثنا ابو اسماعیل ابراهیم بن احمد بن ابراهیم العلوی الحسينی ، قال حدَّثنی عمی الحسن بن ابراهیم ، قال : حدَّثنی أبو ابراهیم بن اسماعیل ، عن ابيه اسماعیل ، عن أبيه ابراهیم بن الحسن بن الحسن ، عن أمه فاطمه بنت الحسين ، عن ابيها الحسين بن علی ، عن ابيه علی بن أبي طالب (عليهم السلام) ، قال : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) :

«مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعَ خِصَالٍ فِي الدُّنْيَا ، فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ،

وَفَازَ بِحَظِّهِ مِنْهُمَا : وَرَعَّ يَعْصَمُهُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ ، وَحُسْنُ خُلُقٍ يَعْيشُ بِهِ فِي النَّاسِ ، وَحِلْمٌ يَدْفَعُ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ ، وَزَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (۲).

پاورقی

(۱) «بحار الانوار»، ج ۷۳، ص ۹۱، «الخصال»، ج ۱، ص ۳۷.

(۲) «الأمالی»، المجلس الثالث والعشرون، ح ۴، ص ۵۷۶ و ۵۷۷، «بحار الانوار»، ج ۶۹، ص ۴۰۴ و ج ۱۰۳، ص ۲۳۷ و ۲۳۸، «مستدرک الوسائل»، ج ۱۴، ص ۱۷۰ و ۱۷۱

فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) از پدرش و آنحضرت از علی (علیه السلام) نقل می کند که رسولخدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

«کسی که چهار خصلت در او باشد از خیر دنیا و آخرت بهرمنند خواهد بود : خداترسی که او را از گناهان حفظ کند ؛ و اخلاق پسندیده‌ای که او را با مردم دمساز نماید ؛ و بردباری که نادانی نابخردان را از او دور سازد ؛ و همسری شایسته که در امر دنیا و آخرت یاور او باشد» .

۳۹ تواضع و گرامیداشت زنان

عن ابی الفضل محمد بن عبد الله قال : حدّثنا ابراهیم بن حماد القاضی قال حدّثنا الحسن بن عرفه قال : حدّ ثنا عمر بن عبد الرحمن ابو جعفر الایادی عن لیث بن ابی سلیم عن عبد الله بن الحسن عن امّه فاطمه بنت الحسین عن ابیها عن امّه فاطمه ابنه رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) ان رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) قال :

«خِيَارُكُمْ أَلْيُنُكُمْ مَنَّا كِبَ وَأَكْرَمُهُمْ لِنِسَائِهِمْ» (۱).

فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) از پدرش و آنحضرت از مادرش فاطمه زهراء (علیها السلام) نقل می کند که رسولخدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

«بهترین مسلمان کسی است که متواضعترا باشد و زنان

اشاره

حدَّثنا الشيخ ابو جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن الطوسي ، قال : أخبرنا جماعه ، عن أبي المفضل ، قال حدَّثنا ابو عبد الله جعفر بن محمد بن جعفر الحسنی ، قال : حدَّثنا موسى بن عبد الله بن موسى الحسنی عن جدّه موسى بن عبد الله ، عن ابیه عبد الله بن الحسن ، و عمیه ابراهیم والحسن ابني الحسن ، عن أمهم فاطمه بنت الحسين ، عن ابیها ، عن جدها علی بن ابی طالب (علیه السلام) ، عن النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) قال :

پاورقی

(۱) دلائل الإمامه ، ص ۷۵ و ۷۶ .

«النِّسَاءُ عَنِّي وَعَوْرَاتٌ ، فَاسْتُرُوا عَيْنَهُنَّ بِالشُّكُوتِ وَعَوْرَتَهُنَّ بِالْبَيُوتِ» (۱).

پاورقی

(۱) «الأمالی» ، المجلس الرابع والعشرون ، ح ۱۴ ، ص ۵۸۴ و ۵۸۵ و «وسائل الشیعه» کتاب النکاح ، باب ۲۴ ، حدیث ۶ ، ص ۴۳ آمده است : «النساء عني و عورات فداووا عيهن بالشكوت و عوراتهن بالبيوت». «بحار الانوار» ، ج ۱۰۳ ، ص ۲۵۱ .

اخيراً کتابی تحت عنوان «النساء فی اخبار الفریقین» به چاپ رسیده که در آن به ذکر احادیثی چون حدیث فوق پرداخته (احادیث ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۲، ۱۴۳، ۵۸، ۵۰ و ۲۲۵) و با مقدمه‌های که آورده چنین وانمود کرده است که زن باید فردی خانه نشین و دور از جامعه باشد و گر نه حضور آنان در جامعه معصیت است . وی در مقدمه خود گوید : «هذه وجیزه جمعتها فی النساء من طرق الفریقین لعلها لها ثمره لبعض النسوان وإن كنت مأیوساً من الأثر فی هذه الازمان ولكن «لیهلك من هلك عن بینة و یحیی من حی عن بینة» وان لایقول قائل «لولا ارسلت الینا رسولاً فنتبع آیاتک من قبل ان نذل

حال آنکه در این مجموعه احادیثی در بزرگداشت مقام زن نیز به چشم می خورد که در واقع حضور زن در جامعه را عاری از اشکال می داند. چنانکه در حدیث ۱۵۴ به نقل از کنز العمال ج ۱۶، ص ۴۱۴ نقل می کند که: «لا تمنعوا اماء الله المساجد، ولكن لیخرجن وهو تفلات» یعنی مانع بیرون رفتن کنیزان خود جهت حضور در مساجد نشوید، لیکن در موقع رفتن عطر استعمال نکنند. و در حدیث ۱۵۵ به نقل از کنز العمال نقل میکنند که: «لا تمنعوا نساءکم المساجد ویوتهنّ خیر لهنّ» یعنی مانع از رفتن زنانتان به مساجد نشوید، لیکن خانههایشان برای آنها بهتر است. بدین ترتیب چنانکه سیره اهل بیت عصمت نیز گواهی میدهد، حضور زن در جامعه مانعی ندارد لیکن باید شرایط آن رعایت شود و جلب توجه دیگران را فراهم نسازد. حضور زن مسلمان در نهضت‌های اسلامی چون «نهضت فاطمی» و خطبه پرشور ایشان و یا حضور حضرت زینب، سکینه، فاطمه بنت الحسین و فاطمه بنت علی (علیه السلام) در نهضت عاشورا خطبه خواندن برخی از آنها برای روشن شدن ظلم یزید و اجرای امر به معروف و نهی از منکر و ابلاغ رسالت حسینی به جامعه شام و کوفه، در مجالسی که مردان حاضر بودند و مخاطب قراردادن افراد پستی چون یزید بن معاویه، ما را به این نکته هدایت میکند که زن مسلمان نیز چون مردان حق حضور در جامعه را دارد لیکن شرایط هر یک متفاوت است و زمان و مکان در این حضور نقش عمده را دارد

علامه شهید آیه الله مطهری تحت عنوان آفت زدگی «در یکی از مباحث کتاب «عدل الهی» فرماید :

«... آفتهای دیگری نیز برای اعمال وجود دارد ، شاید یکی از آن آفتهای بیتفاوتی و بی حسی در دفاع از حق و حقیقت است . انسان نه تنها باید در مقابل حقیقت وجود و استنکار نداشته باشد ، بی طرف هم نمی تواند باشد . باید از حق دفاع کند .

مردم کوفه می دانستند که حق با حسین بن علی (علیه السلام) است و این معنی را اعتراف هم کرده بودند . ولی در حمایت از حق و دفاع از آن کوتاهی کردند . ثبات قدم نشان ندادند و استقامت نرزدیدند . در حقیقت، حمایت نکردن از حق ، جحود عملی آنست» . آنگاه خطبه معروف حضرت زینب (علیها السلام) را در حمایت از حق یادآور میشود . ص ۳۱۷ .

استاد شهید در طی مقالهای تحت عنوان «نقش بانوان در تاریخ معاصر ایران» می فرماید : «... یکی از جنبههای جالب و حیرت انگیز انقلاب اسلامی ایران که می دانید یک انقلابی است که معیارهای جامعه شناسان را درهم ریخته و معادلات آنها را به هم زده است همین مسأله است یعنی یک انقلابی با یک ویژگیهایی در یک جامعه ای پیدا شده که از نظر آنها که برای خودشان یک معیارهایی دارند ، غیر قابل پیش بینی و غیر قابل سنجش بوده است .

در غرب این تبلیغ زیاد شده است به طوری که برای خود آنها باور آمده است که زن در جامعه اسلامی از حقوق محروم بوده و هست و زنها عنصرهایی ناراضی در میان مسلمانان هستند و

بنابر این اگر به آنها عرضه شود که یک انقلابی در جهت اسلامی می خواهد پیدا بشود ، انقلابی که می خواهد خواهان برقراری ارزشهای اسلامی باشد ، زنها حتماً در جبهه مخالف شرکت خواهند کرد . چون بر اساس فرضیه آنها ، زنها از اسلام و از جامعه ای که با معیارهای اسلامی اداره بشود ، ناراضیند . پس بنابر این در این انقلاب شرکت نخواهند کرد . ولی در عمل زنها نه تنها شرکت کردند بلکه اگر آنها شرکت نمی کردند ، این خود واقعی است که این انقلاب به ثمر نمیرسید . چون زنان نه فقط شرکت مستقیمشان مؤثر بود ، شرکت غیر مستقیمشان یعنی تأثیری که روی شوهران ، روی فرزندان ، روی پدران ، روی برادرانشان داشتند از تأثیر مستقیم خودشان کمتر نبود و این خود یک مسأله فوق العادهای است . مرد الهام گیر از زن است و اگر در یک جریان اجتماعی زنها هماهنگی نداشته باشند از تأثیر مرد هم فوق العاده می کاهند و برعکس اگر زنها نقش موافق و احساسات موافق داشته باشند ، نیروی مردها را هم چند برابر می کنند . یعنی نه تنها ترمزی برای مردها نمی شوند ، نیروی محرکی هم برای مردها به شمار می روند ، و این مطلب در این نهضت فوق العاده مشهود بود... در روز هفده شهریور در میدان شهدا آن طوری که معمولاً- نقل می کنند و فیلمها نشان می دهد ، زنها بیشتر از مردها شهید دادند.. ، در پانزده خرداد زنان نقش زیادی نداشتند . بعد از پانزده خرداد یک نوع حالت وحشت و عقب

نشینی ولو برای موقت در مردم پیدا شد . فاجعه خونین پانزده خرداد ، پانزده سال این انقلاب را عقب انداخت . بعد از فاجعه هفده شهریور که از نظر کشتار از فاجعه پانزده خرداد مهمتر بود، گفتند که فرماندار نظامی وقت رفت پیش شاه و گفت قربان ! تا بیست و پنج سال دیگر خیالتان راحت باشد . ولی فردایش دو مرتبه قضیه شروع شد . اگر زنها شرکت نداشتند ، مطمئناً از فردایش هر زنی دست بچه خودش را میگرفت ، دست شوهر خودش را می گرفت ، میگفت دیگر نمیگذارم از خانه بروی بیرون ، ولی از فردایش بیشتر تشویق و ترغیب کردند و این فاجعه نه تنها وقفه ای ایجاد نکرد و چوب لای چرخ انقلاب نگذاشت بلکه حرکت موتور انقلاب را شدیدتر و تندتر کرد» .

«پیرامون جمهوری اسلامی» ص ۵۰ ۵۲

فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) از پدرش و آنحضرت از پدرش علی (علیه السلام) نقل می کند که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

«زنان در گفتارشان واماندهاند و آشکار شدنشان در جامعه باعث شرمندگی است پس ناتوانی در گفتار آنان را با سکوتشان و آشکار شدن شرم آنها را با نگاهداشتن در خانه بپوشانید» .

۲ ابتلاء به مصیبت و ذکر انا لله

حدَّثنا عبد الله حدَّثنی ابي حدَّثنا یزید و عبّاد بن عبّاد قالا : اُنْبأنا هشام بن ابي هشام قال عبّاد بن زیاد عن امّه عن فاطمه ابنة الحسين عن ابيها الحسين بن علی عن النّبی (صلی الله علیه وآله وسلم) قال :

«ما مِنْ مُسْلِمٍ وَلَا مُسْلِمَةٍ يُصَابُ بِمُصِيبَةٍ فَيَذْكُرُهَا وَإِنْ طَالَ عَهْدُهَا (قال عبّاد) : «قَدَمَ عَهْدُهَا» فَيُحَدِّثُ لِدَلِكِ إِسْتِرْجَاعاً إِلَّا جَدَّدَ اللهُ

لَهُ عِنْدَ ذَلِكَ فَأَعْطَاهُ مِثْلَ أَجْرِهَا يَوْمَ أُصِيبَ بِهَا» (۲).

فاطمه بنت الحسين (عليهما السلام) از پدرش امام حسين (عليه السلام) و آنحضرت از پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل می کند که حضرت فرمود :

«کسی که به مصیبتی مبتلا شود و هنگام یاد کردن آن (هر چند بعد از مدتی طولانی) ، (اِنَّا لِلّٰهِ) بگوید ، خداوند پاداش مجدد آن مصیبت را به او خواهد داد» .

پاورقی

(۱) الذَّرِيَّةُ الطَّاهِرَةُ ، ص ۱۴۸ ۱۴۹ .

(۲) «مسند احمد بن حنبل» ، مسند اهل البيت ، حدیث ۱۶۴۴ .

۳ قرائت آیه استرجاع

قال الطبرانی : حَدَّثَنَا أَبُو خَلِيفَةَ الْفَضْلُ بْنُ الْحَبَابِ الْجَمْحِيُّ ، وَابْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمِ الْبَغَوِيِّ ، قَالَا : حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سَلَامِ الْجَمْحِيُّ حَدَّثَنَا هِشَامُ أَبُو الْمُقَدَّمِ عَنْ أُمِّهِ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَّهُ قَالَ :

«مَنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَقَالَ : (إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) جَدَّدَ اللَّهُ لَهُ مِنْ أَجْرِهَا مِثْلَ مَا كَانَ لَهُ يَوْمَ أَصَابَتْهُ» (۱).

فاطمه بنت الحسين (عليهما السلام) نقل می کند از امام حسين (عليه السلام) که آنحضرت فرمود :

«کسی که به مصیبتی مبتلا شود و به هنگام یاد کردن آن «إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بگوید ، خداوند پاداش مجدد آن مصیبت را به او خواهد داد» .

۴ قرائت آیه استرجاع

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ حَدَّثَنَا وَكَيْفُ بْنُ الْجَزَّاحِ عَنْ هِشَامِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أُمِّهِ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِهَا قَالَ : قَالَ النَّبِيُّ :

«مَنْ أَصِيبَ بِمُصِيبَةٍ فَذَكَرَ مُصِيبَتَهُ فَأَخَذَتْهُ اسْتِزْجَاعًا وَإِنْ تَقَادَمَ عَهْدُهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ مِثْلَهُ يَوْمَ أُصِيبَ» (۲).

پاورقی

(۱) المعجم الكبير ، ج ۳ ، ص ۱۳۱ ، ح ۲۸۹۵ ؛ كُنز العمال ، ج ۳ ، ص ۳۰۲ ، ح ۶۶۵۱ .

(۲) «سنن ابن ماجه» ، ماجاء في الجنائز ، حدیث ۱۵۸۹ .

فاطمه بنت الحسین (علیہما السلام) از پدرش نقل میکند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

«کسی که به مصیبتی گرفتار شود ، و با یاد کردن آن (هر چند پس از مدتی طولانی) (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) بگویید ، خداوند به او پاداش مجدد آن مصیبت را خواهد داد» .

۵ تصدیق کلام خدا و رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

حدیثنا عبد الله بن عمران حدثنا ابو داود حدیثنا هشام بن ابی الولید ، عن امه ، عن فاطمه بنت الحسین (علیہما السلام) عن ابیها الحسین بن علی (علیه السلام) قال :

«لَمَّا تُوْفِّي الْقَاسِمُ بْنُ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) ، قَالَتْ خَدِيجَةُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ دَرَّتْ لَبِيئَةُ الْقَاسِمِ ؛ فَلَوْ كَانَ اللَّهُ أَبْقَاهُ حَتَّى يَسْتَكْمِلَ رِضَاعَهُ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) : «إِنَّ أْتَمَامَ رِضَاعِهِ فِي الْجَنَّةِ . قَالَتْ : «لَوْ أَعْلَمْتُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَهَوَّنَ عَلَيَّ أَمْرُهُ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) : «إِنْ شِئْتِ دَعَوْتُ اللَّهَ «تَعَالَى» فَاسْتَمِعْكَ صَوْتَهُ» ؛ قَالَتْ : «يَا رَسُولَ اللَّهِ بَلْ أَصَدَّقُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (۱) .

فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) از پدرش امام حسین (علیه السلام) نقل میکند که حضرت فرمود :

«وقتی قاسم فرزند

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) از دنیا رفت ، حضرت خدیجه به رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) گفت : «ای رسول خدا شیر قاسم در سینهام جمع شده است ؛ ای کاش زنده میماند و شیر خواری را کامل می کرد». رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : «شیر خواری قاسم در بهشت کامل می شود». خدیجه (علیها السلام) گفت :

پاورقی

(۱) «سنن ابن ماجه»، ما جاء فی الجنائز ، حدیث ۱۵۰۱ .

«اگر این مطلب را میدانستم مصیبت فراق و مرگ او بر من آسان میشد» .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : «اگر بخواهی از خدا میخوام که صدای قاسم را به تو برساند» .

خدیجه (علیها السلام) گفت : «من خدا و رسولش را تصدیق می کنم ، بیآنکه صدای قاسم را بشنوم» .

۶ حقوق درخواست کنندگان

حدَّثنا عبد الله حدَّثني ابي حدَّثنا وكيع و عبد الرحمن قال حدَّثنا سفیان عن مصعب بن محمد عن يعلى بن ابي يحيى عن فاطمه بنت الحسين ، عن ابيها : انَّ النَّبِيَّ (صلی الله علیه وآله وسلم) قال :

«لِلسَّائِلِ حَقٌّ وَإِنْ جَاءَ عَلَى فَرَسٍ» (۱).

فاطمه بنت الحسين (علیهما السلام) از پدرش امام حسین (علیه السلام) نقل میکنند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

«درخواست کننده کمک مالی ، بر مسلمین حقی دارد (که باید خواسته او را برآورند) گرچه سوار بر مرکبی عالی (و دارای ظاهری چون توانگران) باشد» .

۷ حقوق درخواست کننده کمک مالی

حدَّثنا محمد بن كثير ، اخبرنا سفیان ، حدَّثنا مصعب بن محمد بن شرحبيل ، حدَّثني يعلى بن ابي يحيى عن فاطمه بنت الحسين عن حسين بن علي قال : قال رسول الله :

پاورقی

(۱) «مسند احمد بن حنبل» ، مسند اهل البيت ، حدیث ۱۶۴۰ .

«لِلسَّائِلِ حَقٌّ وَإِنْ جَاءَ عَلَى فَرَسٍ» (۱).

حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) از پدرش امام حسین (علیه السلام) نقل می کند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

«بر درخواست کننده مال حقی است ، گرچه بر مرکبی عالی سوار باشد» .

۸ مغلوب شدن سپاه ظلم

حدَّثنا احمد بن یحیی الصوفی ، حدَّثنا عبد الرحمن بن دبیس ، حدَّثنا بشیر بن زیاد ، عن عبد الله بن حسن عن امه عن فاطمه الکبری ، قالت : قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) :

ما التقی جُندانِ ظالِمانِ إلاّ تَخَلَّى اللهُ مِنْهُمَا فَلَمْ يُبَالِ أَيْهُمَا غَلَبَ ، وَمَا التَقَى جُندانِ ظالِمانِ إلاّ كَانَتِ الدَّائِرَةُ عَلَيَّ أُعْتَاهُمَا» (۲).

عبد الله بن حسن از مادرش (فاطمه بنت الحسین) و او از فاطمه کبری (علیها السلام) نقل میکند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

«دو سپاهی که (بر اساس ظلم و ستم نبرد می کنند) به هم نرسند جز اینکه خداوند آنها را بخودشان واگذارد و هیچکدام را یاری نکند و از ایندو سپاه آن مغلوب شود که ظلم و ستمش فزونتر باشد» .

۹ کبر

عن یحیی بن عبد الباقي ، قال : حدَّثنا محمد بن سلیمان لوین ، حدَّثنا

پاورقی

(۱) «سنن ابی داود» ، کتاب الزکاه ، حدیث ۱۴۱۸ .

(۲) الذریه الطاهره ، ص ۱۴۹ .

عبد الحمید بن سلیمان عن عمّاره بن غزیه ، عن فاطمه بنت الحسین عن ابیها : انّ عبد الله بن عمر جاء الی النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) فقال :

یا رسول الله من الکبیر انّ ألبس الحلة الحسنه ؟ قال : «لا» .

قال : أفمن الکبیر انّ أضنع طعاماً فأدعو قوماً يأکلون عندی ویمشون خلف عقیبی ؟

قال : «لا» .

قال فما الکبیر ؟ قال : «انّ تشفّه الحقّ وتغمس الناس» (۱).

فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) نقل میکند از پدرش امام حسین (علیه السلام) که فرمود :

«عبد الله بن عمر نزد رسولخدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آمد و گفت : «ای رسولخدا ! اگر لباس نیکو

و زیبا به تن کنم این از کبر است؟». رسولخدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «خیر». عبد الله گفت: «اگر غذایی تهیه کنم و مردم را برای خوردن غذا دعوت نمایم و جلوتر از آنها راه بروم؛ این از کبر است؟». رسولخدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «خیر».

عبد الله گفت: پس کبر چیست؟

رسولخدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «کبر آنستکه حق را بشناسی و زیر پا گذاری و مردم را در باطل اندازی».

۱۰ حقوق حیوانات

حدّثنا محمد بن عبد الله الحضرمی حدّثنا موسی بن عبد الرحمن البکری حدّثنا عثمان بن عبد الرحمن القرشی حدّثنا عائشه بنت طلحه عن فاطمه بنت الحسین عن ابیها أنّ رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) قال:

پاورقی

(۱) المعجم الكبير للطبرانی، ج ۳، ص ۱۳۲، ح ۲۸۹۸، موسوعه کلمات الإمام الحسین (علیه السلام)، ص ۷۴۹.

«لا تَطْرُقُوا الطَّيْرَ فِي أَوْكَارِهَا، فَإِنَّ اللَّيْلَ لَهُ أَمَانٌ» (۱).

فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) از پدرش نقل میکند که رسولخدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«شبانہ برلانہ پرندگان وارد نشوید؛ کہ شب زمان امتیت و آسایش آنهاست».

پاورقی

(۱) المعجم الكبير، الطبرانی، ج ۳، ص ۳، ص ۱۳۱.

۱ رحمت الهی بر بنده بیمار

حدّثنا احمد بن يحيى الصوفی، حدّثنا عبد الرحمن بن دبیس الملائی، حدّثنا بشیر بن زیاد الجزری، عن عبد الله بن حسن عن امه فاطمه بنت الحسین عن فاطمه الكبرى، قالت: قال النبی (صلی الله علیه و آله وسلم):

«إِذَا مَرَضَ الْعَبْدُ أَوْ حَى اللَّهُ إِلَى مَلَائِكَتِهِ أَنْ ازْفَعُوا عَنْ

عَبْدِي الْعَلَمَ مَا دَامَ فِي وَثَاقِي، فَإِنِّي أَنَا حَبْسَتُهُ، حَتَّى أَقْبِضَهُ أَوْ أُخَلِّي سَبِيلَهُ» (۱).

فاطمه بنت الحسین (علیهما السلام) از فاطمه زهرا (علیها السلام) نقل میکند که رسولخدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«هنگامی که بنده خدا بیمار شود خداوند به فرشتگان وحی نماید که : قلم تکلیف از او بردارید و دربارهاش چیزی ننویسید» تا زمانی که در گروه بندگی من است ؛ چونکه (با این بیماری) من او را محدود و محبوس ساختم تا اینکه یا قبض روحش نمایم و یا (سلامتیش) بخشیده «و پاک از گناه» رهایش سازم» .

بخش پنجم: بهداشت

۱ رعایت بهداشت به هنگام ملاقات بیماران

قال عبد الله بن احمد : حدثني ابو ابراهيم الترمذاني حدثنا الفرَج بن فضاله عن محمد بن عبد الله بن عمرو بن عثمان عن أمه فاطمه بنت الحسين عن الحسين عن ابيه عن النبي قال :

«لَا تُدِيمُوا النَّظَرَ إِلَى الْمُجَدِّمِينَ ، وَإِذَا كَلَّمْتُمُوهُمْ فَلْيَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ قَيْدٌ رُمَحٌ» (۱).

فاطمه بنت الحسين (علیهما السلام) از پدرش و ایشان از پدرشان علی (علیه السلام) نقل می کند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) همیشه می فرمود :

«نگاه به بیماران جذامی را ادامه ندهید و به هنگام سخن گفتن به اندازه (گره کمان) بین شما و آنها فاصله باشد» .

۲ نگاه به بیماران جذامی

حدثنا عبد الرحمن بن ابراهيم ، حدثنا عبد الله بن نافع عن ابن أبي الزناد ، وحدثنا علي بن أبي الخصب حدثنا وكيع عن عبد الله بن سعيد ابن أبي هند جميعاً عن محمد بن عبد الله بن عمرو بن عثمان عن أمه فاطمه بنت الحسين عن ابن عباس أن النبي قال :

پاورقی

(۱) «المسند» ، للإمام احمد بن محمد بن حنبل (۱۶۴ ۲۴۱ هـ ق) ، شرحه وصنع فهرسه احمد محمد شاکر ، ج ۲ ، ص ۵۸۱ و ۵۸۲ ، الطبعة الثانية ، دار المعارف بمصر .

«لَا تُدِيمُوا النَّظَرَ إِلَى الْمُجَدِّمِينَ» (۱).

«نگاه به بیماران جذامی را ادامه ندهید» .

۳ بهداشت دست

عبد الله بن الحسن عن أمه فاطمه بنت الحسين عن فاطمه الكبرى بنت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) قالت :

قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) : «لَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ مَنْ بَاتَ وَفِي يَدِهِ غَمْرٌ» (۲).

فاطمه بنت الحسين (علیهما السلام) از فاطمه زهرا (علیها السلام) و ایشان از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل می کند

که حضرت فرمود :

«کسی که با دست آغشته به چربی بخوابد و به بیماری مبتلا شود جز خودش را سرزنش ننماید» .

۴ بهداشت دست

حدَّثنا احمد بن يحيى الأودى ، حدَّثنا جباره بن مغلّس ، حدَّثنا عبيد بن الوسيم عن حسين (٣) بن الحسن ، عن أمه فاطمه بنت الحسين ، عن ابیها عن فاطمه بنت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) ، قالت : قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) : «لا يُلومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ مَنْ بَاتَ وَفِي يَدِهِ غَمْرٌ» (٤).

پاورقی

(١) «سنن ابن ماجه» ، الطب ، حدیث ٣٥٣٣ و در «مسند احمد بن حنبل» آمده است : «لا تديموا الى المجذومين النظر» ، مسند بنی هاشم ، حدیث ١٩٧١ .

(٢) كشف الغمّه ، ج ١ ، ص ٥٥٤ .

(٣) حسين بن الحسن ، در سند روایت باید حسن بن الحسن باشد چون حسن مثنی فرزندی به نام حسین نداشته است .

(٤) الذریّه الطاهره ، ص ١٣٨ .

«کسی که با دست آغشته به چربی بخوابد و به بیماری مبتلا شود ، به غیر از خود کسی را ملامت نکند» .

۵ بهداشت دست

حدَّثنا جباره بن المَعْلَس حدَّثنا عبيد بن وسيم الجمال حدَّثني الحسن بن الحسن عن أمه فاطمه بنت الحسين عن الحسين بن علي عن أمه فاطمه ابنة رسول الله قالت : قال رسول الله :

«ألا لا يُلومَنَّ امْرُؤٌ إِلَّا نَفْسَهُ يَبِيتُ وَفِي يَدِهِ رِيحٌ غَمْرٌ» (١).

«بدانید کسی که با دست آغشته به چربی بخوابد و به بیماری مبتلا شود ، به غیر از خود کسی را ملامت نکند» .

پاورقی

(١) «سنن ابن ماجه» ، الاطعمه ، حدیث ٣٢٨٧ .

فصل چهارم: راویان احادیث

فاطمه بنت الحسین (علیها السلام)

«ما نَالَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ السَّفْهِ بِسَفْهِهِمْ شَيْئًا، وَلَا أَدْرَكُوا مِنْ لَذَاتِهِمْ شَيْئًا، إِلَّا وَقَدْ نَالَ أَهْلَ الْمَرَوَاتِ، فَاسْتَرُوا بِحَمِيلِ سِتْرِ اللَّهِ» .

«هیچ نادانی، با نادانی خویش به جایی نرسد و از خوشیهای مادی و معنوی بهره‌ای نبرد، تنها افراد جوانمرد کامیابند، چرا که خود را در پوشش زیبای الهی قرارداد هاند» .

ابراهیم بن الحسن بن الحسین (علیه السلام)

ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام)، کنیه‌اش «ابو الحسن» و مادرش «فاطمه بنت الحسین (علیها السلام)» است. گویند در زمان خود شبیه ترین افراد به رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) بود.

وی در زمان خلافت منصور دوانیقی به همراه برادرانش از مدینه به کوفه آورده شد. و در زندان هاشمیه به شهادت رسید.

ابو الفرج اصفهانی گوید: «مرگ ابراهیم نیز در همان زندان هاشمیه در سال صد و چهل و پنج اتفاق افتاد و هنگام مرگ شصت و هفت سال از عمرش می گذشت، و او نخستین کسی بود که از زندانیان زندان هاشمیه در آنجا از دنیا رفت» (۱).

آیه الله خویی می نویسد:

«روی عن فاطمه بنت الحسین (علیه السلام)، وروی عنه عبد الله بن موسى . ذكره الصدوق في المشيخة في طريقه الى أسماء بنت عميس» (۲).

طریق روایتی وی در این مسند اینگونه است:

ابراهیم بن الحسن، عن فاطمه بنت الحسین (علیه السلام)، عن أسماء بنت عميس» حدیث ۱۲ .

ابراهیم بن الحسن، عن فاطمه بنت الحسین، عن ابیها الحسین (علیه السلام) حدیث ۳۸ .

ابراهیم والحسن ابنی الحسن، عن امهم فاطمه بنت الحسین، عن ابیها حدیث ۴۰ .

پاورقی

(۱)

«مقاتل الطالبین»، ص ۱۳۷ .

(۲) «معجم رجال الحديث»، ج ۱، ص ۷۹، رقم ۱۲۷ .

اسحاق بن ابی یحیی

اسحاق بن ابی یحیی کعبی یکی از راویان احادیث حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) است حدیث ۳۲ مؤلف کتاب «المجروحین گوید :

«اسحاق بن ابی یحیی الکعبی ، یروی عن ابن جریح ، روى عنه على بن معبد ینفرد عن الثقات ما لیس من حدیث الأثبات ، ویأتی عن الأئمة المرضیین ما هو من حدیث الضعفاء والکذابین ، لا یحل الاحتیاج به ولا الروایه عنه إلا على سبیل الاعتبار ، وهو الذى روى عن ابن جریح عن عطا عن ابن عباس قال : كان للنبی (صلی الله علیه وآله وسلم) مؤذن یطرب ، فقال له النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) إن الأذان سَمِح سهل ، فإن كان أذانک سمحاً سهلاً وإلا فلا تؤذّن ، ثنا مکحول ببیروت ثنا یوش بن عبد الأعلى ثنا على بن معبد ثنا اسحق ابن ابی یحیی الکعبی عن ابن جریح اولیس لهذا الحدیث أصل من حدیث رسول الله»(۱).

اسماء بنت ابی بکر

شیخ الطائفه طوسی وی را از اصحاب رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌شمارد(۲). اسماء بنت ابی بکر ۲۷ سال قبل از هجرت متولد شده و از عایشه ده سال بزرگتر بود . گویند وی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ۵۸ و یا ۵۶ حدیث نقل کرده است . چهارده روایت وی در هر دو کتاب صحیح مسلم و بخاری آمده است و احادیثی به روایت وی در هر یک از صحیحین آمده که در دیگری نیست(۳).

پاورقی

(۱) کتاب المجروحین ، ج ۱ ، ص ۱۳۷ .

(۲) «رجال الطوسی» ، رقم ۱۲ ، ص ۳۳ ، «معجم رجال الحديث» ، ج ۲۳ ، ص ۲۰۱ ، رقم ۱۵۵۴۵ .

(۳) «اعلام النساء» ، ج ۱ ، ص ۳۸ ، به نقل

از «مطالع الأنوار»، للکازرونی، «الکمال فی معرفه الرجال» للحافظ المقدسی و «المجتبی»، لابن الجوزی .

اسماء بنت ابی بکر، همسر «زبیر» و مادر «عبد الله بن زبیر» است . او چند روز پیش از کشته شدن عبد الله در سال ۷۳ هجری از دنیا رفت (۱).

طریق روایتی فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) از اسماء بنت ابی بکر اینگونه است

عمر بن علی بن الحسین (علیه السلام)، عن فاطمه بنت الحسین (علیه السلام)، عن اسماء بنت ابی بکر (حدیث ۶ و ۷) .

اسماء بنت عمیس

أسماء بنت عمیس فرزند «معدن بن الحارث بن تیم بن کعب الخثعمی» است و مادرش «هند دختر عوف بن زهیر بن الحارث ابن کنانه» می باشد . وی سه بار شوهر کرد و بعد از شهادت حضرت علی (علیه السلام) زنده بود (۲).

شیخ طوسی وی را در شمار اصحاب رسول اعظم الهی (صلی الله علیه وآله وسلم) می داند (۳).

اسماء از بانوانی است که در سال پنجم بعثت به همراه شوهر خود «جعفر بن ابیطالب» و حدود هشتاد نفر از مردان و زنان مخلص و مجاهد، برای حفظ دین خود از مکه به حبشه هجرت کرده و پس از سیزده سال اقامت در آن کشور به سال هشتم هجرت بعد از جنگ خیبر به مدینه مهاجرت نموده است . او محرم اسرار حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و از بانوان پرهیزکاری بود که به خدمتگزاری در خانه دخت نبی اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) افتخار می کرد .

پاورقی

(۱) «اعلام النساء»، ج ۱، ص ۴۲ .

(۲) یک خواهر اسماء، ام المؤمنین میمونه است خواهر دیگرش سلمی زوجه حمزه بن عبد المطلب و دیگری

لبابه زوجه عباس بن عبد المطلب می باشد .

(۳) «رجال الطوسی» ، اصحاب رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) ، رقم ۳۸ ، ص ۳۴ نسب المیرزا فی کتابیه إلى رجال الشيخ علیها من اصحاب علی (علیه السلام) ایضاً ، لکن سائر النسخ خالیه عن ذکره ، «معجم رجال الحدیث» ، ج ۲۳ ، ص ۲۰۲ رقم ۱۵۵۴۶ .

اسماء پس از شهادت جعفر بن ابی طالب ، به همسری ابو بکر در آمد و سپس همسر مؤلی الموحدین امیر المؤمنین علی (علیه السلام) شد .

به روایت ابن عنبه وی از جعفر هشت فرزند داشت به نامهای عبد الله ، عون ، محمد اکبر ، محمد اصغر ، حمید ، حسین ، عبد الله اکبر و عبد الله اصغر .

محمد اکبر که از هواداران عمش علی بن ابی طالب (علیه السلام) بود ، در صفین کشته شد و عون و محمد اصغر در کربلا به شهادت رسیدند (۱).

شیخ صدوق تحت عنوان «الاخوات من أهل الجنة سبع» نقل میکند :

«حدَّثنا أبي (رضی الله عنه) قال : حدَّثنا سعد بن عبد الله ، عن احمد بن محمد ابن عیسی ، عن احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی ، عن عاصم بن حمید ، عن أبي بصیر ، عن أبي جعفر (علیه السلام) قال : سمعته يقول :

رحم الله الأخوات من أهل الجنة فسيماهن : أسماء بنت عميس الخثمية وكانت تحت جعفر بن أبي طالب (علیه السلام) ، وسلمى بنت عميس الخثميّة وكانت تحت حمزه ، وخمس من بنی هلال : ميمونه بنت الحارث كانت تحت النبي (صلی الله علیه وآله وسلم) و أمّ الفضل عند العباس اسمها هند والغميصاء أمّ خالد بن الوليد ، وعزّه

كانت في ثقيف عند الحجاج بن غلاظ ، وحميده لم يكن لها عقب» (٢).

امام باقر (عليه السلام) فرماید :

«خداوند رحمت کند خواهرانی را که اهل بهشت می باشند» پس نامشان را اینگونه بیان فرمود : «اسماء بنت عمیس همسر جعفر بن ابی طالب ، سلمی بنت عمیس همسر حمزه سید الشهداء و پنج تن از بنی هلال : میمونه بنت حارث همسر رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) ، امّ الفضل همسر عباس که اسمش هند بود ، غمیصاء ، امّ خالد بن ولید و عزه که در ثقیف همسر حجاج بن غلاظ بود و حمیده که فرزندی نداشت» .

پاورقی

(١) «عمده الطالب» ، ص ٣٦ و ٣٧ .

(٢) «کتاب الخصال» ، ج ٢ ، ص ٣٦٣ .

طریق روایتی وی در این مسند بدین ترتیب است :

ابراهیم بن الحسن ، عن فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) ، عن اسماء بنت عمیس (حدیث ١٢) .

الإمام علی (علیه السلام)

ابو الحسن ، علی بن ابی طالب (علیه السلام) نخستین امام از ائمه اثنی عشر (علیهم السلام) و یکی از پنج تن آل عبا (علیهم السلام) است . آن حضرت دومین شخص عالم اسلام پس از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و وصی و ولی مطلق هستند . اعتقاد به امامت و وصایت و ولایت آن حضرت و یازده فرزندش یکی از اصول مذهب امامیه است .

تولد امام علی (علیه السلام) روز سیزدهم ماه رجب ، سی سال از واقعه عام الفیل گذشته در خانه کعبه روی داد . او اولین و آخرین کسی است که در این مکان مقدس پای به کره خاک نهاده است . حضرت مولی الموحدین اسلام آورنده نخستین و از جانبازان مکتب نبوی

(صلی الله علیه وآله وسلم) است که در ليله المیت به جای رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در بستر ایشان خوابید ، تا آن حضرت از مکه به مدینه هجرت نماید . از ویژگیهای خاص امام علی (علیه السلام) ازدواج ایشان با حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) است که فرزندان مبارکی را بوجود آورد و خاندان امامت شکل گرفت . حضرت رسول در سال دهم هجری پس از بازگشت از حجه الوداع در غدیر خم طی خطبه ای امامت و وصایت حضرت علی (علیه السلام) را اعلام داشت .

حضرت مولی الموحدین علی بن ابی طالب (علیه السلام) پس از ابوبکر ، عمر و عثمان به خلافت ظاهری رسید هرچند پیش از آن پس از رحلت رسول اکرم به مقام امامت منصوب شده بود .

حیات امام در عین آمیختگی با سیاست و مسائل اجتماعی ، حیات علمی بود و حتی سیاست و فرمانهای سیاسی او نیز نشانگر مقام والای علمی اوست و چون جز در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و حضرت علی (علیه السلام) و چند ماه خلافت امام حسن (علیه السلام) معصومین (علیهم السلام) حکومتی نداشتند ، احکام و احادیث سیاسی و اقتصاد سیاسی غالباً از این دوره به دست ما رسیده است و بررسی ابعاد گوناگون احادیث وارده از این زمان امری ضروری

است .

مکتب علوی شاگردان بسیاری را تربیت کرد که شیخ طوسی در رجال خود به ۴۳۹ تن از آنها اشاره میکند . حوزه علمیه شیعه هرچند در عصر رسالت حیات خود را آغاز کرده بود ، لیکن به واسطه اینکه امامت نخستین امام شیعیان پس از ارتحال رسول اعظم

الهی (صلی الله علیه وآله وسلم) واقع شده ، دوره خاص خود را از عصر امامت حضرت علی (علیه السلام) شروع میکند که با گروههای مختلف فکری روبرو شده و به آنها پاسخ داده است .

طرق روایی که در این مسند ما را به امام علی (علیه السلام) می رساند به قرار زیر است :

حدثنی محمد بن علی التقی عن ابيه قال : حدثنی موسى بن جعفر عن ابيه، عن محمد بن علی ، عن فاطمه بنت الحسين ، عن ابيها وعمها الحسن بن علی قالاً حدثنا امیر المؤمنین (عليهم السلام) قال : قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) : حدیث ۲۱ .

عبد الله بن الحسن بن الحسن ، عن امه فاطمه بنت الحسين ، عن ابيها الحسين ، عن علی (علیه السلام) الحدیث ۲۳ .

عبد الله بن الحسن بن الحسن عن امه فاطمه بنت الحسين ، عن ابيها الحسين ، عن ابيه (علیه السلام) قال : قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) [حدیث ۳۴] .

ابراهیم بن الحسن بن الحسن ، عن امه فاطمه بنت الحسين ، عن ابيها الحسين بن علی ، عن ابيه علی بن ابی طالب (عليهم السلام) قال : قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) حدیث ۳۸ .

موسی بن عبد الله بن موسی الحسنی عن جده موسی بن عبد الله ، عن ابيه عبدالله بن الحسن وعميه ابراهیم والحسن ابنی الحسن ، عن امهم فاطمه بنت الحسين ، عن ابيها ، عن جدّها علی بن ابی طالب عن النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) حدیث ۴۰ .

محمد بن عبد الله بن عمرو بن عثمان

عن امه فاطمه بنت الحسين عن الحسين عن ابيه عن النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) حديث ٥١].

الإمام الحسن (عليه السلام)

ابو محمد ، حسن بن علي بن ابي طالب (عليه السلام) ، امام دوم شيعيان و چهارمين معصوم از خاندان طهارت است . که در ١٥ رمضان (١) سال دوم هجری (٢) در مدینه به دنیا آمد و در سال ٤٩ یا ٥٠ هجری به لقاء الله شتافت (٣).

برخی از فرزندان امام حسن (عليه السلام) در کربلا حضور یافته و مجروح یا شهید شدند . در واقع باید گفت فرزندان امام حسن مجتبی (عليه السلام) در طول تاریخ قیامها و مبارزات بسیاری علیه ظلم نمودند و در عصر امامت حکومت ادريسيان را در مراکش تأسیس کردند . مؤسس این سلسله «ادريس بن عبد الله بن حسن بن علي بن ابي طالب (عليهما السلام)» است که پس از قیام در سال ١٦٨ هجری به مصر رفته و در مراکش سلسلهای را در سال ١٧٢ بنا نهاد که تا سال ٣٧٥ ادامه داشت (٤).

شيخ طوسی شمار اصحاب آن حضرت را ٤١ نفر ذکر کرده (٥).

مسند الامام المجتبی (عليه السلام) شمار اصحاب ١٣٨ نفر احصاء شده است (٦).

امام حسن مجتبی (عليه السلام) موقعیت سیاسی عصر خویش را اینگونه بیان می دارد:

پاورقی

(١) «کافی» ج ١ ، ص ٤٦١ ، «بحار الانوار» ، ج ٤٤ ، ص ١٣٤ ، حدیث ١ ، «الارشاد» ، ص ٢٠٥ «بحار الانوار» ، ج ٤٣ ، ص ٢٥٠ ، حدیث ٢٦ ، «المستدرک» ج ١٥ ، ص ١٤٨ ، حدیث اول «مسار الشیعه» ، ص ٧ .

(٢) «التهذیب» ، ج ٦ ، ص ٣٩ ، کلینی در کافی ج ١ ، ص ٤٦١ سال سوم هجری را سال تولد ایشان میدانند.

(٣) «تواریخ النبى والآل» ص ٥٩ .

(٤)

«طبقات سلاطین اسلام»، ص ۲۹ .

(۵) «رجال الطوسی»، ص ۶۶ ۷۱ .

(۶) «مسند الامام المجتبی (علیه السلام)»، ص ۷۳۵ ۷۹۰ .

«وَاللّٰهِ مَا سَلَّمْتُ الْأَمْرَ إِلَيْهِ إِلَّا أَنِّي لَمْ أَجِدْ أَنْصَارًا ، وَلَوْ وَجَدْتُ أَنْصَارًا لَقَاتَلْتُهُ لَيْلِي وَنَهَارِي ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَهُ ...» (۱).

«سوگند به خدا ، من از این روی امر خلافت را به او وا گذاشتم که یارانی نیافتم . اگر یارانی می یافتم شب و روز را در جنگ و جهاد با معاویه می گذرانیدم ، تا خدا خود میان من و او حکم فرماید» .

همچنین از بیانات آن حضرت است :

«أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنَّ مُعَاوِيَةَ زَعَمَ أَنِّي رَأَيْتُهُ لِلْخِلَافَةِ أَهْلًا ، وَلَمْ أَرَ نَفْسِي لَهَا أَهْلًا ، وَكَذَبَ مُعَاوِيَةَ . أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ ، فِي كِتَابِ اللَّهِ وَعَلَى لِسَانِ نَبِيِّ اللَّهِ ، فَأَقْسِمُ بِاللَّهِ لَوْ أَنَّ النَّاسَ بَايَعُونِي وَأَطَاعُونِي وَنَصَرُونِي لَأَعْطَيْتُهُمُ السَّمَاءَ قَطْرَهَا ، وَالْأَرْضَ بَرَكَتِهَا ، وَلَمَّا طَمِعَتْ فِيهَا يَا مُعَاوِيَةَ ...» (۲).

«ای مردم ! معاویه چنان وانمود کرده است که من او را شایسته خلافت دانسته‌ام ، نه خود را ، اما دروغ گفته است . من سزاوارترین همه مردم به تصرف در امور و شؤون مردم ، به حکم کتاب خداست رسول خدا .

به خدا قسم ، اگر مردم با من بیعت میکردند و از من فرمان می بردند و مرا یاری میدادند ، آسمان و زمین برکات خود را بر آنان ارزانی می داشتند . و تو ای معاویه ، در خلافت طمع نمی کردی ...» .

معاویه پس از قرارداد صلح با امام حسن (علیه السلام) به وی گفت فضایل ما را بیان کن . امام حسن مجتبی (علیه السلام) این

خطبه را پس از حمد و ثنای خدا و درود بر رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) ایراد فرمود :

پاورقی

(۱) «الاحتجاج» ج ۲، ص ۷۱.

(۲) همان، ج ۲، ص ۶۶.

«هر که مرا شناسد که میشناسد و هر که نشناسد من پسر پیغمبرم، من پسر بشیر و نذیرم، من پسر برگزیده بمقام رسالتم، پسر آن کسم که ملائکه بر او درود فرستادند، پسر آن کسم که این امت را شرف بخشید، و جبرئیل بسفارت از جانب خدا بر او نازل شد، پسر آن کسم که مبعوث شد تا برای جهانیان رحمت باشد صلی الله علیه وآله اجمعین .

معاویه طاقت نیاورد بیش از این دشمنی و حسد را در سینه نگه دارد، گفت : حسن، خرما را برای ما توصیف کن فرمود : معاویه، نخل خرما را باد بارور کند، خورشید تناور سازد، ماه رنگ آمیزی کند، گرما بپزد، (هوای ملایم) شب، سرد کند، سپس چنین بگفتارش ادامه داد :

من پسر آنکسم که دعایش بدرگاه خدا مستجاب بود، من پسر آنکسم که بمقام قرب خدا تا حدّ «قاب قوسین او ادنی» (مقدار دو کمان یا کمتر) رسید، من پسر شافع فرمانروایم، من پسر مکه و منایم من پسر آنکسم که قریش ناچار در برابرش تسلیم شد، من پسر آنکسم که پیروش سعادت مند و مخالفش نگون بخت است، من پسر آنکسم که زمین را برایش پاک کننده و سجده گاه قرار دادند، من پسر آن کسم که خبرهای آسمان پیاپی بر او نازل میشد، من پسر آنهایم که

خدا آلودگیها را از ساحتشان دور و آنها را (از هر پلیدی) ، سخت پاک ساخت ، معاویه گفت :

حسن ، گمان می کنم هوای خلافت در سرداری ، فرمود : وای بر تو معاویه ، خلیفه کسی است که روش پیغمبر پیش گیرد ، ودستور خدا بکار بندد و بجان خودم سوگند که مائیم راهنمایان هدایت و چراغهای تقوی ، و تو ای معاویه از آنها هستی که سنتها را نابود و بدعتها را زنده کردند ، بندگان خدا را به بردگی کشیدند ، و دین را بازیچه گرفتند ، این قدرت و مقام که تو داری بی ارزش و ناچیز است ، دیری نباید و وزر و بالش پیوسته بگردنت بماند ، معاویه ، والله ، خدا دو شهر یکی در مشرق و دیگر در مغرب بنام جابلقا و جابلسا آفریده و برای هیچ یک پیامبری جز جدّ من نفرستاده است .

معاویه گفت :

ای ابو محمد ما را از شب قدر خبرده .

امام حسن فرمود :

آری چنین سؤال کن . خداوند آسمانها را هفت و زمین را هفت آفرید ، جن را از هفت و آدمی را از هفت بوجود آورد . از شب بیست و سوم تا شب بیست و هفتم ، قدر را باید جست . سپس از جا حرکت کرد»(۱).

طرق روایی که در این مسند ما را به نام مقدس حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) هدایت می کند بدین ترتیب است :

حدثی محمد بن علی عن ابیه قال : حدثنی موسی بن جعفر عن ابیه ، عن محمد بن علی الباقر (علیه السلام) ، عن فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) ، عن ابیها وعمها الحسن بن علی

(علیه السلام) قالاً حدثنا امیر المؤمنین (علیه السلام) ، قال : قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) ... حدیث ۲۱ .

با توجه به این نکته که حضرت امام حسن (علیه السلام) در سال ۴۹ یا ۵۰ هجری از دنیا رفته و حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) در سال ۴۰ تولد یافته است و حضرت فاطمه در دوران کودکی و نوجوانی عصر امامت امام مجتبی (علیه السلام) را درک کرده ، نقل احادیث وی از آن حضرت به مراتب کمتر از نقل روایتش از پدر بزرگوارش است ، تنها یک روایت وی به دست ما رسیده است .

پاورقی

(۱) «تحف العقول» ، ص ۲۶۲ ۲۶۴ ، امام (علیه السلام) در خاتمه به جهت نادانی مخاطب از مباحث دینی والهی سخن را به اجمال بیان کرده است .

الامام الحسین (علیه السلام)

ابو عبد الله ، حسین بن علی بن ابی طالب (علیهما السلام) ، امام سوم از ائمه اثنی عشر و پنجمین معصوم از چهارده معصوم است .

حوزه علمیه شیعه در عصر حسینی به جهت واقع شدن در زمان حکومت یزید بن معاویه یکی از حساس ترین دوره‌های فرهنگی سیاسی را تحمل کرده است و شیفتگان امامت با حضور در صحنه جهاد میزان عشق و علاقه خود را با کشته شدن در راه اهداف متعالی ابو الشهداء ، سید الاحرار حضرت ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) نشان داده‌اند . از اینرو اصحاب آن حضرت هم در حوزه علمی و هم در حوزه نظامی به فعالیت پرداخته و با جهاد در راه خدا گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند .

هر چند امامت ۱۱ ساله حضرت امام حسین (علیه السلام)

از پرخفقان ترین دوران امامت ائمه اثنی عشر (علیهم السلام) محسوب می گردد و همزمان با دوره منع نقل حدیث و تدوین کتب حدیثی است ، لیکن در اثر مجاهدت های اصحاب خاص ائمه (علیهم السلام) امروزه بالغ بر یک هزار عنوان حدیث از امام به دست ما رسیده است .

احادیث آن حضرت به چهار دوره تاریخی برمی گردد :

۱ سخنان آن حضرت در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) .

۲ سخنان آن حضرت در زمان حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) .

۳ سخنان آن حضرت در زمان امام حسن مجتبی (علیه السلام) .

۴ سخنان آن حضرت در زمان امامت خودشان .

که این بیانات . به پنج بخش عمده عقاید ، احکام ، اخلاق ، ادعیه و اشعار تقسیم می گردند(۱).

از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) نقل شده است که فرمودند : «خداوند عوض قتل امام حسین (علیه السلام) چهار ویژگی به آن حضرت عطا فرموده است

اول : امامت را در ذریه او قرار داده است .

دوم : شفا را در تربت آن حضرت قرار داده است .

سوم : کنار وزیر قبه او دعا مستجاب می باشد .

چهارم : ایامی که زیارت کنندگان به زیارت وی مشغولند از عمرشان حساب نمی شود»(۲).

از اینرو گفته اند :

«الإِسْلَامُ نَبِيُّ الْحُدُثِ وَحُسَيْنِيُّ الْبَقَاءِ» .

«دین را وجود مقدس محمدی شروع نموده و بقای آن به واسطه وجود مبارک امام حسین است»(۳).

حسین بن شعبه حرانی گوید :

«از امام حسین (علیه السلام) پرسیدند : جهاد سنتی است که پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بنیاد کرده یا فرضی که خداوند لازم شمرده است ؟

فرمود :

جهاد چهار گونه

است: دو فرض و دو سنت که یکی از آنها جز با فرض برگزار نشود. اما فرض: یکی جهاد با نفس است که انسان خود را از گناه بازدارد و این بزرگترین جهاد است و دیگر جهاد با کفاری که در همسایگی مسلمانان هستند.

پاورقی

(۱) رجوع کنید به: «موسوعه کلمات الامام الحسین»، اعداد لجنه الحدیث: محمود شریفی، سید حسین زینالی، محمود احمدیان و سید محمود مدنی، معهد تحقیقات باقر العلوم، منظمه الاعلام الاسلامی.

(۲) «وسائل الشیعه»، شیخ حرّ عاملی، ج ۱۰، ص ۳۲۹.

(۳) عبد الرزاق موسوی مقرر گوید: «لقد كانت نهضة الحسين الجزء الأخير من العله التامه لاستحکام عروش الدین حيث أنّها فرقت بين دعوه الحقّ والباطل وميزت احدی الفريقين عن الآخر حتى قيل: «انّ الاسلام بدؤه محمدی وبقاؤه حسینی». «مقتل الحسين (عليه السلام)»، ص ۹۷

اما جهاد سنت که جز با فرض انجام نگیرد، جهاد با دشمن است که بر همه امت فرض است که اگر ترک کنند امت گرفتار عذاب شوند. و این جهاد بر امام سنت است (پس این سنت جهاد امام جز با فرض یعنی جهاد مردم سرنگیرد) و حدش این است که امام با امت بر سر دشمن هجوم بر دو با آنها بجنگد.

اما جهاد سنت محض، هر رسم نیکی است که کسی از خود بگذارد و در پایه گذاری و اجرا و احیای آن بکوشد هر فعالیت و کوششی که در این راه انجام دهد، افضل اعمال است، چه این زنده کردن سنت است. رسول اکرم (صلی الله علیه

وآله وسلم) فرماید :

«هر که سنت و رسم نیکی بگذارد، اجر آن سنت و اجر هر که تا قیامت به آن رفتار کند، از آن اوست، بدون آنکه از اجر آنها کاسته گردد»(۱).

غالب روایات حضرت فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) از پدر بزرگوارش میباشند و گاهی از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) اسما بنت ابی بکر، اسما بنت عمیس، عایشه، زینب بنت امیر المؤمنین (علیه السلام) و ابن عباس نقل شده است.

پاورقی

(۱) «تحف العقول»، ص ۲۷۶ و ۲۷۷.

الإمام علی بن الحسین (علیه السلام)

ابو محمد، علی بن حسین (علیه السلام) امام چهارم از ائمه اثنی عشر (علیه السلام) است که به «زین العابدین» و «سید الساجدین»، «سجاد» و «ذو الثنات» ملقب گردیده است. تولد آن حضرت پنجم شعبان (۱) سال ۳۸ هجری (۲) روی داده است. با این حال حضرت سجاد (علیه السلام) در کربلا ۲۳ سال داشته اند و فرزندشان امام باقر (علیه السلام) چهار ساله بودند.

امام سجاد (علیه السلام) بیست و پنجم محرم و یا بیست و هشتم آن ماه در سال ۹۲، ۹۴ و یا ۹۵ هجری به شهادت رسیده‌اند(۳).

نهضت عاشورا در سال ۶۱، واقعه حره در سال ۶۳ و قیام مختار در سال ۶۶ هجری از جمله حوادث مهم سیاسی عصر امام سجاد (علیه السلام) هستند.

علاوه بر احادیث ایشان، دو اثر مهم از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) به دست ما رسیده است که عبارتند از:

۱ صحیفه سجادیه .

۲ رساله الحقوق .

که هر یک از آنها بارها شرح و تفسیر شده است. مبانی اصلی مکتب امام سجاد (علیه السلام) در این دو اثر نفیس

مشخص شده امام در صحیفه سجادیه معارف الهی را با اسلوب عرفانی در قالب دعا عرضه کرده و در رساله الحقوق مبانی حقوقی و حکمت عملی را بیان داشته است. آیا این بیانات چه فاصله زمانی با نهضت عاشورا دارند، بر ما مشخص نیست. ولی قطعاً پس از آن واقعه جانگذار و شهادت مظلومانه امام حسین (علیه السلام) و یارانش بوده است. امام سجاد (علیه السلام) در قسمتی از رساله الحقوق می فرماید:

پاورقی

(۱) «الفصول المهمه»، ص ۱۸۳، «بحار الانوار»، ج ۴۶، ص ۱۴ و ۸، «الدروس»، ص ۱۵۳ «کشف الغمه»، ج ۲، ص ۱۰۵.

(۲) «الکافی»، ج ۱، ص ۴۶۶، «بحار الانوار»، ج ۴۶، ص ۱۳ و ۱۲، «الارشاد»، ص ۲۸۴ در سال ولادت ایشان اختلاف است. رجوع کنید: «تواریخ النبی والآل» ص ۲۹.

(۳) «تواریخ النبی والآل»، ص ۶۷ و ۶۶.

«... وَأَمَّا حَقُّ الْمَنْعَمِ عَلَيْكَ بِالْوَلَاءِ، فَانْ تَعْلَمَنَّ أَنَّهُ أَنْفَقَ فِيكَ مَالَهُ وَأَخْرَجَكَ مِنْ ذُلِّ الرَّقِّ وَوَحْشَتِهِ إِلَى عِزِّ الْحَرِيَّةِ وَأَنْسَهَا وَأَطْلَقَكَ مِنْ أَسْرِ الْمَلِكَةِ وَفَكَكَ عَنْكَ حَلْقَ الْعَبُودِيَّةِ، وَأَوْجَدَكَ رَائِحَةَ الْعِزِّ، وَأَخْرَجَكَ مِنْ سَجْنِ الْقَهْرِ وَدَفَعَ عَنْكَ الْعَسْرَ، وَبَسَطَ لَكَ لِسَانَ الْإِنْصَافِ وَأَبَاحَكَ الدُّنْيَا كُلَّهَا فَمَلِكُكَ نَفْسُكَ وَحَلَّ أَسْرُكَ وَفَرَّغَكَ لِعِبَادَةِ رَبِّكَ وَاحْتَمَلَ بِذَلِكَ التَّقْصِيرَ فِي مَالِهِ.»

فتعلم أنه أولى الخلق بك بعد أولى رحمك في حياتك وموتك وأحقُّ الخلق بنصرك ومعاونتك ومكانفتك في ذات الله، فلا تؤثر عليه نفسك ما احتاج إليك» (۱).

«حق مولایی که ترا آزاد کرده این است که بدانی: مالش را در راه تو خرج کرده، از ذلت و وحشت بردگی به عزت و آرامش

آزادی رسانده است از اسیری مملوک بودن رهانده ، زنجیر بردگیت را گسسته ، رائقه عزّت به مشامت رسانده است. از زندان مقهوری و مغلوبی بیرون کشیده ، سختیت را برطرف کرده ، زبان انصاف برایت گشوده است . همه دنیا را برایت حلال کرده ، ترا مالک خود ساخته ، بند اسیری از پایت گسسته برای عبادت پروردگار فارغت کرده و در این راه از مال خود کاسته است .

باید بدانی که او پس از خویشان در زندگی و مرگ از همه خلق به تو سزاوار تر است . و از همه مردم به یاری و کمک با تو در راه خدا ، شایسته تر است . اگر نیازی به تو پیدا کرد خود را بر او مقدم ندارد .

پاورقی

(۱) «تحف العقول» ، رساله الحقوق ، فقره ۲۵ ، ص ۳۰۰ .

آیا آزادشدگان فتح مکه حقوق پیامبر اسلام و اهل بیت او را نگاه داشتند ؟

و پاسخ «المودّة فی القربی» (۱) را بجا آوردند ؟

امام سجاد (علیه السلام) از فاطمه بنت الحسین (علیه السلام) روایت نقل میکند . طریق روایتی ایشان چنین است :

علی بن الحسین (علیه السلام) ، عن فاطمه الصغری ، عن الحسین بن علی (علیه السلام) [حدیث ۲ و ۳ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲] .

پاورقی

(۱) شوری ۲۳ .

الإمام محمد بن علی الباقر (علیه السلام)

ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب (علیهم السلام) ، امام پنجم از ائمه اثنا عشر و یکی از چهارده معصوم (علیهم السلام) است . تولّد ایشان سال ۵۸ هجری (۱) و یا ۵۶ هجری (۲) ذکر شده است که بنابر فرمایش خود امام باقر (علیه السلام) که در واقعه کربلا چهارساله بودند ، ولادتشان سال ۵۷ هجری است (۳) . شیخ

صدوق نقل ميکند :

«وَقَالَ زُرَّارَةُ بْنُ أَعْيَنَ لِأَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) : أَدْرُكْتَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) ؟

قال (عليه السلام) : نَعَمْ أَذْكَرُ وَأَنَا مَعَهُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَقَدْ دَخَلَ فِيهِ السَّيْلُ وَالنَّاسُ يَتَخَوَّفُونَ عَلَى الْمَقَامِ يَخْرُجُ الْخَارِجُ فَيَقُولُ : قَدْ ذَهَبَ بِهِ السَّيْلُ ، وَيَدْخُلُ الدَّاخِلُ فَيَقُولُ : هُوَ مَكَانُهُ ، قَالَ : فَقَالَ : يَا فُلَانُ ! مَا يَصْنَعُ هَؤُلَاءِ ؟

فَقُلْتُ : أَضِلَّ لِحَاكِ اللَّهِ يَخَافُونَ أَنْ يَكُونَ السَّيْلُ قَدْ ذَهَبَ بِالْمَقَامِ ، قَالَ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ جَعَلَهُ عَلَمًا لَمْ يَكُنْ لِيُذْهَبَ بِهِ ، فَاسْتَفْرُوا» .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

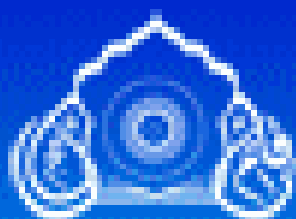
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹